



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ - ۱۸ محرم ۱۴۴۷
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۳۵۱ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

از حاشیه تا متن
تقی دژاکام

ترویج‌کننده حجاب هم اهمیت دارد!

باید دید در آثار شریعتی و برخی دینداران مبارز دیگر چه جاذبه‌ای از دین و شرع ایجاد شده بود که مخاطبان را گروه گروه به پندداری، انقلابگری و حجاب‌جذب می‌کرد و چرا امثال حسن روحانی که در کتاب «خاطرات» خود تأکید دارد این افتخار را منتسب به خودش کند که او اولین کسی بود که پیشنهاد اجباری شدن حجاب در جمهوری اسلامی را داده و خود او اولین کسی است که در محیط کار خود (ستاد مشترک ارتش) «حجاب اجباری» را قانون کرده، بسیاری از طرفدارانش و نیز طرفداران اصلاح‌طلبان امروز شمار حذف «حجاب اجباری» را می‌دهند | **صفحه ۲**

یادداشت اقتصادی
وحید عظیم‌نما | مدیر گروه اقتصادی

کارگر هست دستمزد نیست!

این روزها دوباره در برخی محافل، گفت‌مان آشنای «کار بی‌کارگر» سر زبان‌ها افتاده است. بعضی می‌گویند که صنایع با بحران نیروی انسانی روبه‌رو شده‌اند، چون مهاجران افغانستانی برگشته‌اند. گویی آنچه چرخ کارخانه‌ها را می‌چرخاند، تنها بلازوان نحیف کارگران مهاجر است و با نبودشان، همه‌چیز به سکون می‌گراید. اما این تنها نیم‌نگاهی به ماجراست و شاید مه‌نگاهی کاملاً غلط | **صفحه ۴**

یادداشت سیاسی
سیدعبدالله متولیان

«تغییر پارادایم» آدرس غلط مسببان وضع موجود

تعجب برانگیز است که مروجان نسخه تغییر پارادایم (تسلیم‌طلبان) در نقطه‌اوج کار آمدی پارادایم انقلاب اسلامی و اتحاد ملی و انسجام اجتماعی (که سبب خنثی‌سازی توطئه براندازی نظام جمهوری اسلامی شد) دست‌چاپه شده و در راستای تکمیل جدول دشمن سراسیمه بیانییه تغییر پارادایم و تسلیم شدن نوشته و همچنان بسر مذاکره با امریکا اصرار می‌ورزند، گویی شهادت فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای، نشانه‌ای از حسن نیت غرب بوده‌است!دور از ذهن نیست که این تفکر از آن سوی مرزها هدایت و مدیریت شده باشد | **صفحه ۲**

یادداشت سیاسی
داود عامری

پیوستگی تاریخی ایران و فرهنگ دفاعی ایرانیان

در عصر حاضر، حس تعلق ملی و میهن‌دوستی ایرانیان مسلمان، در قالب دفاع از استقلال، مقابله با تهاجم فرهنگی و مقاومت در برابر سلطه‌طلبی خارجی جلوه‌گر می‌شود. رسانه‌ها، تبلیغات فکری و فرهنگی، حتی هنر مردمی مانند شعر و موسیقی، همه در خدمت تقویت این‌روحية قرار دارند. جریان‌های نوین فرهنگی و سیاسی، تلاش می‌کنند ضمن پاسداشت سنت‌های دیرینه، پاسخگوی نیازهای جامعه امروزی نیز باشند. بنابراین باید گفت که حس تعلق و میهن‌دوستی ایرانیان مسلمان، پیوندی تاریخی و معنوی است که ریشه در گذشته دور و نزدیک دارد | **صفحه ۶**

یادداشت ورزشی
دنیا حیدری | خبرنگار گروه ورزشی

کلنگ امیدوارکننده فوتبال

لایه‌لای اخبار ناامیدکننده‌ای چون فساد، دلای، فرار دادهای سنگین و تأسفبار، فسخ‌های بی‌دربی و مسائل انضباطی تماشای تصاویر بیل مک‌انیکی که در مجموعه آزادی به جاد زمین افتاده و انتشار خبر کلنگ خوردن زمین تمرین درید در مرکز ملی فوتبال اتفاقی دلگرم‌کننده است، چراکه با وجود روزمرگی‌های فوتسال هنوز فراموش نکرده‌ایم خانه‌به‌دوشی‌های تیم‌ملی و تمرین کردن‌هایش در زمین شرکت واحد را. روزهایی که اردوی تیم ملی بیشتر به اسباب‌کشی شباهت داشت تا تمرین فوتبال | **صفحه ۱۳**

حقانیت هسته‌سخت ۹۰میلیونی

«مردم» ایران همیشه به تمامی و بدون تقسیم‌بندی مورد خطاب رهبران و کارگزاران نظام قرار گرفته‌اند و هیچ‌گاه تفکیک به کل و جزء نشده‌اند، رهبر انقلاب نیز بارها در زمان‌های انتخابات کل مردم را خطاب قرار می‌دادند و حتی می‌فرمودند اگر نظام جمهوری اسلامی را قبول ندارید، ایران را که قبول دارید، برای ایران وارد صحنه شوید. اما این روزها گروهی می‌خواهند القا کنند حاکمیت به اقلیت همسو و اکثریت غیر همسو قائل است و فقط در این شرایط خطیر سخن از به رسمیت‌شناختن افکار عمومی و هسته سخت ۹۰میلیونی می‌گوید و پس از اینکه آب‌ها از آسیاب افتاد به تنظیمات کارخانه بر خواهد گشت! «جوان» این ادعا را مورد آزار بایی قرار می‌دهد | همین صفحه



اروپا آماده فعال‌سازی اسنپ‌بک است ولی مسیر اجرای آن پریپیچ و خم خواهد بود

گرگ «کند دندان» اسنپ‌بک

دولت‌های اروپایی طی هفته‌های اخیر تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک را تشدید کرده‌اند. دیروز از قول صدراعظم آلمان نقل قولی منتشر شد که اروپا همین سه‌شنبه با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت، این روند را کلید خواهد زد. هر چند محتم این نقل قول تأیید نشده ولی با افزایش تنش‌ها بین ایران و غرب چنین روندی دور از ذهن نیست | **صفحه ۱۵**

حقانیت هسته سخت ۹۰میلیونی

گذشته خود این منتقدان - به‌ویژه در بزنگاه‌های انتخاباتی - استناد کرد، در واقع، بخشی از کسانی که امروز نظام را به نادیده گرفتن مردم متهم می‌کنند، در عمل خود بارها نشان داده‌اند وقتی رأی و نظر اکثریت با نظر آنها هماهنگ نبوده، به راحتی همان مردم را «نادان»، «فرب‌خورده»، یا «بی‌شعور سیاسی» نامیده‌اند.

هر گاه رأی مردم با این جماعت منتقد همسو نبود، مردم را گرفتار «سیاست‌زدگی» یا «فرب‌خورد ه‌پوپولیسیم» دانستند و هر گاه در انتخابات‌ها به قدرت رسیدند همان منتقدان، رأی مردم را «پیروزی انقلابیت»، «بلوغ سیاسی»، و «نشانه اقتدار جمهوریت» نامیدند! باز اگر در انتخابات بعدی شکست می‌خوردند (ضمن اتهامات کلیشه‌ای به شورای نگهبان و مهندسی و غیره) فضای گفتاری‌شان به سرعت تغییر می‌کرد و دوباره کلیدواژه‌های «تقلب» و «تخلف» و «مهندسی‌شده» و «فرب‌خورده» را برای رأی‌دهندگان و واژه‌های «تاامید» و «عبور کرده از انقلاب و نظام» را برای باقی کسانی که رأی ندادند یا رأی متفاوتی دادند، به کار می‌بردند و این گونه به هیچ‌یک از اقصاشر مردم رحم نمی‌کردند و مشارکت در انتخابات را فقط مشروعیت‌بخشی به حکومت می‌دانستند، نه تغییر سرنوشت!

این تناقضات نشان می‌دهد بخش‌هایی از منتقدان، فقط وقتی افکار عمومی به نفع آنان باشد، از مردم و احترام به رأی ملت دم می‌زنند، اما در صورت شکست، همان مردم را «فرب‌خورده» و «تیاژمند هدایت» می‌دانند. این در حالی است که نظام جمهوری اسلامی - با همه انتقادات و کاستی‌های موجود - هرگز هیچ انتخاباتی را باطل نکرده و در سخت‌ترین شرایط هم اصل انتخابات را به عنوان تجلی رأی مردم حفظ کرده است.

ادعای بازگشت جمهوری اسلامی به بی‌توجهی به مردم و قدرنداستن انسجام ملی این روزها، نادیده گرفتن واقعیات ساختار جمهوری اسلامی است. البته ممکن است کاستی‌هایی در برخی سطوح مدیریتی یا در برخورد‌های رسانه‌ای و سیاسی دیده شود، اما در سطح کلان، شواهدی روشن از التزام نظری و عملی به مردم، توجه به افکار عمومی، و احترام به انسجام ملی وجود دارد. «هسته سخت ۹۰میلیونی» فقط یک شعار نیست، بلکه در ساختار و مبانی نظری نظام، «ملت» همیشه پایه اصلی قدرت بوده و خواهد بود.

نظام، «ملت» همیشه پایه اصلی قدرت بوده و خواهد بود.

دریادست زاینده‌رود را گرفت حالا نوبت سیاست‌گذاری عمیق‌تر است

همسایگرتندی | خبرنگار گروه اجتماعی

■ پس از سال‌ها خشک‌سالی، فرونشست زمین و سکوت زاینده‌رود، جریان آب در بستر خشک‌شده این رود، نفس تازه‌ای به شهر داد. البته این قدم اول است. پروژه انتقال آب از دریای عمان به اصفهان، نقطه شروعی مهم در مقابله با بحران آب به حساب می‌آید، در قدم بعدی کارشناسان معتقدند برای آنکه این جریان آبی، به جای تکرار چرخه‌های نابایدار، زمینه‌ساز رزینی نو در فلات

دیکتاتورهای دگم‌اندیش و حریمی که برای نقد قائل نیستند

■ نمونه بارز رفتار تخریبی دیکتاتورهای دگم‌اندیش را می‌توان در هجمه‌های اخیر به مواضع محمدجواد لاریجانی و مهدی محمدی مشاهده کرد که هر چند تحلیل‌های لاریجانی بسیار غلط و بی‌وقت بوده است یا کار مشاور فالییاف مورد تأیید نیست و خود او نیز از این بابت عذرخواهی کرده اما در فضای رسانه‌ای اولاً رفتار و گفتار این دو را به غلط پای نظام می‌نویسند و ثانیاً به‌جای نقد سخن، به شخصیت آنان حمله می‌کنند

یادداشت «جوان» به هیئت دولت رسید

■ یادداشت «آقای دولت خداحوت» که در روز شنبه هفتم تیر ۱۴۰۴ در شماره ۷۳۳۹ روزنامه جوان منتشر شد، بازتابی فراتر از یک گزارش معمولی داشت. چند روز پس از انتشار، نسخه‌ای از این یادداشت روی میز یکی از مقامات ارشد دولت چهاردهم قرار گرفت؛ مقامی که نه تنها متن را با دقت مطالعه کرد، بلکه در حاشیه آن، بازآایی رسمی نوشت که به روشنی نشان‌دهنده تأثیرگذاری محتوای یادداشت بود

رهبر انقلاب نقشه‌تجربه ایران را نقش بر آب کرد

مسجد آفری | خبرنگار گروه اجتماعی

■ محسن ردادی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با «جوان»، تأثیری که رهبر معظم انقلاب در این جنگ داشتند فراتر از تصور صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها بود. ایشان مانند ستون خیمه هستند و حضور ایشان موجب می‌شود نظم تمام بخش‌های دولتی، نظامی و غیره برقرار بماند



آب رفتن شیر خشک در برهوت نقدی‌نگی

زهرآچینی | خبرنگار گروه اجتماعی

شیر خشک نیست! این خلاصه تماس‌هایی است که از سوی مادران دارای نوزاد شیرخوار دریافت می‌کنیم، البته که بررسی‌های میدانی ما هم مؤید این کمبود است. ظاهر آس‌آزمان غذا و دارو سهمیه شیر خشک نوزادان را از ۱۲ تا ۱۰ قوطی در ماه به چهار قوطی در ماه کاهش داده‌است، اما والدین برای تهیه همین میزان شیر خشک هم با مشکل مواجه‌ند و میان داروخانه‌های شهر سیرگردان می‌شوند. صرف‌نظر از برخی برندهای خاص که کمیاب یا حتی نایاب شده‌اند به طور کلی هم شیر خشک در داروخانه‌ها کم است. از سوی دیگر ماهی چهار قوطی شیر خشک خیلی شناسنامه‌دار در مقابل ۲۴ میلیون نعمت شیر مادر محرومند، کفایت نمی‌کند

■ شیر خشک نیست! این خلاصه تماس‌هایی است که از سوی مادران دارای نوزاد شیرخوار دریافت می‌کنیم، البته که بررسی‌های میدانی ما هم مؤید این کمبود است. ظاهر آس‌آزمان غذا و دارو سهمیه شیر خشک نوزادان را از ۱۲ تا ۱۰ قوطی در ماه به چهار قوطی در ماه کاهش داده‌است، اما والدین برای تهیه همین میزان شیر خشک هم با مشکل مواجه‌ند و میان داروخانه‌های شهر سیرگردان می‌شوند. صرف‌نظر از برخی برندهای خاص که کمیاب یا حتی نایاب شده‌اند به طور کلی هم شیر خشک در داروخانه‌ها کم است. از سوی دیگر ماهی چهار قوطی شیر خشک خیلی شناسنامه‌دار در مقابل ۲۴ میلیون نعمت شیر مادر محرومند، کفایت نمی‌کند

فقط ۲درصد بازار کار ایران نیروی کار خارجی مجوزدار است

بهتاز قاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی

■ تصور غلطی در میان ایرانیان رایج شده مبنی بر اینکه با خروج افغان‌ها از کشور بسیاری از مشاغل مانند ساختمان‌سازی، کشاورزی و خدمات تعطیل شده و بدون کارگر می‌ماند، اما آنچه معاون وزیر کار روز گذشته بر آن تأکید داشت، حاکی از این واقعیت است که نیروی کار خارجی شناسنامه‌دار در مقابل ۲۴میلیون نیروی شاغل ایرانی، فقط ۲درصد بازار کار را تشکیل داده است. سیدمالک حسینی معتقد است در مشاغل خاص و سخت، مانند ساختمان و کشاورزی، نیروی کار ایرانی همواره نقش مدیریت داشته است و ورود نیروی کار خارجی اغلب زمانی پذیرفته می‌شود که تقاضای ایرانی وجود نداشته باشد

بدون حق غنی‌سازی صلح‌آمیز خروج از NPT اجتناب‌ناپذیر است

■ دو نماینده مجلس در گفت‌وگو با «جوان»: تمام گزینه‌ها از جمله خروج از NPT روی میز قرار دارد. در صورتی که آژانس و کشورهای عضو NPT نتوانند به تعهدات خود در قبال ایران عمل کنند، خروج از NPT به عنوان قدم بعدی ایران قابل پیش‌بینی است. ایران هیچ‌گاه نباید در چارچوب معاهده‌ای قرار گیرد که در آن حقوقش به وضوح نادیده گرفته می‌شود



تغییر یار اداییم»

آدرس غلط مسبین وضع موجود



سیدعبدالله‌موتلیان کارشناس سیاسی

«استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به‌الگوی بی‌نظیر در جهان تبدیل شده که در برابر شرق و غرب ایستاده است. اما در طول سال‌ها، برخی مدیران به‌جای تقویت این مدل، به ترویج اقتصاد نئولیبرال و وابستگی (به عنوان مبانی الگواره تسلیم و سازش با نظام سلطه) پرداختند. نام‌هایی مانند عباس آخوندی، موسی غنی‌نژاد، فرهاد مسعود نیلی، ولی‌الله سیف،در زمره ۱۸۰ اقتصاددان، اقتصادخوان و اقتصاددانانی هستند که با نظر به‌های غرب‌محور، زلف اقتصاد ایران را به تحریف، تورم و وابستگی گره زده و موجب تحمیل خسارات مادی و معنوی جبران ناپذیر به کشور شده‌اند.امروز همین افراد و همین تفکر (که اکثریت آنان هیچ سرسرشته‌ای در اقتصاد ندارند) از «تغییر یار اداییم» سخن می‌گویند، اما مقصودشان از تغییر، تسلیم در برابر امریکا، تغییر قانون اساسی و عبور از نظام است.

۲. تغییر یار اداییم یا تسلیم یار ادایمی؟

گفتمان «تغییر یار اداییم» حداقل سه مؤلفه و خطر اصلی دارد: -بی‌اعتمادی به توان داخلی و اعتماد به امریکا به عنوان «تنهارا حل» مشکلات.

-تمرکز صرف بر رفع تحریم‌ها (به جای تمرکز بر خنثی سازی تحریم‌ها) بدون محاسبه هزینه‌های سنگین اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و امثال آن.

-پذیرش ذلت از طریق عقب‌نشینی در برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای و تکمیل جورچین تسلیم‌سازی کشور.

تاریخ نشان داده این راهبرند تنها هیچگاه کار ساز نبوده، بلکه هر بار دشمن را جری‌تر و مصمم‌تر به تشدید فشارها کرده است. برجام خسارت محض نمونه آشکار این شکست است، توافقی که با امتیازهای سنگین همراه شد، اما امریکا حتی به تعهدات حداقلی خود هم پایبند نماند.

۳. جنگ ۱۲ روزه، آزمون نهایی موفقیت یار اداییم انقلاب اسلامی در برابر یار اداییم سازش با غرب است:

-الگوی مقاومت با پاسخ قاطع نظامی و دیپلماتیک (و پشیمان کننده) به تجاوزات انتلاف غربی- صهیونی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علاوه بر اثبات کارآمدی یار اداییم انقلاب اسلامی، ثابت کرد تنها زمانی که دشمن می‌فهمد، زبان قدرت است و این نقطه اوج موفقیت الگواره انقلاب اسلامی است.

-تعجب برانگیز است که مرجان نسخه تغییر یار اداییم (تسلیم‌طلبان) در نقطه اوج کارآمدی یار اداییم انقلاب اسلامی و اتحاد ملی و انسجام اجتماعی (که سبب خنثی سازی توطئه براندازی نظام جمهوری اسلامی شد) دستپاچه شده و در راستای تکمیل جدول دشمن بر اساسیمه یبانیبه تغییر یار اداییم تسلیم شدن نوشته و همچنان بر مذاکره با امریکاصرار می‌ورزند، گویی شهادت فرماندهان و نانشمندان هسته‌ای، نشانه‌ای از حسن نیت غرب بوده است!دور از ذهن نیست که این تفکر از آن سوی مرزها هدایت و مدیریت باشد.

پیروزی الهی جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه نشان داد در تقابل با مرجان نسخه «تغییر یار اداییم»، راه نجات کشور، تحقق «الگواره تغییر» (حذف غرب گرایان از سپهر مدیریت کشور) است، نه «تغییر یار اداییم» و تسلیم در برابر فشارها. تحقق «الگواره تغییر» مبتنی بر بیابیه گام دوم انقلاب، ایران را مانند حوزه‌های امنیتی و دفاعی از بن بست‌های اقتصادی نجات داده و تحقق موارد زیر را بر پی خواهد داشت:

-حاکمیت گفتمان مقاومت در اقتصاد، سیاست و فرهنگ. -پاکسازی ساختارها از عناصر وابسته، مرعوب یا مجذوب غرب. -تقویت اقتصاد درون‌زا و برون گرا به جای تبعیت از الگوهای اقتصادی مهندسی شده و فسادخیز غربی. -افزایش قدرت بازدارندگی و تاب آوری کشور. -آر‌تقاء توان معیشتی خادوار افزایش نشاط اجتماعی، آرامش و امید ملی و اعتماد به نظام.

۴. نقشه دشمن: تغییر یار اداییم، نه جنگ نظامی:

جالب اینجاست که دشمن هم مانند مرجان «تغییر یار اداییم» در یلغته که کلید شکست ایران، تغییر الگو و یار اداییم حاکم است، نه حمله نظامی. اما ملت ایران فهمیده که «یار اداییم تغییر» (اصلاح‌مدیریتی) تنها راه نجات کشور است، نه «تغییر یار اداییم» (تسلیم در برابر غرب). حالاًوقت آن است که به‌جای پذیرش نقش گفتمان شکست خوردگان، الگوی امام خمینی (ره) و شهید بهشتی را احیا کنیم، الگویی که ثابت کرد «قدرت، استقلال و مقاومت» تنها راه بقای ایران است.



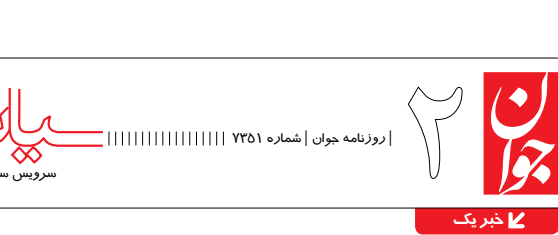
احمد ریان در گفت و گو با همتای اماراتی:

امنیت خلیج فارس مستلزم مشارکت کشورهای منطقه است

دبیر شورایعالی امنیت ملی در گفت و گو ی تلفنی با مشاور امنیت

ملی امارات متحده عربی گفت: امنیت خلیج فارس و امنیت به هم پیوسته همه اعضای آن، مستلزم مشارکت کشورهای منطقه است.

علی اکبر احمدیان نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورایعالی امنیت ملی در گفت و گو ی تلفنی با طحون بن‌زاید آل‌نهیان مشاور امنیت ملی امارات متحده عربی، ضمن تشکر از مواضع امارات در محکوم نمودن تجاوز رژیم صهیونی به ایران، درباره مهمترین موضوعات منطقه‌ای، اقدامات تجاوزگرانه امریکا و رژیم صهیونیستی و نیز در خصوص روابط دو کشور گفت وگو ی تلفنی کرد. احمدیان در همتای اماراتی خود گفت: امنیت خلیج فارس و امنیت به هم پیوسته همه اعضای آن، مستلزم مشارکت کشورهای منطقه است و اگر امنیت یکی از کشورها با مخاطره خارجی مواجه شود، کل منطقه دچار چالش خواهد شد. همچنین دبیر شورایعالی امنیت ملی بر سیاست اصولی ایران و گسترش روابط با همسایگان تأکید کرد. طحون بن‌زاید آل‌نهیان، مشاور امنیت ملی امارات نیز با اشاره به جایگاه ایران در منطقه گفت: تأمین امنیت در منطقه می‌بایست توسط تمامی کشورهای منطقه صورت گیرد و اختلال در امنیت یک کشور، اثراتی منفی بر سایر کشورهای منطقه بر جای می‌گذارد. همچنین وی تأکید کرد که کشورش همواره از گفت وگو برای حل و فصل تمامی چالش‌ها حمایت می‌کند.



خبر یک

روزنامه جوان | شماره ۲۲۶۱ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ | ۱۸ محرم ۱۴۴۷

رئیس جمهور:

موشک‌ها و انسجام ملی، عوامل اصلی پیروزی در جنگ بود



ریاست جمهوری

اگر در کنار توانمندی‌ها و موشک‌های نیروهای مسلح که اشتهار رژیم صهیونیستی را در هم شکستند، مردم با وحدت و انسجام پای کار و در میدان نبودند، موفقیت و پیروزی مسا ممکن نبود. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری، دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور صبح دیروز با حضور از پیش اعلام نشده در وزارت نفت، از تلاش‌های مجموعه کارکنان و مدیران این وزارتخانه در مسیر مداوم خدمت‌رسانی در دوران جنگ و جلوگیری از بروز کمبود و چالش در عرضه حامل‌های انرژی قدردانی کرد و اظهار داشت: این‌شما بودید که

در کنار دیگر قشرهای مردم با درک صحیح و درایت به‌هنگام، نقشه‌های دشمن را برای بهم ریختن کشور نقش بر آب کردید؛ اگر در کنار توانمندی‌ها و موشک‌های نیروهای مسلح که اهت رژیم صهیونیستی را در هم شکستند، مردم با وحدت و انسجام پای کار و در میدان نبودند، موفقیت و پیروزی ما ممکن نبود. رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه شما در وزارت نفت مأموریت و مسئولیت سنگین به‌قسمی در زمینه ساماندهی عرصه تولید و مصرف انرژی در کشور بر عهده دارید، افزود: مهمترین مولفه و نیاز موفقیت هر طرح، برنامه و اقدامی برای ساماندهی تولید و مصرف انرژی و

در اختیار داشتن داده‌های دقیق، به‌روز و کامل است و برای تهیه این داده‌ها، ارتباطات بین بخشی، باید ناظر به اهمیت موضوع ساماندهی بخش انرژی بیش از پیش تقویت شود. پزشکیان با تأکید بر اهمیت افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت تصریح کرد: افراد و مجموعه‌های زیادی برای سرمایه‌گذاری در عرصه مدیریت تولید و مصرف انرژی اعلام آمادگی و علاقمندی کرده‌اند که باید نسبت به جذب و استفاده از این‌پتانسیل فعالانه‌تر عمل کرد. وی همچنین توسعه زیرساخت‌های تولید انرژی پاک به ویژه تسریع در احداث هیچ‌گاه‌های خورشیدی را، اقدامی مکمل در

در چنین جنگی، نه مشاور رئیس‌مجلس، بلکه اگر خود رئیس‌مجلس یا رئیس‌جمهور هم می‌گفتند سیاست هسته‌ای ما از این پس کاملاً تغییر خواهد کرد، جای هیچ سرزنشی نبود. با وجود این، سیاست نظام، تولید سلاح کشتار جمعی نیست. همچنان که معتقدیم داشتن سلاح هسته‌ای، نه امریکا و نه شوروی را از شکست‌های خفت بار در ویتنام و عراق و افغانستان و یمن نجات

داد. ایران در جنگ ۱۲ روزه، بدون آنکه از انواع موشک‌های پیشرفته‌تر خود استفاده کند، با رویکردی که بیشتر انبارگردانی بود، از موشک‌های قدیمی‌تر و انباشته طی ده پانزده سال قبل استفاده کرد، اما با وجود این، موشک‌ها در تسل اوپو و حيفا (منطقه کربا و وزارت جنگ، دفتر نخست وزیر، مقر موساد و امن، موسسه وایزمن، پایگاههای نظامی مثل نواتیم، پالایشگاه حيفا و...) آثار کارستانی افریدند. موشک‌ها زهر جشمی گرفتند که محافل عبری و غربی مثل گاردین و هآرتس از آن به عنوان «موشک‌های هیولایی، جهنم ساختند». تعبیر کردند. طوری شد که دونالد ترامپ با وجود اصرار به انکار و کوچک‌نمایی ضربات ایران گفت: «اسرائیل واقعا ضربه خیلی سختی خورد؛ خصوصاً در روزهای آخر. وای پسر! اون موشک‌های بالستیک خیلی از ساختمان‌ها رو نابود کردند.»

ایمانی اضافه کرد: «این دستگرمی که نمایشی از نوک کوه یخ اقتدار نظامی و تهاجمی بود و ایران را به عنوان ابرقدرت موشکی در جهان معرفی کرد، موجب شد آغاز کنندگان جنگ تحمیلی، به دست و پا بيفتند و برای مهار سرعت تصاعد عملیاتی ایران، دست به دامن واسطه‌ها برای آتش بس شوند. این در حالی بود که ایران به طور محدود، فقط تیزی نوک خنجر خود را در قالب شلیک فقط چند فروند موشک خیبر شکن و سجیل، به دشمن متوهم چشاندۀ بود. دروغ می‌گویند. جنگال وسر و صدا بر سر بمب اتمی نیست که ایران می‌توانسته، اما نخواست و نسانخته است. وحشت غرب، از آن اراده و اقتدار تهاجمی است که در حال شکستن گمر اسرائیل بود و ترامپ دوبانه را طر‌ف‌دار آتش بس کرد؛ این توان استثنایي آژانس (و اذعان به عدم انحراف این برنامه)، وسط مذاکرات هسته‌ای از سوی طرف دارای بمب اتمی و توجه آشپروش هدف حمله فاعلگیرانه قرار می‌گیرد.» ایمانی اضافه کرد: «ما در جهانی زندگی می‌کنیم که ازانس به جای حمایت و صیانت از برنامه صلح امیز، پس از دوده هم‌کاری و بازرسی‌های استثنایي آژانس (و اذعان به عدم انحراف این برنامه)، وسط مذاکرات هسته‌ای از سوی طرف دارای بمب اتمی و توجه آشپروش هدف حمله فاعلگیرانه قرار می‌گیرد.» ایمانی اضافه کرد: «ما در جهانی زندگی می‌کنیم که ازانس به جای حمایت و صیانت از برنامه صلح امیز (بومی) ایران، جاسوسی امریکا و اسرائیل برای دقیق‌تر زدن دانشمندان و تأسیسات هسته‌ای را می‌کند و حق را به طرف مجاوز می‌دهد.

و تأسیسات هسته‌ای را می‌کند و حق را به طرف مجاوز می‌دهد.

معاون وزیر دفاع تأکید کرد که با جدیت و حمایت کمیسیون امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی به دنبال تقویت منابع بودجه نیاز برای نیازهای دفاعی کشور هستیم. همچنین مسئولان حاضر در این نشست گزارشی از حوزه مأموریتی خود ارائه دادند. رضایی درباره جزئیات این طرح، تصریح کرد: کلیات این طرح با یک ماده واحده و سه بند به تصویب رسید و احتمال اعمال تغییراتی در آن وجود دارد. در این طرح سازمان برنامه بودجه و وزارت نفت مکلف می‌شوند که ۱۰۰ درصد بودجه مسلح قرار دهد.

دفاعی سال ۱۴۰۴ مربوط به تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح و همچنین باقیمانده بودجه تأمین نشده سال ۱۴۰۳ مربوط به طرح‌های ویژه دفاعی را پرداخت کنند. وی اضافه کرد، همچنین سازمان در این نشست گزارشی از حوزه مأموریتی خود ارائه دادند. رضایی درباره جزئیات این طرح، تصریح کرد: کلیات این طرح با یک ماده واحده و سه بند به تصویب رسید و احتمال اعمال تغییراتی در آن وجود دارد. در این طرح سازمان برنامه بودجه و وزارت نفت مکلف می‌شوند که ۱۰۰ درصد بودجه



ازحاشیه تا متن

تقی‌دراکام روزنامه‌نگار



ترویج‌کننده حجاب هم اهمیت دارد!

همسر شهید منوچهر منق در خاطراتش نقل می‌کند که خانوادای کاملاً غیر سیاسی و تا حدودی غیر مذهبی داشته است. از پیش از انقلاب ولع خواندن و دانستن داشته و کتاب‌های گروه‌های سیاسی مختلف را دیده و مطالعه کرده و از هر کدام از آنها به دلیل یا دلایلی متنفر شده است: از کتاب‌های توده‌ای‌ها، از کتاب‌های مجاهدین خلق و کتاب‌های احزاب دیگر. بعد از دوستانش شروع می‌کند به خواندن آثار دکتر شریعتی. کتاب‌های دکتر تأثیر مثبت و فراوانی روی او گذاشته و باعث شده که هم به دین و هم به انقلابی‌گری علاقه فراوانی پیدا کند و از جمله به شدت به «حجاب» و «چادر» علاقه‌مند شود.

خانم ملکی در این‌باره می‌گوید: «مادر من از حجاب خوشش نمی‌آمد. گفته بودم برای وقتی که با دوستانم به زیارت می‌روم، چادر بپوش. هر روز چادرم را تا می‌کردم، می‌گذاشتم ته کیفم. کتاب‌هایم را می‌چیدم روش. از خانه که می‌امدم بیرون، سرم می‌کردم تا وقتی برمی‌گشتم، آن‌سال‌ها، چادر یک موضع سیاسی بود.»

این خاطره، تنها و تنها یک نمونه از فراوان موارد پرشماری است که پیش از پیروزی انقلاب چه کسانی با کتاب‌ها و آثار یک روشنفکر مسلمان به دینداری انقلابی‌گری و پایبندی‌های شرعی گرایش پیدا کرده‌اند. در همین رابطه مرحوم علامه محمدرضا حکیمی می‌گوید: «پنجانب از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تدریس می‌کردم و دانشجویانی بسیار، حتی از دانشگاه‌های دیگر، به صورت مستمع آزاد در آن کلاس (در سه‌نیم‌رلانغه) حاضر می‌شدند؛ تا آنجا که تعدادشان به ۳۰۰ نفر می‌رسید. نیمی از حاضران خانم‌ها بودند و همه باحجاب. آن خانم‌ها از کسانی بودند که تحت تأثیر شریعتی و مطالعه آثارش، حجاب را انتخاب کرده بودند.»

آقای محمد رجبی از دانشجوین آن دوره نیز می‌گوید: «پنجانب در سال ۱۳۴۷ که با دانشگاه رفتم، فقط یک خانم چادری در آنجا بود. از این‌رو برای تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان که حضور خانم‌های با حجاب در آن ضروری بود، دچار مشکل بودیم. پس از گذشت چند سال من به زندان افتادم و هنگامی که در سال ۱۳۵۵ آزاد شدم و با دانشگاه رفتم، بسیاری از خانم‌ها را با حجاب دیدم که همه متأثر از شریعتی و کتاب‌های او بودند.»

باید دید در آثار شریعتی و برخی دینداران مبارز دیگر چه جاذبه‌ای از دین و شرع ایجاد شده بود که مخاطبان را گره‌گروه به دینداری، انقلابیگری و حجاب جذب می‌کرد و چرا امثال حسن روحانی که در کتاب «خاطرات» خود تأکید دارد این افتخار را منتسب به خودش کند که او اولین کسی بود که پیشنها‌د اجباری شدن حجاب در جمهوری اسلامی را داده و خود او اولین کسی است که در محیط کار خود (ستاد مشترک از تش) «حجاب اجباری» را قانون کرده، بسیاری از طرفدارانش و نیز طرفداران اصلاح‌طلبان امروز شعار حذف «حجاب اجباری» را می‌دهند تفاوت، رفتار شریعتی و روحانی در چاب‌بوده؟ شریعتی چه با چه‌ها داشته که روحانی و بسیاری از علمامه‌بهرای اصلاح‌طلب آن را ندارند؟

بحث این یادداشت، خوبی و بدی حجاب نیست، بحث کسانی است که با رفتار چادر حجاب را در عفاف و حجاب می‌کنند و گرنه علمای بزرگی چون امام و آیت‌الله خامنه‌ای و بسیاری از علمای انقلابی، هم به حجاب و ضرورت آن تأکید داشته‌اند و هم طرفداران و عاشقان آنها، تنها در ایران که در دیگر کشورهای مسلمان نشین دیگر هم به حجاب اعتقاد و التزام دارند و اعتقادایش از دوران قبل از انقلاب به این نکته توده‌دارند که الان بسیار بیشتر از آن‌موقع «یک موضع سیاسی و انقلابی هم است».



کواکبان برای اثبات ادعایش به مصاحبه جعلی متوسل شد!

مصطفی کواکبیان، نماینده سابق مجلس که در پی اظهارات خود در یک برنامه تلویزیونی به دادسرای تهران احضار شده بود، تاکنون هیچ سند معتبری در اثبات ادعای خود به مقام قضایی ارائه نکرده است.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، بعد از ادعای نماینده سابق مجلس در یک برنامه زنده تلویزیونی، دادسرای تهران وی را احضار کرد و به او دستور داد با حضور زردمقام قضایی اسناد خود را ارائه کند. در پی احضار این فعال سیاسی به دادسرای تهران وی با ارائه متن تایپ شده جعلی یک مصاحبه که البته بیشتر هم محتوای آن تکذیب شده بود و چندی مطلبی در هیچ رسانه معتبر داخلی و خارجی دیگری منتشر نشده است، عنوان کرد مستندات وی‌رای آن ادعای مجهول این مصاحبه بوده است. تصریح می‌شود نامبرده هیچ سند معتبر، یا حتی لینک رسانه‌های داخلی یا خارجی در مورد ادعای خود ارائه ن داده است.

کواکبیان، نماینده اسبقی مجلس در یک برنامه تلویزیونی ادعایی مجهول درباره شخصیت‌های سیاسی کشور مطرح کرد و مدعی شد کاترین شکدم با ۱۲۰ نفر از افراد مهم مملکت ارتباط نامشروع برقرار کرده بود. در پی ادعای مطرح شده، دادستانی تهران به دلیل این ادعای بدون سند و تشویش آذهان عمومی، ضمن تشکیل پرونده قضایی علیه این فعال سیاسی اعلام جرم کرد. مقام قضایی ضمن احضار وی دستور داد فرد مورد اشاره مدارک و مستندات خود را به مقام قضایی ارائه دهد.

مقام ارشد دفاعی: مسیر موشکی دست‌بر‌تر ایران مقابل دشمن است

فرمانده قرارگاه گاه‌سایبری و تهدیدات نوین قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا گفت: مسیر موشکی ایران با قدرت بیشتر پیش می‌رود و دست‌بر‌تر انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران در مقابل دشمنان خواهد بود.

به گزارش مهر، سردار سرلشکر مصطفی ایزدی، فرمانده قرارگاه سایبری و تهدیدات نوین قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا با اشاره به ابعاد شخصیتی سراد شهید امیر علی حاجی‌زاده، اظهار داشت: سردار پرافتخار اسلام شهید حاجی‌زاده یک مجاهد و دانشمند بزرگ بود که مایه افتخار و آبرو برای ایران و جهان اسلام شد.

فرمانده قرارگاه گاه‌سایبری و تهدیدات نوین سر قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا ادامه داد: شهید حاجی‌زاده یک بنیان مرموص را در تداوم راه شهید «حسن طهرانی مقدم» بنیان نهاد و صنعت موشکی را که حاصل خود شهیدان و مجاهدات‌های رزمندگان در دفاع مقدس است در کشور نهاده کرد. وی توان موشکی نیروهای مسلح را توان دفاعی ملت ایران دانست و افزود: راه این شهیدان در توسعه توان موشکی با استواری ادامه می‌یابد و همان طوری که با شهادت طهرانی مقدم، خون مطهر ایشان موجب شد این حرکت با قوت و ابتکار بیشتری پیش برود، بعد از شهادت سردار حاجی‌زاده نیز این مسیر رشد و توسعه بیشتری خواهد یافت. سرلشکر ایزدی توسعه توان موشکی را یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برشمرد و بیان اینکه توان ماعجاب کارشناسان چنانچه ایران را در پی داشته است، گفت: به برکت خون مطهر شهیدان، این مسیر با قدرت بیشتر پیش می‌رود و دست‌بر‌تر انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران در مقابل دشمنان خواهد بود.

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ | ۱۸ محرم ۱۴۴۷

گزارش یک زهراچیذری

شیر خشک نیست! این خلاصه تماس‌هایی است که از نسوی مادران دارای نوزاد شیرخوار دریافت می‌کنیم؛ البته که بررسی‌های میدانی ما هم مؤید این کمبود است. ظاهراً سازمان غذا و دارو سهمیه شیر خشک نوزادان را از ۱۰ تا ۱۲ قوطی در ماه به چهار قوطی در ماه کاهش داده‌است، اما والدین برای تهیه همین میزان شیر خشک هم با مشکل مواجهند و میان داروخانه‌های شهر سرگردان می‌شوند. صر فظنر از برخی برندهای خاص که کمپاب یا حتی نا یاب شده‌اند، به طور کلی هم شیر خشک در داروخانه‌ها کم است. از نسوی دیگر ما هی چهار شیر خشک خیلی وقت‌ها برای شیر خورانی که از نعمت شیر مادر محرومند، کفایت نمی‌کند. علاوه بر همه این‌ها، اخیراً سهمیه شیر خشک نوزادان کمتر هم شده است.

■ ■ ■

افزایش نرخ ارز، مشکلات تأمین مواد اولیه و اختلال در زنجیره توزیع از جمله چالش‌هایی است که شیر خشک از دسترس شیرخوارگان دور کرده‌است. به گفته متصدی یک داروخانه، برخی برندها که پارانه‌ای بودند، دیگر نمی‌رسند یا به صورت قطره‌چکانی توزیع می‌شوند. در عوض، شیر خشک‌های وارداتی با ارز آزاد در داروخانه‌های خاص موجودند، آن هم به قیمت‌هایی سرسام‌آور. کمبود شیر خشک در شرایطی است که برخی از مادران به دلایلی نظیر بیماری یا ضعف جسمی و دلایل دیگر شیر کال برای شیر دادن به نوزادانشان را ندارند و با کاهش و کمبود شیر خشک، تغذیه‌با شیر مادر ترویج نمی‌شود. این ماجرا در شرایط کنونی و با عنایت به وضعیت جمعیتی کشور فقط می‌تواند چالش‌های فرزندان را بیشتر و بیشتر کند.

■ **چالش گرانی ارز ونبود نقدینگی**

مهرماه سال گذشته بود که هانی تحویل‌زاده، رئیس انجمن تولیدکنندگان شیر خشک و غذای کودک، اعلام کرد، عدم تخصیص ارز برای واردات مواد اولیه طی شش ماه، به تعطیلی برخی واحدهای تولیدی منجر شده و ادامه این روند می‌تواند بحران را تشدید کند. به گفته وی ما ظرفیت تولید ۱۷ میلیون قوطی شیر خشک در سال را داریم که این تقریباً دو برابر نیاز کشور است، پس مشکل اصلی نه در تولید، بلکه در تأمین ارز و مواد اولیه است. بنا به تأکید رئیس انجمن تولیدکنندگان شیر خشک و غذای کودک کمبود نقدینگی در بخش تولید برای خرید مواد اولیه اصلی‌ترین چالش در این ماجراست. دلیل این کمبود نقدینگی هم به تغییرات قیمت ارز باز می‌گردد. به گونه‌ای که قیمت ارز برای شیر خشک در دو سال گذشته حدود هفت برابر شده است. در حالی که قرار بود نقدینگی لازم به کارخانه‌ها تزریق شود تا براساس قیمت جدید بتوانند مواد اولیه را خریداری کنند، اما این اتفاق نیفتاده و درحال حاضر کمبود نقدینگی در این حوزه بسیار زیاد است.

گزارش ۲ مهساگربندی

جامعه‌ سرویس اجتماعی ۸۵۳۳۰۶۰

آبرفتن شیر خشک در برهوت نقدینگی

رئیس انجمن تولیدکنندگان شیر خشک: در حال حاضر از ۵ واحد تولید شیر خشک در کشور، تنها ۲ واحد امکان تولید تمام وقت داشته و ۳ واحد دیگر به دلیل مشکل نقدینگی امکان تولید با تمام ظرفیت را ندارند

سرپرست فرآورده‌های طبیعی، سنتی، مکمل و شیر خشک سازمان غذا و دارو: سهمیه ماهانه شیر خشک نوزادان محفوظ است و توزیع عادلانه بر اساس کد ملی و سن نوزاد انجام می‌شود



بر استمرار روند تأمین و توزیع شیر خشک می‌گوید: «تخصیص سهمیه شیر خشک نوزادان بر اساس کد ملی و سن انجام می‌شود و ممکن است در هر نوبت مراجعه، تنها بخشی از سهمیه ماهانه تحویل داده شود.» وی با اشاره به تولید شبانه‌روزی شیر خشک‌های معمولی و رژیمی در کارخانه‌ها، وضعیت ذخایر را مطلوب ارزیابی کرد. شعبیی با تأکید بر اصل توزیع عادلانه تصریح کرد: «ما هیچ‌گاه سهمیه را به نوبت مراجعه‌کنندگان نمی‌توانیم بچینیم. سهمیه را به نوبت توزیع می‌کنیم. سهمیه‌بندی شیر خشک بر اساس گروه‌های سنی مختلف و بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند برای شناسایی و رصد دقیق مصرف‌کنندگان واقعی خبر داده‌بود، به گفته وی با وجود کاهش نرخ مولید از یک میلیون و ۲۰۰ نوزاد در سال ۱۴۰۲ به ۹۰۰ هزار مولید در سال ۱۴۰۳ (کاهش ۱۰ درصدی) میزان مصرف شیر خشک در همین بازه زمانی حدود ۵۰ درصد افزایش یافته که جای سؤال دارد؟

صفا تخصصی ارز تزجیحی برای شیر خشک در سال ۱۴۰۲ را ۱۱۵ میلیون دلار عنوان کرده و گفته‌بود: «با کاهش سهمیه و تخصیص آن در طول ماه راه فراهم می‌شود. سهمیه را به نوبت توزیع می‌کنیم. سهمیه‌بندی شیر خشک بر اساس گروه‌های سنی مختلف و بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند برای شناسایی و رصد دقیق مصرف‌کنندگان واقعی خبر داده‌بود، به گفته وی با وجود کاهش نرخ مولید از یک میلیون و ۲۰۰ نوزاد در سال ۱۴۰۲ به ۹۰۰ هزار مولید در سال ۱۴۰۳ (کاهش ۱۰ درصدی) میزان مصرف شیر خشک در همین بازه زمانی حدود ۵۰ درصد افزایش یافته که جای سؤال دارد؟

وی با اشاره به سامانه تأمین شیر خشک می‌افزاید: «این سامانه با استفاده از کد ملی و سن نوزاد، امکان پایش سهمیه و تخصیص آن در طول ماه راه فراهم می‌کند. ما هیچ‌گاه سهمیه را به نوبت توزیع می‌کنیم. سهمیه‌بندی شیر خشک بر اساس گروه‌های سنی مختلف و بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند برای شناسایی و رصد دقیق مصرف‌کنندگان واقعی خبر داد. دکتر شهرام شعبیی، سرپرست فرآورده‌های طبیعی، سنتی، مکمل و شیر خشک سازمان غذا و دارو با تأکید می‌شود: «شعبیی در پایان با هشدار نسبت به ذخیره‌سازی غیر ضروری تأکید می‌کند: «شیر خشک نوزادان در شرایط کنونی و با عنایت به تغییرات نرخ ارز، به نوبت توزیع می‌شود.»

جوان ۳۳۵۱

بهمن متین‌پور | دکترای روان‌شناسی و پژوهشگر

زبان‌مان را پس نگیریم رابطه‌مان را از دست می‌دهیم

در سال‌های اخیر، واژه‌هایی مثل «پارتنر»، «شریک جنسی»، «ازدواج سفید» و «رابطه آزاد»، آرام‌آرام جای مفاهیمی مثل «همسر»، «خانواده» و «ازدواج» را گرفته‌اند. این تغییر واژه‌ها، در ظاهر ممکن است فقط یک نوسازی زبانی به نظر آید اما در واقع، نشان‌دهنده تغییری عمیق در ارزش‌گذاری فرهنگی و رابطه‌ای ماست. همانطور که متخصصان زبان‌شناسی و جامعه‌شناسان می‌گویند، زبان صرفاً ابزاری برای انتقال نیست؛ بلکه یک موجودیت پویاست که دائماً توسط افرادی که از آن استفاده می‌کنند و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرد و واقعیت را خلق می‌کند.

در فضای رسانه‌ای و گفت‌مان‌های فرهنگ غربی، کم‌کم واژه «پارتنر» همه چیز را در خودش بلعیده‌است: چه مجرد باشی، چه متأهل، چه متعهد، چه گذرا، پارتنر می‌تواند فقط کسی باشد که موقتاً در تخت شما حضور دارد؛ بدون هیچ قرارداد، پیوند یا مسئولیتی. این وضعیت، به ویژه برای جوانان، تعارضات عمیق فرهنگی و روان‌شناختی ایجاد می‌کند؛ آنها بین انتظارات سنتی خانواده و وارداتی‌های روابط آزاد در جامعه مدرن، درگیر است. استانداردهای دوگانه می‌شوند. حتی در میان مهاجران مسلمان در کشورهای غربی هم، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دینداری و هویت فرهنگی، چگونه بر نگرش‌ها به ازدواج و روابط تأثیر می‌گذارد و این شکاف‌های فرهنگی می‌تواند به چالش‌های جدی تبدیل بشوند.

پدیده «ازدواج سفید» که در سال‌های اخیر بحث‌های حقوقی و اجتماعی فراوانی را در ایران برانگیخته، خودش نمادی از این تهاجم فرهنگی و تلاش برای تحمیل الگوهای وارداتی است. در جامعه‌ای که ازدواج رسمی یک قرارداد مقدس و تعهدآور است، ترویج زندگی مشترک بدون پشتوانه قانونی و شرعی، تنها به افزایش آسیب‌های اجتماعی و روانی، به ویژه برای زنان، دامن می‌زند و بنیان خانواده را تضعیف می‌کند.

این تغییرات زبانی، در ظاهر مدرن‌اما در واقع نوعی تهاجم نرم به بنیان فرهنگی خانواده هستند. وقتی «همسر» حذف شود، «خانواده» هم کم‌کم معنای خودش را از دست می‌دهد. وقتی «شریک جنسی» جایگزین «پارتنر» می‌شود، رابطه از ارتباط و جنسیت از عشق جدا می‌شود. واژه‌ها، صرفاً ابزار انتقال نیستند؛ آنها واقعیت رو می‌آفرینند. رسانه‌هایی که «پارتنر»، «بدای»، «دوست اجتماعی»، تکرار می‌کنند، ناخواسته در حال زدودن ارزش خانواده، وفاداری و پیوندهای معنادر از ذهن نسل جدید هستند. نوجوان امروز، قبل از آنکه با بدن شریک شود، با واژه شریک می‌شود و واژه‌ها، مسیر ذهن را می‌سازند.

وقت آن رسیده که در برابر این «تغییر خرنده معنایی»، بازاندیشی کنیم. ما برای تعریف رابطه سالم، نیازمند بازسازی واژگان هستیم: واژه‌هایی مثل «همسر»، «پارتنر زندگی»، «وفادار» و «رفیق شریک سرنوبت».

فرهنگ ایرانی – اسلامی، رابطه جنسی را در بستر ازدواج، پیوند عاطفی پایدار و مسئولیت مشترک تعریف می‌کند. در این چارچوب، واژه «همسر» فقط به معنای شریک جنسی نیست؛ بیانگر جایگاهی اخلاقی، قانونی، احساسی و اجتماعی است. برخلاف نگاه فرهنگ غربی که گاهی مفاهیم را از بستر فرهنگی‌شان جدا می‌کند و نوعی «برابری ازدواج» را به عنوان یک الگوی جهانی مطرح می‌سازد، تحقیقات گسترده‌ای نشان داده‌اند که نهاد خانواده ازدواج در ایران، ریشه‌های عمیق فرهنگی، تاریخی و مذهبی دارد و هویت فرهنگی و انتظارات خاص از رابطه، نقطه سبزه‌خوری در تعریف موفقیت و رضایت زناشویی در جامعه ما ایفا می‌کند. الگوهای خانواده در سراسر جهان و در طول تاریخ، تنوع بی‌ظنری داشته‌اند و همواره تحت‌تأثیر نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شکل گرفته‌اند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که تقلیل روابط به «پارتنر» در واقع نادیده گرفتن این پیچیدگی‌ها و ارزش‌های بومی است. اگر زبان‌مان را پس نگیریم، رابطه‌مان را هم از دست خواهیم داد.

دریادست زاینده‌رود را گرفت

حالا نوبت سیاست‌گذاری عمیق تر است

پژوهشگر محیط زیست در گفت‌وگو با «جوان»: تأمین آب صنایع نباید چراغ سبز جدیدی برای توسعه بی‌رویه باشد

دبیر کارگروه ملی مخاطرات کشور در گفت‌وگو با «جوان»: حل بحران فرونشست، نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات منسجم و سیاست‌های کلان است، نه صرفاً انتقال آب از مناطق دوردست

مجموعه‌ای از اقدامات، از جمله مدیریت سفره‌های زیرزمینی، اصلاح الگوی مصرف، تغییرات در کشاورزی و ساماندهی برآشت‌های غیرمجاز آب. اینها بحث‌هایی چندوجهی هستند که فراتر از انتقال آب قرار می‌گیرند.»

به گفته او، مسیر نجات از بحران آب و فرونشست، تنها با یک پروژه فنی ممکن نیست؛ بلکه نیاز به بازاندیشی گسترده در الگوهای توسعه و مدیریت منابع دارد.

■ **ان‌ش‌اط اجتماعی ا‌مسئولیت جمعی**

در کنار مش‌دا‌های داده‌شد از نسوی کارشناسان و متخصصان، نیاز است تا مصرف در حوزه‌های کشاورزی و خانگی نیز با نگاه صرفه‌جویانه و اصلاح‌شده همراه شود. همزمان باید در بالادست زاینده‌رود برداشت‌های غیرمجاز برای باغانی که سودشان سه‌صا‌ده‌کننده می‌رسد نیز محدود شود. آن وقت می‌توان انتظار داشت که اصفهان و زاینده‌رود ش‌ن‌اجت پیدا کنند.

بدون شک در پس تمام چالش‌های فنی و مدیریتی پروژه انتقال آب، یک حقیقت غیر قابل ان‌س‌کار وجود دارد؛ اینکه زاینده‌رود برای مردم اصفهان تنها یک رودخانه نیست؛ بلکه نمادی از زندگی، خاطره و روح جمعی آنهاست. جاری‌شدن آب در آن، حتی به صورت محدود هم، اثری قابل توجه بر روحیه ساکنان این شهر دارد؛ تأثیری که با هیچ هزینه فزاینده‌ای قابل اندازه‌گیری نیست.

وقتی آب در بستر رودخانه جریان پیدا می‌کند، نه تنها زمین را زنده می‌کند، بلکه زندگی مردم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطرات، تعلق خاطر، نشاط شهری و حس پیوند با طبیعت دوباره زنده می‌شود. بی‌تردید اما این احیای نشاط اجتماعی نباید باری بر دوش طبیعت باشد؛ بلکه باید این شور و سرزندگی، بر پایه راه‌حلی پایدار باشد؛ راه‌حلی که حاصل مدیریت هوشمند، صرفه‌جویی، بازچرخانی آب و احترام به ظرفیت‌های طبیعی باشد؛ آبی که هم امید را جاری کند و هم دوا بی‌آورد، بر آنکه بهایش، تخریب اکوسیستم‌باشد.

برواضح است که بازگشت زاینده‌رود، اگر با فهم درست از ظرفیت‌های طبیعی و مسئولیت‌پذیری جمعی همراه باشد، نه تنها آب را به شهر بازمی‌گرداند، بلکه امید به آینده را دوباره زنده می‌سازد.



ظرفیت‌های زیست‌محیطی شهرهایی مانند تهران، اصفهان یا مشهد محدود است. نباید تصور کنیم صرف انتقال آب، تمام مشکلات را حل خواهد کرد. این خود ممکن است به رشد جمعیت و در نتیجه فشار بیشتر بر منابع منجر شود و باید دقت کنیم.»

از نگاه او، به جای ایجاد وابستگی بیشتر به خطوط انتقال از دریا، بهتراست صنایع پر مصرف آب به سمت سواحل جنوبی هدایت شوند؛ منطقه‌ای که به منابع آبی پایدار نزدیک‌تر است و هزینه‌های انرژی و تعمیرات شبکه انتقال را نیز کاهش می‌دهد. «ی‌جاد زیر ساخت برای انتقال آب از فاصله چندصد کیلومتری، آن‌هم با پمپا‌ گسترده، هم از نظر اقتصادی و هم زیست‌محیطی مقرون به صرفه نیست. اگر برنامه‌ریزی به صورت منطقه‌ای و معقوله انجام شود، می‌توان صنایع آب‌بر را در مکان‌هایی مستقر کرد که در خود منابع داشته باشند، نه اینکه به انتقال متکی باشند.»

در‌باره نقش این‌س پروژه در کاهش فرونشست نیز، دکتر بی‌اللهی دیدگاه محتاطانه‌ای دارد. او معتقد است فرونشست اصفهان به دلایل پیچیده‌تری وابسته است و به‌تنهایی با یک خط لوله انتقال آب نمی‌توان انتظار حل کامل آن را داشت: «حل مسئله فرونشست، نیازمند

فعالی دارد، اما اگر میزان نمک از آستانه طبیعی عبور کند، می‌تواند چرخه زیست در یایی را مختل کند؛ از فیتوپلانکتون‌ها گرفته تا ماهی‌ها و موجودات ریز دریایی که پایه اکوسیستم هستند.»

در مسیر انتقال، با گودبرداری‌های وسیع و عبور لوله‌ها از اراضی دشتی، مرعی و کوهستانی، تهدیداتی متوجه خاک، پوشش طبیعی و تعادل اکولوژیک شده که این پژوهشگر حوزه محیط‌زیست خواستار نظارت سختگیرانه بر عملکرد پیمانکاران است.

اما شاید مهم‌ترین هشدار، مربوط به مقصد پروژه باشد؛ جایی که اگر سیاست‌گذاری صحیح نباشد، تأمین آب می‌تواند به جای احیای زاینده‌رود، مشوق توسعه بیشتر صنایع در کویر شود. جدی در این رابطه راجحاً می‌گوید: «تأمین آب صنایع نباید چراغ سبز جدیدی برای توسعه بی‌رویه باشد. این چرخه میوب باعث افزایش تنش‌های اجتماعی و بحران‌های محیط‌زیستی تازه خواهد شد.»

نکته مهم در تحلیل این پروژه، تفکیک آب شرب و صنعتی است. آب منتقل‌شده از دریای عمان از نظر کیفیت، مناسب صنایع است و نیازمند تصفیه بیشتری برای مصرف انسانی. کارشناسان مانند جدی بر این تفاوت تأکید می‌کنند تا شبهاتی درباره انتقال آب از زاینده‌رود به زد رفع شود. «آب منتقل‌شده از دریای عمان به اصفهان، مناسب صنایع است، نه شرب، چراکه برای مصرف شرب نیاز است تا این آب به میزان بیشتری تصفیه شود که خوب قاعدتاً هزینه‌های بیشتری را هم می‌طلبد.»

در عین حال، تجربه جنگ ۱۲ روزه، تأثیرآری و حتی بزرگ مقیاس، در دل خود مسائلی دارد که می‌تواند محیط‌زیست کشور را تحت تأثیر قرار دهد. پ‌د‌رام جدی، پژوهشگر محیط‌زیست، پروژه انتقال آب از دریای عمان به اصفهان را در سه بعد کلیدی بررسی می‌کند؛ مبدأ، مسیر و مقصد. او به «جوان» می‌گوید: «در مبدأ یعنی ساحل در‌ی‌ای عمان، فرآیند شیرین‌سازی آب با بازگرداندن املاح زیاد، از جمله سدیم، به دریا همراه است. گرچه در یای عمان تبادل جریان

مهدی جمالی‌ن‌زاد در این‌باره توضیح داده‌است: «در این مرحله، نف‌ش‌ات‌های به شهر زاد؛ حدود ۲ میلیون مترمکعب آب نمک‌زدایی‌شده در یا (معادل کل مصرف صنایع بزرگ استان) به اصفهان فراهم شده است.»

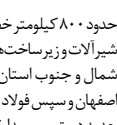
حدود ۸۰۰ کیلومتر خط انتقال، مخازن، ایستگاه‌های پمپا‌ژ، شیرآلات و زیرساخت‌های مکمل، به مجموعه‌ای صنعتی شمال و جنوب استان خواهد رسید. نخست پالایشگاه اصفهان و سپس فولاد مبارکه در روزهای آینده به این منبع جدید دسترسی پیدا خواهند کرد.

عملیات اجرایی فاز دوم این طرح نیز در مهرماه ۱۴۰۲ حضور رئیس‌جمهور شهید‌آغاز شد و قرار بود ظرفیت انتقال آب را به ۲۰۰ میلیون مترمکعب در سال برسانند. در صورت تکمیل این مرحله، علاوه بر تأمین کامل آب صنایع موجود، فرصت مناسبی برای کاهش فشار از سفره‌های زیرزمینی و احیای تدریجی زاینده‌رود نیز فراهم خواهد شد.

استاندار اصفهان به این موضوع نیز اشاره کرده‌است: «احیای کامل زاینده‌رود، نیازمند مدیریت چندوجهی و اجرای سایر طرح‌های آبی استان از جمله پروژه‌های ماندگان و کوهرنگ ۳ است.»

■ **لزوم خودکفایی صنایع در بحران**

در رابطه با انتقال پروژه انتقال آب از دریای عمان به اصفهان، صرف‌نابید به حجم انتقال یا خطوط لوله فکر کرد. این پروژه بزرگ مقیاس، در دل خود مسائلی دارد که می‌تواند محیط‌زیست کشور را تحت تأثیر قرار دهد. پ‌د‌رام جدی، پژوهشگر محیط‌زیست، پروژه انتقال آب از دریای عمان به اصفهان را در سه بعد کلیدی بررسی می‌کند؛ مبدأ، مسیر و مقصد. او به «جوان» می‌گوید: «در مبدأ یعنی ساحل در‌ی‌ای عمان، فرآیند شیرین‌سازی آب با بازگرداندن املاح زیاد، از جمله سدیم، به دریا همراه است. گرچه در یای عمان تبادل جریان



کارشناسان معتقدند برای آنکه این جریان آبی، به جای تکرار چرخه‌های ناپایدار، زمینه‌ساز زیستی نو در فلات مرکزی شود، چند اصل حیاتی باید در دستور کار قرار گیرد؛ اول، صنایع بزرگ از این فرصت استفاده کرده و به سمت تأمین مستقل آب و برق خود حرکت کنند؛ یعنی بازچرخانی پساب، بهره‌گیری از انرژی تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به منابع عمومی را اجرایی کنند. دوم خط قرمزی روشن در برابر توسعه صنایع جدید در کویر ترسیم شود؛ اینکه صنایعی که قرار است در آینده شکل بگیرند، باید با در کنار منابع آبی پایدار مانند دریا مستقر شوند، یا از ابتدا، فکر استفاده از منابع آبی رودخانه را از سرشان بیرون کنند. اینها نه توصیه، بلکه ضروری برای تضمین پایداری سرزمینی و محیط‌زیستی است.

بدون شک اگر امروز زاینده‌رود دوباره جاری شده، تنها نشانه‌ای از آغاز راه است؛ راهی که در ادامه آن، باید تعادل بین توسعه، طبیعت و مردم برقرار شود. تا ب، برای همیشه جاری بماند و آب بیشتری را رقم بزند.

■ **انتقالی‌ در دل طبیعت**

مهرماه ۱۴۰۱ بود که عملیات یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های ابرسانی کشور آغاز شد: انتقال آب از دریای عمان به استان اصفهان که هدفش کاهش وابستگی صنایع به زاینده‌رود بود. اکنون با تکمیل فاز اول، به گفته استاندار اصفهان، نخستین اقدام عملی برای تأمین مستقل آب صنایع به نتیجه رسیده‌است.

حسین دارایی با درج یک اینفوگرافی از بودجه نظامی امریکا نوشت:

ایران ۸میلیارد دلار بودجه نظامی دارد و در این جنگ اخیر با کشوری که مجموع بودجه نظامی‌شون هزارو ۵۰۰میلیارد دلار بوده وارد جنگ تخمیلی شدیم و بیروز هم شدیم!

پیوستگی تاریخی ایران و فرهنگ دفاعی ایرانیان



داود عامری

کارشناس سیسی

ایران، سرزمینی با پیشینه‌ای چند هزار ساله، یکی از کهن‌ترین و بافرهنگ‌ترین تمدن‌های ماندگار جهان است. این سرزمین آن خاک کهن نام توحیدی و سربلند است که از ژرفای قرون، نغمه‌ای ممتد از یک سیر هویتی سر داده است که نه تنها در قالب یک جغرافیای سیاسی، بلکه به‌عنوان یک بستر فرهنگی و تمدنی و بزرگ، همواره حافظ هویت، زبان، هنر و ارزش‌های خاص خود و فرهنگ بشری

در جهان بوده است. پس از ورود اسلام به ایران، این هویت تاریخی با دین اسلام در آمیخت و خدمات متقابل ارزشمندی در سایه هم‌افزایی ارزش‌های دینی و ملی ایجاد کرد چراکه فرهنگ ایرانیان با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی نزدیکی داشت و نتیجه آن، شکل‌گیری یک دیدگاه جدید در خصوص نگرش به فرهنگ دفاعی و وطن‌دوستی بود که مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی ایرانیان مسلمان را به‌وجود آورد.

یکی از ویژگی‌های بارز ایرانیان، حس عمیق دلبستگی به خاک و

سرزمین مادری است. مفهوم وطن در ایران، نه واژه‌ای سرد و خاکستری، بلکه سرودی است از تعلق، همدلی و ایثار همراه با ارزش‌های فرهنگی. این سرزمین، یادگاه قهرمانانی است که نفس‌شان را با آرمان‌های متعالی در آمیخته‌اند. این ویژگی ریشه در فرهنگ دیرپای ایران دارد، اما پس از اسلام به گونه‌ای متفاوت و غنی‌تر تداوم یافت. ایرانیان نه‌تنها فرهنگ و زبان خود را حفظ کردند، بلکه با پذیرفتن دین اسلام ضمن عمق‌بخشی به فرهنگ شجاعت و فرهنگ دفاعی خویش، بخش مهمی از تمدن اسلامی را نیز شکل دادند. دهقان مسلمان توس با زبان حماسی و

اسطوره‌ای، مهر به ایران و ریشه‌های باستانی را زنده نگه داشت. فردوسی بزرگ، مسلمان و وطن‌پرست، بسیاری از مضامین اخلاقی و دینی را در داستان‌های باستانی و پهلوانی خود وارد کرد.

وطن‌پرستی در ایران، در اصل به‌معنای عشق به مردم، خاک، زبان، فرهنگ، ارزش‌ها و سنت‌هاست، اما این مفهوم در طول تاریخ با مؤلفه‌های دینی نیز آمیخته شد. بعد از اسلام، مفاهیمی مانند ایثار، مقاومت، شهادت و حفظ کیان اسلمی، جزئی از وطن‌پرستی ایرانی شد. ایرانیان مسلمان در طول تاریخ، با تلفیق ارزش‌های ملی و اسلامی، نوعی وطن‌دوستی معنوی و عمیق خلق کردند که مصادیق عینی و واقعی آن را در دوران دفاع مقدس (جنگ تحمیلی رژیم‌صهیونیستی و عراق علیه ایران) شاهد بودیم و شعار «حب‌الوطن من الايمان» به‌عنوان اصل اسلام‌ای، در کنار شعارهای ملی، مورد تأکید قرار گرفت و بسیاری از رزمندگان، دفاع از خاک ایران و ارزش‌های انقلاب برآمده از مردم آن را نوعی جهاد مقدس می‌دانستند و آن را در راستای ارزش‌های اسلامی ایرانی تعبیر می‌کردند.

یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری این پیوستگی، زبان فارسی به عنوان زبان مشترک همه اقوام ایرانی است. زبان فارسی، حتی در دوره‌ای که زبان عربی به‌عنوان زبان علمی و دینی در جهان اسلام رواج داشت، هرگز از جایگاه ملی خود فاصله نگرفت. ایرانیان با خلق آثار ادبی، فلسفی، عرفانی و تاریخی به زبان فارسی، هویت خود را حفظ کردند. بزرگان ادب و عرفان مانند فردوسی، مولانا، سعدی، حافظ و عطار، همگی با زبان فارسی، معنویت اسلامی و هویت ایرانی را در هم آمیختند. این جریان فرهنگی عمیق، باعث شد ایرانیان مسلمان، همزمان به دین و ملیت خود افتخار کنند.

جایگاه تشیع در ایران، نمونه دیگری از این پیوند است. تشیع با رویکرد

عدالت‌طلبانه، عقل‌گرا و غلظ‌مشهد خود، به‌خوبی با روح استقلال‌طلبی ایرانیان سازگار شد. قیام‌های ممتد و حرکت‌های استقلال‌خواهانه، همگی نشان از ترکیب هویت ملی و دینی در ایران دارد. صفویان با رسمی کردن مذهب شیعه، عملاً یک انسجام نوین ملی-دینی را بنیان نهادند که تأثیر آن تا امروز قابل مشاهده است.

از دیگر مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی و میهن‌پرستی ایرانیان مسلمان، نقش حماسه‌ها و اسطوره‌هاست. اسطوره‌های ایرانی، اغلب حول محور پهلوانان، مدافعان مرزها و نگهبانان فرهنگ شکل گرفته‌اند. در حماسه‌های دینی نیز ایثار روحیه ادامه دارد. داستان کرپالا و تداوم نگاه انسان‌ساز آن، نمونه‌ای بارز از تلفیق حماسه دینی با روح و فرهنگ ایرانی است. ایرانیان، واقعه عاشورا را تنها یک حادثه تاریخی-مذهبی ندیدند، بلکه آن را الگویی برای مبارزه با ظلم و دفاع از ارزش‌های انسانی دانستند. این نگاه، عنصر مقاومت را به یکی از پایه‌های وطن‌دوستی ایرانیان مسلمان تبدیل کرده و پایه‌های تعلق ملی را عمق بخشیده است.

عصر دیگر، فرهنگ میهن‌انوازی و دیپلماسی ایرانی است. ایران،

به‌عنوان چهارراه تمدن‌ها، همواره با فرهنگ‌های مختلف در ارتباط بوده است. فرهنگ و هنر ایرانی در پذیرش و هضم عناصر بیرونی، بدون از دست دادن هویت‌اصل خود، مثال‌زدنی است. این ویژگی باعث شده ایرانیان، همواره وحدت ملی را در عین تنوع فرهنگی و قومی حفظ کنند. نمونه بارز آن، اقوام مختلف ایرانی (ترک، کرد، بلوچ، عرب، ترکمن و لر) هستند که در عین حفظ ادب و رسوم خاص خود، حس ایرانی بودن و تعلق ملی دارند.

دین اسلام نیز با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، نقش کلیدی در تحکیم حس وطن‌دوستی اقوام داشته است که در این ارتباط آیات و احادیث مختلفی را می‌توان متذکر شد. آموزه‌های اسلامی بر همکاری، اتحاد، عدالت، فداکاری و ارزش انسان‌دوستانه تأکید می‌کنند. این ارزش‌ها، در بستر فرهنگ ایرانی به شکل یک فرهنگ پویای ملی-دینی درآمده است. نهضت مشروطه، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، مصادیق عمده تلفیق ارزش‌ها در عصر معاصر است. در همه این رویدادها، مردم ایران نه فقط به‌دنبال حفظ خاک، بلکه به‌دنبال پاسداشت کرامت، عدالت، ارزش‌های فرهنگی و هویت دینی-ملی خود بودند.

در عصر حاضر، حس تعلق ملی و میهن‌دوستی ایرانیان مسلمان، در

قالب دفاع از استقلال، مقابله با تهاجم فرهنگی و مقاومت در برابر

سلطه‌مطلبی خارجی جلوه‌گر می‌شود. رسانه‌ها، نخبگان فکری و

فرهنگی و حتی هنر مردمی مانند شعر و موسیقی، همه در خدمت

تقویت این روحیه قرار دارند. جریان‌های نوین فرهنگی و سیاسی،

تلاش می‌کنند ضمن پاسداشت سنت‌های دیرینه، پاسخگوی نیازهای

جامعه امروزی نیز باشند.

بنابراین باید گفت که حس تعلق و میهن‌دوستی ایرانیان مسلمان،

پیوندی تاریخی و معنوی است که ریشه در گذشته دور و نزدیک دارد.

این وطن‌دوستی، برخلاف برداشت‌های محدود، ترکیبی از عشق به

خاک و ایمان به خداوند است. ایرانی مسلمان، ایران را به عنوان امانتی

الهی می‌داند و وظیفه حفظ، توسعه و آبادانی آن را یک تکلیف دینی و

اخلاقی تلقی می‌کند.

این تلفیق تاریخی، در برابر تهدیدات بیرونی و چالش‌های درونی، همچنان

به‌عنوان مسیر دفاعی ملت ایران عمل می‌کند.

حفظ این پیوستگی، نیازمند بازخوانی مداوم تاریخ، تقویت آموزش‌های

ملی و دینی و توجه به تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام ملی است. اگر

این اصول به‌درستی تبیین و در نسل‌های جدید نهادینه شود، ایرانیان

مسلمان خود را توانست در برابر همه بحران‌ها سر بلند بمانند و میراث

عظیم تمدنی خود را به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

فرهنگ ایرانی، نقشی ماندگار در آینده زمان، همچنان پرشکوهِ تأثیرگذار

و اصیل در حال درخشیدن است؛ تمدنی که از آزاداندیشی عرفان مولانا

تا امام خمینی، از صنعت خاخمندی تا هنر صفوی، از دانش ابن سینا، علم

فارابی، حکمت صدرایی تا ادب معاصر، درخشش نه‌تیار به کتاب، سنگ

و دیوار در قالب معماری، بلکه بر جان و دل جهانپایان با نام ایران ماندگار

شده است و با ابدیت تاریخ ملاخا خواهد ماند.



تحلیل
فاطمه بصیری

چرا باید پیچ رسانه صهیونیست‌ها را بست

«اینتر نشنال» کلونی تئوریزه کردن ترور



رسانه ضدایرانی اینترنشنال سال‌هاست به طور صریح تریبون رژیم‌صهیونیستی و امریکا شده و عملاً بخش عملیات روانی علیه کشور را به دست گرفته است. این به اصطلاح رسانه با انتشار شایعات، هک کردن آذهان مردم و مهندسی ادراک عمومی تلاشی می‌کند جایی را برای پیشبرد اهداف امریکا و رژیم‌صهیونیستی در جامعه پیدا کند. در واقع، اینترنشنال به یک تلویزیون و رسانه که مرکز تولید و توزیره کردن خشونت است، اینترنشنال رسماً تروررسم را ترویج می‌کند.

اینترنشنال در جریان تجاوز نظامی اسرائیل به ایران، با رویکردی کاملاً ضدایرانی به تحریف واقعیت‌ها پرداخت. این شبکه با انتشار اطلاعات به ظاهر محرمانه از منابع موساد و بزرگنمایی مشکلات داخلی، تلاش سیستماتیک برای القای نقش ایران به عنوان آغازگر درگیری و توجیه اقدامات جنایتکارانه رژیم‌صهیونیستی انجام داد. هماهنگی زمانی بخش مصاحبه با

نتانیاهو در اوج خبر شهادت کودکان یک‌گانه، آخرین حلقه از این زنجیره تبلیغاتی بود که آشکارا در خدمت پروپاگاندا و جنگ روانی دشمن قرار داشت. این رسانه تروررستی، آتش بیار معرکه بین رسانه‌ای رژیم‌صهیونیستی در جنگ اخیر، با یک جهش فزاینده ماهیت تروررستی خود را بیش از پیش برملا ساخت، چنانکه با اعتراض بسیاری از

مخاطباتش مواجه شد، حتی مهدی خلجی،

کارشناس سابق این شبکه با اعتراض به عملکرد

این رسانه گفت: «شبکه اینترنشنال اگر به

انگلیسی پخش می‌شد امکان نداشت به آن

اجازه فعالیت بدهند. این شبکه نفرت پران‌کن

و خشونت پران‌کن است. من حاضر با و کلاهی

انگلیس همکاری کنم تا از آن به اقدام شکایت

کنیم. این شبکه طبق مقررات انگلیس می‌تواند

محاکمه و حتی بسته شود».

پیش از این، جعل اخبار، اعطای تریبون به

گروهک‌های تروررستی، تحریف واقعیت‌ها و

آموزش غیرمستقیم به معاندان از اقداماتی بود

که تلاش می‌کرد با عسا بغیرگی غیررسمی و

همراه با پرداخت، این شبکه با انتشار پنهان

برای مقابله با کشور ایجاد کند.

بر همین اساس، این رسانه با اتکا بر اینکه گمان

می‌کرد در جامعه ایرانی جایی پیدا کرده است،

تلاش کرد بعد از حملات رژیم‌صهیونیستی،

جنگ علیه کشور را توجیه و اینگونه تبلیغ

کند که رژیم‌صهیونیستی، مدافع مردم است و

اهداف موشک‌هایش را فقط نظامیان و مسئولان

تشکیل می‌دهد، اما شهادت صداهانسان بی‌گناه

ثابت کرد فرخ‌ن و هم و خیال به مردم ایران،

نمی‌توانند کار آنها را به جایی برسانند و تصور

رژیم‌صهیونیستی در جنگ اخیر، با یک جهش

فزاینده ماهیت تروررستی خود را بیش از پیش

برملا ساخت، چنانکه با اعتراض بسیاری از

گزارش

روزنامه جوان | شماره ۷۳۵۱ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ | ۱۸ محرم ۱۴۴۷
سرویس سیاسی، ۸۸۵۲۳۰۶۰

بی‌بی‌سی فارسی که یکی از امضاکندندگان بیابنه تحریم ایران اینترنشنال است، با ادعای مخالفت با سیاست‌های این شبکه بیان داشت: «بخشی از این رسانه‌ها (ضداقلاب) به راست افراطی گرایش پیدا کرده‌اند که با ترامپیست هم‌زمان بوده است. تاریخ نشان داده است اگر ابزار اطلاع‌رسانی بی‌برو و مسئولیت‌ناپذیر باشد، می‌تواند محور آشوب شود.»

این در حالی است که یکی از صحنه‌گردانان اغتشاشات و ناآرامی‌های چند سال اخیر همین رسانه بی‌بی‌سی است که دوشادوش اینترنشنال، جعل اخبار و ساخت روایت‌های دروغین را مبنای اقدامات خود قرار داده بود. از سوی دیگر، برخی رسانه‌های داخلی هم در این چارچوب قرار می‌گیرند و با زست غفلایت، به‌طور نامحسوس و گاه محسوس مصالح کشور را هدف قرار می‌دهند. به عنوان نمونه این رسانه‌ها همبای رسانه‌های معاند چون اینترنشنال، در اغتشاشات سال‌های گذشته فراقخوان اعتصاب و تظاهرات را اولویت داده بودند.

■ «تشویش جامعه» و راهبرده اصلی دشمن امریکا پس از ناکامی در اعمال فشارهای جداجنبه علیه ایران و شکست سیاست فشار حداکثری، راهبرد تغییر از درون را به پایه تشدید تنش و ایجاد شکاف اجتماعی و سیاسی وضع کرد. در اصل، اکنون نقشه راه دشمن ایجاد بی‌ثباتی و استحاله درونی حکمرانی است که از سوی وابستگان آن در کشور دنبال می‌شود، از این رو یکی از شاخص‌های شناخت رسانه‌های مدافع مصالح کشور از رسانه‌هایی که پازل دشمن را تکمیل می‌کنند، وجود گر‌هایی از این رویکرد در آنهاست. در حقیقت، تفاوت در شیوه کنش سیاسی که در این چارچوب قرار بگیرد، به‌طور قطع تلاش می‌کند پازل دشمن را تکمیل کند، بنابراین محدودکردن رسانه‌های ضدمنافع ملی، به رسانه‌های معلوم‌الحال و نادیده گرفتن و رفتار و مواضع دیگر رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های داخلی، خطای محاسباتی بزرگی است. این خطا مسیر تفرقه‌افکنی و سودجویی فرصت‌طلبان را به هموار و پروژه ضیعت آنها با نظام را تقویت می‌کند. بر همین اساس، دستگاه‌های مسئول نظارتی باید مراقبت خود از فضای رسانه‌ای را تسهید و از امکان ارائه طرح‌های تفرقه‌افکنانه که افکار مسئول را مورد تشویش قرار می‌دهد، جلوگیری کنند، علاوه بر این باید با برهم زدنندگان آرامش جامعه، برخورد قاطعی داشته باشند و از مقام مسئولان و سابقه‌ها، زی‌را عدم‌قطعیت در برابر آنها، این انگاره را به وجود می‌آورد که نظام خود را خدشه‌دار نکنند. در واقع، آنها ترجیح می‌دهند از شفافیت کامل در اجتماعات خود در یک دوری کنند تا مخاطبان خود را از دست ندهند. به عنوان نمونه، محمد منظر پور، سردبیر سابق

اینترنشنال تنها نیست
بر رسانه برای هدف قرار دادن ایران، شیوهای خاص اختیار کرده است و از مانیفست خود پیروی می‌کند. اینترنشنال که از سوی رژیم‌صهیونیستی و امریکا تأمین می‌شود، رساله‌ای است که لحن صریح را بر گزیده و در مخالفت آشکار با تمام‌ارکان کشور اقدام می‌کند، اما برخی دیگر مانند بی‌بی‌سی، شیوه کار خود را غیر صریح و بدویانه اختیار کرده‌اند و به‌رغم ادعای استقلال و بی‌طرفی، تحت تأمین مالی دولت بریتانیا قرار دارند و بر ترجیح می‌دهند این موضوع را با انهم حفظ کنند تا وجهه بین‌المللی خود را خدشه‌دار نکنند. در واقع، آنها ترجیح می‌دهند از شفافیت کامل در اجتماعات خود دوری کنند تا مخاطبان خود را از دست ندهند. به عنوان نمونه، محمد منظر پور، سردبیر سابق

عضو حقوقدان شورای نگهبان:

باید قدر دان مردم باشیم و سراغ اختلاف سلیقه‌ها نرویم

انتقاد کدخدایی از بی‌عملی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد.

این عضو حقوقدان شورای نگهبان تصریح کرد:

رژیم‌صهیونیستی در دوره جنگ سرد و در سال

۱۹۸۱ حمله‌ای به تأسیسات هسته‌ای عراق کرد؛

توسعه صنعت هسته‌ای صادر کرد که بر حق

دانش و تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای عراق و

هر کشور دیگری تأکید شده بود. منع تجاوز به

تأسیسات هسته‌ای، تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت

نیز در قطعنامه آمده بود. جمهوری اسلامی ایران

در قضایای اخیر و تجاوزاتی که رژیم‌صهیونیستی

و امریکا داشتند، از شورای امنیت تقاضای داشت،

اما شورای امنیت تنها جلسه‌ای بر گزار کرد،

گفت‌وگوی انجام شد و هیچ تصمیمی گرفته نشد.

■ **ضرورت همدلی اعضای ملل متحد**

کدخدایی به این نکته هم اشاره کرد که عضویت

ما و کشورهای دیگر در سازمان ملل و نهادهای

بین‌المللی مربوط به امروز و فردا نیست و گفت:

ایران از سال ۱۹۴۵ عضو سازمان ملل است و در

کنفرانس سائفرانسیسکو به عنوان مؤسس ملل

متحد شناخته شد. به هر حال این سازمان‌ها

اکنون وجود دارند و فعالیت و در برخی جهات نیز

تلاش می‌کنند. ما معتقدیم کشورهای همسو تر

نباید اجازه دهند حرکتی که برخی از کشورها

همچون امریکا آغاز کرده‌اند در عرصه بین‌المللی

نهادینه شود.

این اساد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران گفت:

تا زمانی که کشورهای زیادی به عنوان عضو ملل

متحد نداشتیم و فضای دوقطبی در جنگ سرد

وجود داشت، تمامی توسل امریکا به قطعنامه‌های

شورای امنیت و نهادهای سازمان‌های دیگر بود، اما

از آن زمان به بعد وقتی که می‌بیند اکثریت دولتها

بر جامعه بین‌المللی غالب می‌شود، راه دیگری ایجاد

می‌کند و سراغ دور زدن این سازمان‌ها می‌رود.

این عضو شورای نگهبان اعلام کرد: امریکایی‌ها

روش‌ها و نهادهای ابراهیمی بین‌المللی را تا زمانی

قبول دارند که منافع‌شان را تأمین کند و تا زمانی

که بر خلاف منافع اینها حرکت نکنند، تحریم و

تهدید نیز وجود دارد.

■ **ضرورت پیگیری‌های حقوقی برای دریافت غرامت**

کدخدایی در پاسخ به سوآلی درباره دریافت غرامت

و پیگیری‌های بین‌المللی اظهار کرد: معادلات

بین‌المللی در روابط بین کشورها تابعی از تحولات

بین‌المللی، تحولات بین آن کشورها و ظرفیتی که

آن کشورها دارند، است. گاهی اوقات نیز ملاحظات

سیاسی و دیپلماتیک وجود دارد، بنابراین همه اینها

مؤثر هستند و یک مورد ساده مانند دعوی داخلی

«بی‌کیفرمانی» نامیده می‌شود. آیا ما باید اجازه

بگیریم و بعد بپوئیم آن را اگر کنیم، حکم برای

تعداد از پرونده‌هایی که داریم و بعد از قانون اقدام

متقابل انجام شده، ازای زیادی صادر شده است، اما

ن توانسته‌ایم اجرا کنیم. امریکایی‌ها هم به همین

صورت، آنها به ناحق پرونده‌هایی علیه ما ایجاد و هر

روز در دادگاه‌های داخلی‌شان آرای علیه ما صادر

می‌کنند، اما نتوانسته‌اند حکمی علیه ما اجرا کنند.

اینها اقتضات جامعه بین‌الملل است، اما نباید در

این جهت ناامید باشیم.

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان افزود: یک بحث

تنبیهی در حوزه بین‌الملل داریم که اصطلاحاً

«بی‌کیفرمانی» نامیده می‌شود. آیا ما باید اجازه

بدهیم که اگر هر دولتی با مقامی در کشورها

مختلف در عرصه بین‌المللی مرتکب یک تخلف و

تجاوز شد، رها کنیم یا اینکه پیگیری‌هایی را که

می‌توانیم انجام بدهیم؟ یک وقت است که در مقام

دفاع مشروع هستیم و در همان موقع باید اقدام

لازم را انجام بدهیم. زمانی که رژیم‌صهیونیستی

تجاوزش را آغاز کرد، جمهوری اسلامی ایران

هم محکم پاسخ داد، این یک بحث در عرصه

مخاصمات مسلحانه است، ولی فراتر از اینها ما

یک بحث فرامتن و یک بحث تنبیه متجاوز داریم.

قطعنامه‌ای که پس از تجاوز رژیم‌صهیونیستی

روش‌ها و نهادهای ابراهیمی بین‌المللی را تا زمانی

قبول دارند که منافع‌شان را تأمین کند و تا زمانی

که بر خلاف منافع اینها حرکت نکنند، تحریم و

پروا دخت غرامت، برای تعیین خسارات باید

نگارخانه



تاریخ گواه‌ماست

سحرگاه شنبه ۳۱ خرداد از مسجد مقدس جمکران برگشتند. خانوادگی رفته بودند زیارت. تازه خوابیده بودند که انفجاری مهیب رخ داد و در چند ثانیه دود و گرد و غبار تمام خانه را پر کرد. مادر، دو فرزند خود را در میان آتش و دود از خانه خارج کرد. پدر هم از زیر آوار خود را بیرون کشید. به سرعت از خانه‌ای که هر لحظه بیم تخریب کامل آن می‌رفت، خارج شدند

اما یک نفر کم بود: احسان، پسر نوجوان خانواده.

«صدای اکران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در یادداشتی

در شماره ۲۱ خود نوشته است: احسان عاشق ایران و در فضای مجازی،

تنها پیگیر موضوعات مرتبط با مقاومت اسلامی بود. اگر کسی درباره

کشور بد می‌گفت، ناراحت می‌شد. یک بار به مادرش گفته بود: «اگر

جنگی شود، اجازه می‌دهی بروم؟» مادر گفته بود جنگ امروز مثل گذشته

نیست و بیشتر موشکی است. او پاسخ داده بود: «اگر زمینی باشد، با افتخار

می‌روم.»

پدر برای احسان، قطعه زمینی خریده بود: زمینی که احتمالاً در آن خانه‌ای

بسا رد و با خانواده‌ای که تشکیل می‌دهد، زندگی کند. احسان صاحب فرزند

شود و پدرش، پدر بزرگ، همه آن ارزوها در چند لحظه بر باد رفته بودند...

حالا پدر تصمیمی خاص گرفته است. زمین چند مایل‌داری پسر شهیدش

را می‌خواهد بفرشد تا در راه امنیت وطن هزینه شود. می‌گوید: «با این پول

می‌توانم موشک بسازم؛ برای زدن قلب تل آویز.»

دفاع مقدس ۱۲ روزه ملت ایران در برابر تمام دنیای غرب وحشی و باند

نیابتی و جنایتکار آن در منطقه، ملو از صفحات درخشان و روایت‌های

افتخار آفرینی است که ماجرای شهید احسان قاسمی و خانواده‌اش تنها یکی

از آنهاست. دشمن ابله خیال کرده بود مردم ایران برای متجاوز فرش قرمز

پهن می‌کنند! اما محاسبات راهبردی آنها در عمل نه‌تنها شکست خورد، بلکه

بر عکس آن رخ داد. مردم زیر پرچم سه‌رنگ کشور جمع و متحد شدند و

نشان دادند به چنان بلوغ تاریخی و فکری‌ای رسیدند که خوب می‌دانند



والدین شهید قاسمی در کنار تصویر او

گفت‌وگوی «جوان» با پدر شهید محمدحسن قاسمی
اولین شهید جامعه پزشکی و پرستاری ایران در دفاع از حرم

هیئت یازهرا(س) محمدحسن را کربلایی کرد

■ علیرضا محمدی

این روزها که تجربه جنگ ۱۲ روزه با امریکا و رژیم صهیونیستی را به تازگی پشت سر گذاشته‌ایم و هنوز از مکر شرارت‌های صهیونیسم جهانی در امان نیستیم، بیشتر متوجه ارزش جهاد و ایستادگی مدافعان حرم می‌شویم. جوانانی که شر فتنه دشمنان را کیلومترها دورتر از مرزهای کشورمان نگه‌داشته و از همانجا چتر دفاعی ایران را برقرار کرده بودند. شهید محمدحسن قاسمی اولین شهید مدافع حرم جامعه پزشکی و پرستاری ایران در سوریه‌است که مراد ۱۳۹۵ در دفاع از حریم اهل بیت(ع) به شهادت رسید. شهید قاسمی تکنسین بی‌هوشی (هوشبری) در اتاق عمل بود و در بیمارستان حضرت بقیه‌الله‌العظم(عج) تهران خدمت می‌کرد. اصالتا زاده و بزرگ شده شهرکرد بود. این شهید مدافع حرم نیمه دوم سال ۹۴ در قالب کادر پزشکی به جبهه دفاع از حرم اعزام شد و ۱۰ مرداد ۱۳۹۵ اطراف حلب سوریه به شهادت رسید. حاج منصور قاسمی، پدر شهید دقایقی با ما هم‌کلام شد که ماحصل این هم‌کلامی را در پیش دارید.

دربارم. هرچند خودم چند بار داوطلبانه برای پشتیبانی از جنگ رفتم، ولی اجازه حضور رزمی به ما نمی‌دادند.

محمدحسن متولد چه سالی بود؟ او در شهر کرد به دنیا آمد و بزرگ شد؟
محمدحسن متولد ۱۳۶۹ در شهرکرد بود. البته

دربارم. هرچند خودم چند بار داوطلبانه برای پشتیبانی از جنگ رفتم، ولی اجازه حضور رزمی به ما نمی‌دادند.
محمدحسن متولد چه سالی بود؟ او در شهر کرد به دنیا آمد و بزرگ شد؟
محمدحسن متولد ۱۳۶۹ در شهرکرد بود. البته
یکی از همکاران پسرم که مسئول شیفت در بیمارستان بود می‌گفت محمدحسن وقتی آموزش نظامی را تمام کرد و آمد در بیمارستان مشغول شود، در حالی که هنوز شیفت حضورش مشخص نشده بود به عنوان اولین سؤال از من پرسید اتاق ثبت نام برای دفاع از حرم کجاست؟ من خندیدم و گفتم برادر! هنوز چند دقیقه‌است که به جمع ما آمده‌ای، حداقل دو ساعت شیفت بده، بعد برو سوریه...



پدر و مادر شهید قاسمی

نفرشان هم در جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند. بعد از اتمام جنگ هم از این هیئت شهدایی تقدیم شد. غیر از محمدحسن، شهید قربانی امیدی از بچه‌های نیروی انتظامی و چند شهید دیگر عضو این هیئت بودند. هیئت یازهرا(س) تأثیر زیادی در روحیات پسرم داشت. در واقع هیئت یازهرا(س) محمدحسن را کربلایی کرد.

چه خاطراتی از کودکی‌های محمدحسن برایتان ماندگار شده است؟

این پسر خیلی شجاع و نترس بود. از بچگی همین روحیه شجاعت را داشت. یادم است وقتی یک نوجوان



پسرم در جبهه دفاع از حرم رئیس بیمارستان صحرایی بود. در یکی از یادداشت‌های روزانه‌اش در سوریه نوشته بود: ساعت ۱۲ شب است. همه خوابیده‌اند. من که مسئول بیمارستان صحرایی هستم، دو گالن دستم است. می‌روم گازونیل بیابورم تا روشن کنم. برای من فرقی نمی‌کند. روی تشک پر قو بخوابم یا روی خاک گرم سوریه یا اصلاً نخوابم...

چطور شد به عضویت سپاه در آمد؟
پسرم بعد از فارغ‌التحصیلی به خدمت سربازی رفت و خدمتش در ارتش بود. همزمان در دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله در خواست داده بود که حدود ۱۰ ماه بعد از اعزامش به خدمت، در دانشگاه پذیرفته شد. از آنجا که برای رفتن به بیمارستان بقیه‌الله باید به عضویت سپاه درمی‌آمد، بنابراین از ارتش به سپاه رفت و پاسدار شد. چند ماهی هم آموزش‌های نظامی را در سپاه گذراند و بعد که به بیمارستان بقیه‌الله رفت، قضیه سوریه و بحث دفاع از حرم پیش آمد.

در بیمارستان در همان رشته تخصصی‌اش فعالیت می‌کرد؟

بله، متخصص بی‌هوشی در اتاق عمل بود و در بقیه‌الله‌العظم(عج) طبق رشته تحصیلی‌اش خدمت می‌کرد، اما گویا خودش از رفتن به تهران و حضور در بیمارستان بقیه‌الله اهداف دیگری داشت. این نکته را از حرف‌های یکی از همکارانش متوجه شدیم. بعد از شهادت محمدحسن که همکارانش به دیدار ما آمده بودند، یکی از همکارانش که مسئول شیفت در بیمارستان بود می‌گفت محمدحسن وقتی آموزش نظامی را تمام کرد و آمد در بیمارستان مشغول شود،



در حالی که هنوز شیفت حضورش مشخص نشده بود به عنوان اولین سؤال از من پرسید اتاق ثبت‌نام برای سوریه کجاست؟ من خندیدم و گفتم برادر! هنوز چند دقیقه‌است به جمع ما آمده‌ای، حداقل دو ساعت شیفت بده، بعد برو سوریه. اما محمدحسن خیلی جدی گفت راستش را بخوابی من اینجا آمدم که بروم سوریه.

پیش از داوطلبانه اعزام شده بود؟
پسر خودش داوطلبانه اعزام شده بود. به خیلی هم مشتاق و پیگیر رفتن به سوریه بود. از همان ابتدای ورودش به سپاه و حضور در بیمارستان بقیه‌الله قصد رفتن به دفاع از حرم را داشت. منتها داوطلب از بین همکارانش زیاد بود. این بچه‌ها همگی به عنوان کادر درمانی قصد اعزام داشتند. محمدحسن مدت‌ها در انتظار بود تا نوبتش شود و بتواند برود. پسرم غیر از تخصصی که به عنوان یک کادر سلامت داشت، آموزش‌های نظامی را در بسیج و عضویت در گردان‌های عاشورا، خدمت سربازی و همچنین ورود به سپاه پشت سرگذاشته بود، بنابراین با انواع سلاح‌ها و کاربرد آنها آشنایی داشت. همچنین ورزش‌هایی مثل شش، غواصی خصوصاً صخره‌نوردی و کیوکشین کاراته را هم پشت سرگذاشته بود و بدن قوی و آماده‌ای داشت. به این ترتیب او هرچند به عنوان کادر پزشکی ثبت‌نام کرده بود، اما وقتی به سوریه رفت هم کادر درمان و هم نیروی رزمی بود.

شما در جریان اعزامش بودید؟

ما خبر نداشتیم. محمدحسن بعد از مشغول شدن در بیمارستان به تهران رفته بود و هر از گاهی به شهر کرد می‌آمد و به ما سر می‌زد. در همان تهران او را به اینکه ما بدانیم برای رفتن به جبهه دفاع از حرم ثبت نام کرده بود. چون داوطلبان زیادی قبل از او بودند، خودش هم تا لحظات آخر نمی‌دانست چه زمانی نوبتش می‌شود. نیمه دوم سال ۹۴ که می‌خواست به اربعین برود، از تهران به شهر کرد آمد و با ما و اقوام

خداحافظی کرد، اما چند روز بعد زنگ زد و گفت در ثبت‌نام اعزام به سوریه، داوطلبی که جلوتر از او بوده مشکلی برایش پیش آمده است و نوبتش را به من داده‌اند. گفت الان هم باید به فرودگاه بروم چون تا چند ساعت دیگر پرواز دارم. زنگ زدم تا از شما اجازه بگیرم... محمدحسن زمان اعزام به سوریه ۲۶ ساله بود و می‌توانست مستقل عمل کند، اما محض احترام به من و مادرش زنگ زده بود. من هم در جوابش گفتم به هر حال وظیفه داریم از حرم اهل بیت دفاع کنیم و خدا به همراهت. اگر خودم هم می‌توانستم همراه او می‌گرفتم... خلاصه او رفت و از همان زمان تا مرداد ۹۵ که به شهادت رسید، چندین ماه در جبهه دفاع از حرم حضور داشت.

از فعالیت‌هایش در سوریه خبر داشتید؟ آنجا چه کارهایی می‌کرد؟

آنجا رئیس بیمارستان صحرایی بود. البته در کارهای رزمی هم شرکت می‌کرد. اگر نیاز بود و خطری در پیش بود، اسلحه به دست می‌گرفت و مثل یک نیروی رزمی وارد میدان می‌شد. در بخشش در کارهای درمانی و رزمی توأمان را داشت. کلیبی از محمدحسن است که به نیروهای تازه اعزام شده، آموزش کار با نارنجک می‌دهد. شهید در سوریه وقایع روزانه‌اش را ثبت می‌کرد که بعدها به دلایلی این دستنوشته‌ها را ادامه نداده بود. در یکی از همین یادداشت‌نوشته بود: «ساعت ۱۲ شب است. همه خوابیده‌اند. من که مسئول بیمارستان صحرایی هستم، دو گالن دستم است. می‌روم گازونیل بیابورم تا برق اضطراری را روشن کنیم. برای من فرقی نمی‌کند روی تشک پر قو بخوابم یا روی خاک گرم سوریه یا اصلاً نخوابم. شاید همین ویژگی باشد که مرا به عنوان مسئول بیمارستان صحرایی انتخاب کردند...» محمدحسن یک روحیه رزمی داشت. درست است در قالب کادر پزشکی رفته بود، ولی در کل علاقه‌اش به کارهای رزمی و حضور در میدان نبرد بود.

نحوه شهادتش چطور بود؟

۱۰ مرداد ۹۵ قرار می‌شود چند نفر از رزمندگان مجروح را بعد از مداوای اولیه در بیمارستان صحرایی به حلب برسانند، چرا که بیمارستان حلب امکانات درمانی بهتری داشت. یکی از بچه‌ها به محمدحسن می‌گوید مجروحان را با یک آمبولانس و یک نیروی سوری بفرستیم. بروند. ولی پسرم به او می‌گوید: «مطمئن می‌این آمبولانس را چند کیلومتر آن طرف‌تر به داعشی‌ها تحویل نمی‌دهد؟» بنابراین خودش همراه آمبولانس که یک نفر راننده سوری و چند نفر مجروح مدافع حرم داشت راهی می‌شوند. از محل استقرارشان که منطقه راموسه بود به سمت حلب که فاصلهای تقریباً ۳۰ کیلومتری داشت می‌روند. بعد به ساختمان‌هایی که به آن «۱۰ - ۷۰» می‌گفتند می‌رسند. آنجا آمبولانس مورد اصابت یک موشک قرار می‌گیرد. در این ماجرا راننده سوری و دو نفر از مجروحان به شهادت می‌رسند. محمدحسن پایش مجروح می‌شود و می‌تواند دو نفر نیروی فاطمین را از داخل آمبولانس خارج کرده و آنها را پشت خرابه‌هایی ببرد تا در امان باشند.

قبل از اینکه به خاطره ادامه دهید، این ماجرا را از چه کسی شنیده‌اید؟

من بعد از شهادت محمدحسن به مشهد رفتم و یکی از آن دو نفر نیروی فاطمین که همراه محمدحسن بودند را پیدا کردم و ریز ماجرای شهادت پسرم را از زبان او شنیدم. ایشان می‌گفت کسانی که به سمت آمبولانس ما موشک شلیک کرده بودند، احتمالاً داعشی بودند. کمی بعد نیروهای جبهه النصره می‌آیند و افراد حمله کننده به آمبولانس که گویا از گروه‌های مخالف النصره بودند با دیدن آنها فرار می‌کنند، اما ساختمان‌های موجود در منطقه مانع از آن شد که ما و محمدحسن متوجه آمدن ستون نظامی النصره شویم. وقتی دیدیم دیگر به سمت ما تیراندازی نمی‌شود، محمدحسن بی‌خبر از آمدن ستون النصره به سمت آمبولانس می‌رود تا ببسیم را پیدا کند و با خودش بیابورد، اما در همین لحظه نیروهای النصره که تعدادشان زیاد بود از راه می‌رسند و او را به رگبار می‌بندند... طبق اعلام پزشکی قانونی پهلوی پسرم هشت گلوله خورده بود، اما نهایتاً با گلوله‌ای که به سرش شلیک می‌کنند، به شهادت می‌رسد. پیکرش حدود ۱۰۰ روز در منطقه می‌ماند و بعد به دست نیروهای خودی می‌رسد و به وطن برمی‌گردد.

۸	۷	۲			
			۱		
۲	۱	۳	۴	۹	
		۵	۳		۸
۴			۶	۵	۷
			۱	۵	
	۶	۸	۲		۴

۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵
۲	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۵
۳	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۳	۱۴	۱۵
۴	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۵	۴	۳	۲	۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۶	۳	۲	۱	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۷	۲	۱	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۸	۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۹	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵
۱۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۵
۱۲	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۳	۱۴	۱۵
۱۳	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۴	۴	۳	۲	۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۳	۲	۱	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵
۲	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۵
۳	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۳	۱۴	۱۵
۴	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۵	۴	۳	۲	۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۶	۳	۲	۱	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۷	۲	۱	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۸	۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۹	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵
۱۱	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۴	۱۵
۱۲	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۳	۱۴	۱۵
۱۳	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۴	۴	۳	۲	۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۳	۲	۱	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۳۵۱

از راست به چپ

■ ۱- از مساجد قدیمی شیراز که به‌عنوان نهمین ساختمان زیبای جهان انتخاب شد- پایتخت لسوتو ■ ۲- گاو آهن - خمیاره- از ورزش‌های گروهی ■ ۳- قلعه- عدد تقویمی- دستگاه پمپاز- مخترع ماشین بخار ■ ۴- گیاهی تلخ- خودرو، و پایا که مصرف دارویی دارد - نویسنده کلاژ- تیمی معتبر در فوتبال هلند ■ ۵- آش برنج- پروردگار- نشانه تیر- قوم ذبیح شده ■ ۶- شاه بی‌شین- نوعی تمساح- خرس آذری ■ ۷- پیرایه- مژه سریع- از وسایل ارتباطی ■ ۸- خط کش مهندسی- شهری در سوریه- واحد والیبال- جرقه آتش ■ ۹- پول روسیه- سحر باران مغولان - نامواره ■ ۱۰- کمیت- جیره و مقرری - درخت انگور ■ ۱۱- سست و وارفته- شهد و انگبین- خاکستر- نماز در وقت معین ■ ۱۲- رویداد بد- ستیزه- فرمان کشتی ■ ۱۳- گشایش- خانه به دانه- امر به گفتن- غیرت ■ ۱۴- حمله- موی انگلیسی زبان - کشیدنی به چشم ■ ۱۵- طلوع کردن- رماتی از دوبلارک، نویسنده شهر فراتسه که در آن زشتی خسابست رایه خوبی بیان می‌کند

از بالا به پایین

■ ۱- سروسلسله افشاریه- مرد مسن و قابل احترام ■ ۲- شبنم- کار خود را به خدا واگذاشتن- ایتالیایی قدیم ■ ۳- نه ته پياز نه سر پياز- تار ساز- خوشگل- اجراکننده ■ ۴- خطر پذیری در بازار- پسوند حاصل مصدر- سخن صریح- محکم کردن ■ ۵- درس نخوانده- ایمان قلبی- صفحات غیر اصلی روزنامه‌ها ■ ۶- دشمن سخت- داستان دنباله‌دار که در تشریات چاپ می‌شود- تور ماهیگیری ■ ۷- از جنس پارچه مشبک- نیستی- توبه کننده ■ ۸- زیانداری بی‌زبان- کشتی تفریحی- پل- چین و شکن ■ ۹- روستایی که در زمان نهضت جنگل، نقش مهمی به عنوان مرکز اولین تشکیلات نظامی و اداری به رهبری میرزا کوچک خان ایفا کرد - تن‌پوش گرمابه- صاحب و تصرف ■ ۱۰- مقابل سوژه- مترجم- پسوند شباهت ■ ۱۱- هدایت‌کننده- گیاهی زینتی و همیشه سبز- به گلگه می‌زند ■ ۱۲- نو و باز نشده- سطح دست- گیم ناتمام- کشتی زاپتی ■ ۱۳- پوست کندم - مدل خیاطی- صدمه- شامل همه ■ ۱۴- جامه بلند- بیسکویت سبک- مسیر حرکت سیارات ■ ۱۵- از مواد ضروری برای بدن- رودی در چین

جدول



دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ | ۱۸ محرم ۱۴۴۷

گفت‌وگو

سرویس گفت‌وگو: ۶۰-۸۸۵۲۳۰

بازآفرینی گفت‌وگوی قدیمی «جوان» با سردارشهبید سبهد پاسدار شهید دکتر غلامعلی رشید

روایت فتح

حسین فصیحی

جنگ تحمیلی ۱۲روزه رژیم‌های صهیونی - امریکایی به کشورمان، ادامه جنگ هشت ساله بود. ویژگی مشترک دو جنگ، ادامه تلاش دشمنان برای رسیدن به اهدافی است که وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ آنها را برای رسیدن به آرزوهای‌شان ناکام گذاشت. وجه مشترک دو جنگ پشتیبانی کامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جهان غرب از تجاوز آشکار به کشورمان است که با رهبری قاطع فرمانده کل‌قوا، پاسخ قاطع نیروهای مسلح و همراهی مردم دشمن را ناکام گذاشت. درک درست از افتخارهایی که در طول جنگ‌ها برای کشور حاصل شده است از موضوعات اساسی در پیروزی‌های پیش روی جامعه است؛ افتخارهایی که با تدبیر فرماندهان جوان جنگ حاصل و به پیروزی‌های بزرگ منجر شد. یکی از آسیب‌های جریان ناپذیر جنگ

سردار! عملیات بیت‌المقدس که در افکار عمومی به عنوان یک نقطه عطف در دفاع مقدس شناخته شده است معمولاً مترادف با فتح خرمشهر گرفته می‌شود. جنابعالی از طرف سپاه، فرماندهی قرارگاه فتح را در این عملیات تاریخی بر عهده داشتید. این عملیات چه ویژگی‌ها و نقشی در روند تحولات جنگ داشت؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است بعد از ذکر یک مقدمه به چند نکته اشاره کنیم و اما مقدمه، برای اینکه نقش عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر را در تحولات سیاسی- نظامی کشور و دفاع مقدس بهتر درک کنیم، لازم است نگاهی اجمالی به اوضاع سیاسی، نظامی و امنیتی سال اول جنگ داشته باشیم. بر کسی پوشیده نیست که سال اول جنگ، کشور در بحران سیاسی و بن‌بست نظامی قرار داشت. دشمن در خانه ما حضور داشت و شهرها و سرزمین‌های متعددی را اشغال کرده بود. جریان سیاسی ضدانقلابی به رهبری بنی‌صدر از اسفند سال ۱۳۵۹ با ایجاد حادثه در دانشگاه تهران تلاش می‌کرد جریان انقلابی را در کشور مهار و حذف کند. تداوم این روند موجب درگیری‌های خیابانی و فرورفتن کشور در بحران بود (در حالی که مناطقی از کشور در اشغال بود)، ترورها و انفجارها موجب از دست رفتن بخش مهمی از کادر رهبری و مدیریت کشور شد. تصور می‌شد کشور در این روند دچار فروپاشی خواهد شد. پیش از این روند نظامی با فرماندهی بنی‌صدر شکست خورده، زیرا نه در دفاع و نه در آزادسازی موفق نشد و شاید همین عامل در تشدید بحران سیاسی نقش داشت. حضرت امام(ره) دو گزینه پیش رو داشت: یا امتیاز دادن به دشمن و تمرکز برای حل مسائل سیاسی در داخل یا برعکس ایجاد ثبات سیاسی سپس آزادسازی مناطق اشغالی. امام با انتخاب گزینه دوم، فرماندهی کل‌قوا را از بنی‌صدر پس گرفت و به فرماندهان جوان، مؤمن و انقلابی اعتماد کرد و مسئولیت داد و به این ترتیب روند آزادسازی شکل گرفت. در این روند شکستن محاصره آبادان تحقق دیر هنگام فرمان امام بود و پس از آن طریق القدس و فتح‌المبین موجب ایجاد باور نسبت به قدرت ایران و تردید درباره قدرت عراق شد. طراحی عملیات بیت‌المقدس در چنین فضایی آغاز شد. نخست اینکه فتح خرمشهر پایان یک دوره و آغاز یک دوره جدید است و با فتح خرمشهر ماهیت جنگ تغییر کرد. به هر حال دشمن در آغاز تجاوز از مرزها عبور می‌کند و شهرهای زیادی از ما به اشغال دشمن درمی‌آید و ۱۵ تا ۲۰هزار کیلومتر مربع از خاک ما را دشمن تصرف کرد و در سال اول جنگ موفق نشدیم هیچ نقطه‌ای از سرزمین‌های اشغالی را آزاد کنیم.

سال دوم جنگ با چه تحولی دنبال شد؟

در سال دوم جنگ یک تحول بزرگ انقباض افتاد و با یک استراتژی نظامی و عملیات‌های موفق و سلسله‌وار دشمن را با قدرت به عقب راندیم تا به مرزها رسیدیم. عمده عملیات‌های ما در استان خوزستان بود و نیمه جنوبی استان ایلام. دشمن در مرز خوزستان و انتهای جنوبی استان ایلام که جمعا حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز داریم ۱۰هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های ما را اشغال کرده بود و در مابقی مرز که حدود هزار کیلومتر است، ۵ تا ۶هزار کیلومتر مربع را



اشغال کرده بود و این اهمیت مناطق اشغالی را در خوزستان می‌رساند. ما با چهار عملیات بی‌دربی در سال دوم جنگ حدود ۱۰ هزار کیلومتر مربع را آزاد کردیم. دوره جدید با فتح خرمشهر آغاز شد. یک تصمیم استراتژیک از سوی امام و شورای عالی دفاع گرفته شد و ما وارد خاک عراق شدیم و جنگ به مدت شش سال دیگر ادامه پیدا کرد. با فتح خرمشهر ماهیت جنگ عوض شد، یعنی تا قبل از فتح خرمشهر اگر اهداف صدام و رهبران بعثی عراق براندازی و سقوط نظام و تهدید جدی انقلاب اسلامی و نابودی انقلاب و لغو قرارداد سال ۱۹۷۵ بود، با فتح خرمشهر همه این اهداف از بین رفت و ایران را به قله پیروزی رساند و برعکس عراق در آستانه سقوط قرار گرفت.

معادلات عراق تا پیش از فتح خرمشهر چگونه دنبال می‌شد؟

تا قبل از فتح خرمشهر عراق توانسته بود طی یک تا دو سال قدرت‌های جهان و حتی قدرت‌های منطقه را متقاعد کند که قدرت نظامی عراق قدرت بزرگی است و توانست ایران را شکست بدهد و ایرانی‌ها نتوانستند او را شکست دهند اما همه اینها با فتح خرمشهر از بین رفت و صدام در آستانه سقوط قرار گرفت. نکته مهم دیگر اینکه خطر صدور انقلاب و تأثیر ایران بر مسائل منطقه که امریکایی‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی احساس کردند مجسدا با آزادی خرمشهر در ابعاد وسیع‌تری در آنها احساس شد و برای

مناطق اشغالی را از دشمن باز پس نگرفتند اما بعد از فتح خرمشهر مردم اطمینان پیدا کردند که این قدرت نظامی متکی بر فرماندهان حزب‌اللهی و با ایمان قادر است از منافع ملت ایران دفاع و تهدید را دور کند و تهدیدکننده را شکست دهد. نکته چهارم اینکه با فتح خرمشهر ابعاد و ماهیت قدرت نظامی ایران آشکار شد. دشمن پیش از این باور نمی‌کرد قدرت جدیدی شکل گرفته است و یک نیروی جدید این همه تحولات را ایجاد و خرمشهر را فتح کردند. تا فتح خرمشهر قدرت این نیرو را ندیده و ارزیابی نکرده بودند ولی با پیروزی، قدرت این نیروی نظامی جدید آشکار شد و آنها به شدت وحشت کردند و نکته آخر، نگرانی صدام و کسانی که پشت سر صدام بودند، یعنی حامیان منطقه‌ای و جهانی صدام از فتح خرمشهر، آزادی خرمشهر نبود بلکه پیامدهای فتح خرمشهر بود که بر موازنه منطقه‌ای تأثیر گذاشت و موازنه را به سود ایران تغییر داد. با فتح خرمشهر علام شکست عراق برای همه آشکار شد و ظهور قدرت نظامی جدید ایران مهم‌ترین نقطه نگرانی دشمن بود.

این تأثیر در معادلات جهانی چگونه دنبال شد؟

من یادم است در آن روزهای پیروزی عملیات بیت‌المقدس، بگین، نخست وزیر رژیم غاصب اسرائیل گفت، اگر نیروهای ایران از دجله عبور کنند ما با آنها مقابله خواهیم کرد و حقیقتاً نگران بودند که این قدرت سرزمین عراق را در هم کوبد و به طرف قدس حرکت کند. این ملاحظات باعث شد دشمنان ایران به ویژه امریکایی‌ها و رژیم‌صهیونیستی به فکر مهار قدرت ایران افتادند و به شدت وحشت و شروع کردند به تلاش همه‌جانبه برای مقابله با این قدرت نظامی و تقویت عراق در همه زمینه‌های مختلف. دو سال پیش گزارش‌های خبری را نگاه می‌کردم، یک ژنرال عراقی که سسختگوی صدام بوده یا تلویزیون الشرقیه مصاحبه کرده و گفته بود سفر تخانه‌های روسیه، امریکا و عربستان همه در کشف نیروهای نظامی ایران که می‌خواستند به عراق حمله کنند، کمک می‌کردند.

برای آشنایان به مسائل نظامی هم درک این تحول در جبهه‌ها که به تحمیل بزرگ‌ترین شکست به ارتش صدام و حامیان وی منجر شد، دشوار است. تشریح چگونگی دستیابی به این پیروزی بزرگ هم برای مردم و هم برای تحلیلگران نظامی می‌تواند مفید و آموزنده باشد.

با شما موافقم. برای خیلی از کسانی که از نزدیک در جریان تحولات نظامی در جبهه‌ها نبودند، وقوع این دگرگونی قابل درک نیست. شاید طبیعی باشد که بعضی از مخاطبان هنوز نتوانند این رخداد عظیم را باور کنند و شاید یکی از دلایل آن عظمت این حادثه است که باور آن را برای کسانی که در بطن آن نبوده‌اند، دشوار می‌کند. آنچه مسلم است این‌که در سال دوم جنگ اتفاق بزرگی رخ داد؛ یک تفکر خلاق به

عزم و اراده فرماندهان بزرگوار ما پدید آمد که آن سرمنش پیروزی‌ها شد. تفکر خلاق را همه این فرماندهان عرض کردند. در سال دوم جنگ، ما با همان امکاناتی که داشتیم دشمن را مورد حمله قرار دادیم و پیروز شدیم. در سال دو یقیناً امکانات ما از سال اول جنگ کمتر بود. ابزار و امکانات ارتش ما در سال اول جنگ بیشتر بود. تانک، هلیکوپتر توپخانه بیشتری داشتیم و در چندین عملیات ناموفق بخشی از امکانات ارتش از بین رفته بود و جایگزین هم نشد و این روند تا آخر جنگ وجود داشت.

تفکر خلاق در سال‌های اولیه جنگ چگونه بود؟

تفکر خلاق در سال‌های اولیه جنگ بر تصمیم‌گیری‌های نظامی میدان جنگ حاکم نبود، به همین دلیل در خیلی از عملیات‌ها ما شکست خوردیم. یکی از علل شکست‌های سال اول جنگ عدم شناخت ما نسبت به دشمن بود همچنین عدم بهره‌گیری از تمام امکانات و منابع در چارچوب یک استراتژی موفق، اما در سال دوم جنگ، ما همه امکانات و منابع را به کار گرفتیم. آیا در این کشور سپاه و نیروی مردمی، جهاد سازندگی در سال اول نبودند و اینها جزو منابع کشور نبودند؟ بودند اما یک عده‌ای مانع حضور اینها در جنگ در کنار ارتش می‌شدند. بهره‌گیری از اینها جزو منابع کشور نبودند؟ بودند اما یک عده‌ای مانع شناخت دقیق از دشمن و اطباق با واقعیات ویژگی‌های استراتژی ما در سال دوم جنگ بود؛ ترکیب جدید نیروها که برادران ارتش، سپاه، جهاد سازندگی و بسیجی‌ها بودند وید واحد شدند، علیه دشمن و با طرح‌ریزی‌های عالی حمله کردند و در آن عملیات‌ها پیروز شدند و ارتش عراق در همه سطوح غافلگیر شد و نفهمید و درک نکرد که ایر قدرت چگونه شکل گرفته است. ارتش همان ارتش بود و ا نظر تجهیزات و سلاح ضعیف‌تر از سال اول جنگ، اما د عنصر مهم بر توان دفاعی و نظامی کشور اضافه شد. یک عنصر سخت‌افزاری یعنی حضور بر حجم نیروهای سپاه، و نرم‌افزاری هم وجود دارد و آن اصل تفکر و تأثیر اندیشه و قدرت اراده فرماندهان و خلاقیت نیروی انسانی است که در جنگ حرف اول را می‌زند. باید دید در کدام طرف جنگ تفکر برتری وجود دارد؟ تفکر خلاق وجود دارد؟ آن است که راهبرد خلق و راهکار تعیین می‌کند. چگونگی جنگ را تفکر فرماندهان معلوم می‌کنند. من چهار سال پیش مصاحبه‌ای از یک فرمانده دیدم، او گفته بود ما یک سال صبر کردیم تا توانستیم به دشمن نزدیک شویم و بعد که نزدیک شدیم، غلبه پیدا و بعد مناطق اشغالی را آزاد کردیم؛ خیلی تعجب کردم، آیا واقعاً مشکل ما همین بود؟ ما که در سال اول از

همان روزهای اول به خطوط دشمن نزدیک بودیم و تماس مستقیم و نزدیک داشتیم، ما در همان سال اول در بعضی جاها تا ۱۰۰ متر با دشمن فاصله داشتیم. پس چرا آزادسازی انجام نشد؟ ما باید قبول کنیم که در سال دوم تحول ماهوی و فکری در فرماندهان و رزمندگان ایجاد شد، اگر در هر صحنه که فرماندهانی با ایمان، فکورتر، باندبیرتر و هوشمندتر باشند، می‌توانند به بهترین شکل از امکانات استفاده کنند. در سال اول جنگ خیلی از ماها بودیم اما آن تفکر خلاق در فرماندهی نبود که ما را دور هم جمع کند. می‌خواستم همین نکته را اشاره کنم، در سال دوم تحولی متاثر از تفکر،

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴



سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

سؤال خوبی است و شاید پاسخ این سؤال بخشی از اینها کسانی را که می‌گویند با فتح خرمشهر باید جنگ خاتما می‌یافت نیز در برداشته باشد. من برای پاسخ این سؤال، نکته‌ای که از مواجهه با برخی وابستگان نظامی کشورهای بیگانه در تهران داشتم اشاره می‌کنم. اسفند سال ۱۳۸۴

بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، کل وابستگان کشور‌های بیگانه در تهران، از کشور‌های اروپایی، آفریقایی، آسیایی و امریکای لاتین را جمع کرده بود، می‌خواستند آنها را برای بازددیدی از جبهه‌های جنگ ببرند و از من خواستند مطالبی پیرامون جنگ برای آنها بیان کنم. داخل یک سالن، عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس را برای‌شان به صورت کلی تشریح کردم. نمی‌خواستم وارد جزئیات بشوم، یکی از وابسته‌های نظامی کشور‌های عربی تردیدهایی داشت و سؤالاتی کرد و من وارد جزئیات شدم و چون من خودم در صحنه جنگ حضور داشتم و فرمانده قرارگاه فتح از طرف سپاه بودم، عبور از رودخانه کارون را خیلی ریزتر توضیح دادم با عبور از تنگه دلیجان در کوه میشداغ و دور زدن تنگه راقاییه و محاصره دشمن را با جزئیات توضیح دادم. با این توضیحات هیچ تردیدی در ذهن آنها نماند. در آخر جلسه وابسته نظامی ایتالیا که به گمانم ارشد آنها بود، پرسید شما در این جلسه برای ما دو عملیات حرف زدید و با آسار و ارقام اثبات کردید که دو سپاه از تش عراق را متلاشی کرده‌اید و حدود ۴۰ هزار نفر اسیر گرفتید، همین مقدار هم کشته و مجروح کردید. (برادران می‌دانند که در همان موقع ارتش عراق دارای چهار سپاه بود و عمده ارتش عراق همان سپاه دوم در مقابل بغداد بود و سپاه چهارم در غرب کرخه و سپاه سوم در شرق بصره و سپاه یکم فقط یک لشکر پیاده داشت در اطراف کرکوک). ایشان گفت شما دو سپاه را نابود و متلاشی و هزار دستگاه تانک منهدم کردید و همین میزان نفربر و خودرو به غنیمت گرفته شد. پس چرا جنگ به پایان نرسید؟ من به ایشان گفتم که شما از زاویه خوبی نگاه کردید. در هر جنگ متعارف دیگری اگر چنین حادثه‌ای اتفاق می‌افتاد، قطعاً متجاوز شکست می‌خورد و اگر پشت سر صدام قدرت‌ها وجود نداشتند، یقیناً جنگ در خرداد سال ۱۳۶۱ با فتح خرمشهر و با پیروزی ملت ایران و شکست ارتش عراق به پایان می‌رسید ولی امریکایی‌ها، روس‌ها و شما اروپایی‌ها و تمام اعراب آمدید و پشت سر صدام ایستادید و مانع سقوط او شدید. بله در آن شرایط اگر صدام از آن حجم عظیم حمایت‌ها برخوردار نبود، باید جنگ تمام می‌شد و دشمن شکست خورده بود، اما متاثر از کمک‌های حامیان منطقه‌ای و جهانی سقوط نکرد. صدام قبل از جنگ ۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت و ۱۰۰ میلیارد دلار هم طی هشت سال جنگ، خودش خرج کرد. ۶۰۰ میلیارد دلار هم اعراب به او کمک کردند و جمعا صدام حدود ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه و با تجهیزات بسیار مدرن در مقابل ما صف‌آرایی کرده بود، به اضافه اینکه تمام سیستم‌های اطلاعاتی به کمک او آمده بودند و از هیچ کمک و حمایتی از ارتش صدام حتی اعزام نیرو، مستشار، خلبان، هواپیمای اجارهای و حمایت‌های حقوقی، سیاسی، تسلیح دشمن به سلاح‌های نامتعارف، سکوت جابدا رانه در برابر جنایت‌های بشری در برابران‌های شیمیایی و بمباران شهری دریغ نکردند، اما در مقابل حتی کم‌ارزش‌ترین اقلام دفاعی با دو گانه نظیر سیم خاردار و گونی سنگری را از ما دریغ کردند و از هر فرصتی برای شکست رزمندگان و نظام ما بهره جستند. طبیعتاً است که چنین شرایطی که عزم بین‌المللی بر غلبه یا به اعتقاد برخی تحلیلگران عدم شکست صدام بود، با تهدام بخش عمده نوار زمی عراق، به تنهایی برای شکست دشمن کافی نبود. به طور طبیعی پس از هر عملیات گسترده هر دو کشور با تمام توان به بازسازی نیروی خود اقدام می‌کردند و این در حالی بود که ج.ا.ا در نهایت محرومیت و محاصره بود، اما دشمن یعنی در اوج حمایت و برخورداری از همه تسهیلات و امکانات مالی، نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و تجاری حامیان بین‌المللی و منطقه‌ای خود. بدیهی است در چنین شرایطی عملیات عظیم بیت‌المقدس هم به تنهایی برای سرنگونی یا شکست نظامی کامل ارتش یعنی باززندانگ اسلام وارد صحنه جنگ کرد. مردم ما به ویژه نسومی‌ها آنچه از عملیات بیت‌المقدس در ذهن دارند، بیشتر ناظر بر نتیجه این عملیات، یعنی فتح خرمشهر و خیل بی‌شمار اسرای عراقی و خاطره خوش فتح خرمشهر است و آزادی این شهر است اما حتی بسیاری از رزمندگان که مستقیماً در این عملیات و مقدمات آن نبوده‌اند، ممکن است از تلاش‌های بی‌وقفه و سختی‌های روحی و دلپهره‌های زمان عملیات بی اطلاع باشند و باز گو کردن بخشی از این تلاش‌ها، هم از بعد تجلیل از پیدآورندگان این محاسه عظیم و هم برای آگاهی مخاطبان مقید است.

برای اینکه مردم و جوانان عزیز ما نقش اراده، خلاصیت و تفکر مثبت برایمان که عنصر اصلی پیروزی در بیت‌المقدس بود بیشتر واقف شوند، لازم است ضمن مقایسه بین توان خودی و دشمن و اوضاع نظامی حاکم بر منطقه عملیات، خلاصه‌ای از مقدمات عملیات بیت‌المقدس را بیان کنید.

ما حقیقتاً شرایط دشواری داشتیم، کسی تصور نکند ما شرایط آسانی داشتیم، خیلی دشوار بود و در اضطراب بودیم. شاید هیچ کمبودی به لحاظ نفرات و تجهیزات نداشت و ما احساس می‌کردیم که حمله به این دشمن خیلی دشوار است و حتی احتمال شکست هم می‌دادیم. قوت ما، فرماندهان و رزمندگان ما بودند، انسان‌هایی صادق، باایمان، با دل‌ها و روح‌های بزرگ، شجاع، باتدبیر، هوشمند و به خدا امیدوار. من شهادت می‌دهم! والله فرماندهان ما نه ماجراجو بودند و نه توهم داشتند و نه بدون کار، بررسی، طراحی، شناسایی عمیق، بحث‌های فراوان و تفکر، همین طوری، خشک و خالی توکل بر خدا و توسل پیدا کنند، نه والله اینطور نبود. ما‌ها کار اطلاعاتی، بررسی منطقه، مذاکره و مباحثه تخصصی برای دو عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس صورت گرفت، چون ما فکر می‌کردیم حمله به این دشمن خیلی سخت است. اولین جلسه را با برادران ارتش در تاریخ اول دی ماه همان سال گذاشتیم. بعد از عملیات فتح‌المبین بلافاصله آماده شدیم برای عملیات بعدی. من حساب کردم تقریباً طی یک ماه حداقل ۲۰۰ نفر روزانه ۱۵ ساعت کار می‌کردند یعنی بالغ بر ۹۰ هزار نفر ساعت کار و این واقعا

سر لشکر غلامعلی رشید، چهاره‌ای مشترک نشدنی در عملیات‌های پیچیده نظامی به دست دشمن صهیونی - امریکایی به شهادت رسید. «تایفه نظامی»، «نفر به پرداز دفاعی»، «متفکری استراتژیست» و «طراح ارشد عملیاتی» از عنوانی است که سرلشکر رشید با آنها یاد می‌شود. ایشان در طول جنگ تحمیلی هشت ساله و تا لحظه شهادت از فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بود و در تمامی عملیات‌های دوران دفاع مقدس و طرح‌ریزی‌های عملیاتی نیروهای مسلح پس از جنگ حضوری مؤثر و بی‌مانند داشت. به گونه‌ای که سه بار نشان درجه ۲ افتخ، عالی‌ترین نشان رزمی کشور را دریافت کرد.

کاری بسیار سنگین بود. وسعتی که ما می‌خواستیم عملیات کنیم ۳۰۰ برابر وسعت منطقه عملیات ثامن‌الامنه و ۱۰ برابر وسعت عملیات طریق‌القدس و به اندازه بیش از نیمی از سسرزمین لبنان بود، ما در وسعتی حدود ۶هزار کیلومتر مربع عملیات کردیم. شما از هر جایی که می‌خواستید عملیات بکنید، باید از رودخانه عبور کنید، در شمال رودخانه کرخه و در ششرق رودخانه کارون و در جنوب رودخانه اروند بود و آن طرف در غرب هم هور هویزه بود، یعنی دشمن محصور بود بین این آب‌ها و به مدت ۲۲ ماه زمان در اختیار دشمن بود و در حد کافی میدان مین و استحکامات و سنگر درست کرده بود و این موانع طبیعی و موانع غیرقابل عبور بودند و ما باید از تمام موانع طبیعی و مصنوعی عبور می‌کردیم. طرح‌ریزی چنین عملیاتی یک کار بسیار خطیر بود و ما با برادران ارتش در تمام امور هماهنگی داشتیم اما در بحث طرح‌ریزی جداگانه عمل می‌کردیم. تیمی را فرمانده وقت سپاه آماده کرده بود که من و شهید باقری و آقا رحیم و آقای عزیز جعفری و آقای غلامپور بودیم و یک تیم هم شهید صیادشیرازی آماده کرده بود و شامل ۲۰۰روز طول کشید. بعد اعضای دو تیم می‌آمدند در یک جای مشترک در قرارگاه مرکزی پیش آقای رضایی و شهید صیادشیرازی توضیح می‌دادند.

راهکارهای مطرح‌شده چگونه دنبال می‌شد؟
آنجا در انتخاب راهکار اختلاف بسیار شدیدی داشتیم. یکی از راهکارها این بود که متکی بر معبر زمینی اقدام کنیم، یعنی همان جاده اهواز به خرمشهر که باید ۱۲۰ کیلومتر می‌گودید ما بر سیم به خرمشهر. راهکار دوم مثل عملیات هویزه بود، باید هم از زمین و هم از رودخانه عبور می‌کردیم. در راهکار سوم عبور از رودخانه کارون با حد اکثر قوای بود که مورد توجه قرار گرفت. دشمن دو آرایش داشت: یک آرایش عمومی و یکی هم خاص خرمشهر داشت و یک عمده قوایی در حاشیه جنوبی کرخه‌کو ر داشت و یک عمده قوایی در درون شهر خرمشهر. در شهر خرمشهر یک آرایش خاص داشت و حتی شمال خرمشهر را کانال زده‌بود که اگر قوای ایران پیشروی کردند، لاقال از طرف شمال به آسانی وارد خرمشهر نشوند. ضعف دشمن همین منطقه مقابل هالوب تادارخون در غرب کارون بود. فرمانده وقت سپاه همیشه با یک اتن یک دایره مجازی روی نقشه می‌کشید و می‌گفت اینجا قلب منطقه است، اگر به اینجا دست پیدا کنیم، موفق می‌شویم. این دایره از گوشه کوشک بود تا ایستگاه حسینیه تا مرز، یک دایره به وسعت ۵۰۰ کیلومتر مربع و می‌گفت

از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ معاون عملیات ستاد مشترک یاسداران بود. پس از آن به ستاد کل نیروهای مسلح منتقل شد و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل را عهده‌دار شد. سرلشکر شهید در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۵ برای مدت ۱۷ سال جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح بود و از سال ۱۳۹۵ تا زمان شهادت، فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء به عنوان عالی‌ترین مرکز فرماندهی عملیاتی نیروهای مسلح را به عهده داشت. قرارگاه خاتم‌الانبیاء وظیفه هماهنگی و هدایت تمامی عملیات‌های نظامی نیروهای مسلح را بر عهده دارد. واقع فرمانده این قرارگاه، در زمان جنگ، معادل جانشین فرماندهی کل قوا در حوزه عملیات است.

اگر صدام از آن حجم عظیم حمایت‌ها برخوردار نبود، باید جنگ تمام می‌شد و دشمن شکست خورده بود، اما متاثر از کمک‌های حامیان منطقه‌ای و جهانی سقوط نکرد. صدام قبل از جنگ ۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت و ۱۰۰ میلیارد دلار هم طی هشت سال جنگ، خودش خرج کرد. ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد دلار هم اعراب به او کمک کردند و جمعا صدام حدود ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه و با تجهیزات بسیار مدرن در مقابل ما صف‌آرایی کرده بود، اما در مقابل حتی کم‌ارزش‌ترین اقلام دفاعی یا دو گانه نظیر سیم خاردار و گونی سنگری را از ما دریغ کردند و از هر فرصتی برای شکست رزمندگان و نظام ما بهره جستند



سر لشکر شهید، دارای تحصیلات تیران رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تهران و تربیت مدرس بود و پایان نامه دکترای وی در سباره «نقش عوامل ژئوپلیتیک در تدوین راهبرد دفاعی» ارائه شده است. همچنین به عنوان دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) فعالیت داشت و در تربیت نسل جدید فرماندهان نظامی نقش مؤثر ایفا کرد. ایشان در کنار سوابق نظامی، به عنوان نظریه‌پرداز حوزه دکترین نظامی ایران هم شناخته می‌شد. سرلشکر شهید در سخنرانی‌های بسیار بر لزوم افزایش توان بازدارندگی مستمر و فعال ایران تأکید داشت و یکی از مدافعان سرسخت افزایش توان موشکی ایران بود. ایشان سال‌های اخیر بارها از سویی رسانه‌های غربی به عنوان یکی از افسران کلیدی در تدوین راهبرد های نظامی ایران، در منطقه خاور میانه معرفی شده بود.

و به دلیل کمک‌های خارجی همیشه کامل بود. تأکید فرمانده این بود که منطقه سرپل وسیع و بزرگ باید تصرف شود و سرزمین ۸۰۰ کیلومتر مربعی را تصرف کنیم، بنابراین معنای مانور نظامی ما در عملیات بیت‌المقدس و انتخاب راهکار عبور از کارون با استفاده از قرارگاه فتح و نصر (عمده قوا)، یعنی برهیز از نقاط قوت و زدن به نقطه آسیب‌پذیر و ضعف دشمن بود. این دکترین عملیاتی ما بود که هشت سال عمل کردیم. عملیات تصویب شد و ما با قرارگاه مرکزی کربلا، حمله کردیم. با قرارگاه‌های فتح، نصر، وفقدن، نیروی زمینی ارتش سه لشکر و پنج تیفر کنیم، ۶۰۰ گردان و نیروهای سیاه ۱۴ تیپ بودند، شامل ۱۲۰ گردان. تجهیزات ارتش هم کمک فوق‌العاده‌ای به ما کرد، از قبیل توپخانه خمپاره ۱۲۰ م-۱، کاتیوشا و غیره و هواپنیر و از امکانات عمومی برخوردار بود، شامل ۴۴ فروند کبری و ۲۲ فروند ۲۱۴ و ۱۵ فروند شنوک و نیروی هوایی ارتش که برای روز اول عملیات ۲۰۰ سورتی (نوبت) پرواز و روزهای بعد با شش سورتی پشتیبانی می‌کرد و پدافند هوایی ارتش و ترابری هوایی‌ها در عقب جبهه، جهاد سازندگی می‌باش بیشتر می‌خوانند آن حماسه عظیم را کم‌رنگ جلوه دهند، اما آنچه هم اکنون به عنوان یک گفتمان انتقادی نسبت به مدیریت و تصمیم‌گیری در جنگ شکل گرفته و مطرح است بر پایه این فرض است که پس از فتح خرمشهر شرایط برای صلح با برتری ایران با ارائه امتیازات مورد نظر ایران آماده بود ولی ایران به دلیل ارزیابی غلط از توان خود و شرایط و با تعریف جدید از اهداف جنگ از تصمیم‌گیری برای خاتمه دادن به جنگ امتناع کرد. به نظر می‌رسد عوامل مؤثر در شکل‌گیری گفتمان انتقادی ششسال ندوام جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت شش سال و گسترش دامنه جنگ کل مانور را بین جاده و مرز تمرکز کردیم، با وجود کمبود نیرو و مراکز غیرنظامی در شهرها و از همه مهم‌تر نحوه پایان دادن به جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و بعدها تحولات اجتماعی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ است. عناصر حاکم بر نقد تصمیم‌گیری نسبت به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بر چند محور استوار است:

اگر ما یل هستیید در خصوص این پرسش که امروزه در خصوص ضرورت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر مطرح می‌شود نیز مطالبی بفرمایید.

می‌خواهم قبل از پاسخ به این سؤال به این نکته اشاره کنم که عالیه‌ایز ورود به این بحث به نظر اینجانب روش درستی در پیش نمی‌گیریم. بر اصل طرح سؤال و ضرورت پاسخ به اینکه چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد، شاید نتوان ایرادی وارد کرد و سؤالی طبیعی است و پاسخ به این سؤال هم ضروری است، اما این سؤال نباید به این شکل طرح شود که بر این پیروزی بزرگ سایه بیندازد. اینها دو مسئله جدا از هم هستند. بله این پرسش پاسخ دارد، ولی در زمان و شرایط مناسب، طرح هم‌زمان این پرسش با سال‌روز آزادی خرمشهر گاهی این شباهت را تقویت می‌کند که بعضی‌ها می‌خوانند آن حماسه عظیم را کم‌رنگ جلوه دهند، اما آنچه هم اکنون به عنوان یک گفتمان انتقادی نسبت به مدیریت و تصمیم‌گیری در جنگ شکل گرفته و مطرح است بر پایه این فرض است که پس از فتح خرمشهر شرایط برای صلح با برتری ایران با ارائه امتیازات مورد نظر ایران آماده بود ولی ایران به دلیل ارزیابی غلط از توان خود و شرایط و با تعریف جدید از اهداف جنگ از تصمیم‌گیری برای خاتمه دادن به جنگ امتناع کرد. به نظر می‌رسد عوامل مؤثر در شکل‌گیری گفتمان انتقادی ششسال ندوام جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت شش سال و گسترش دامنه جنگ کل مانور را بین جاده و مرز تمرکز کردیم، با وجود کمبود نیرو و مراکز غیرنظامی در شهرها و از همه مهم‌تر نحوه پایان دادن به جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و بعدها تحولات اجتماعی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ است. عناصر حاکم بر نقد تصمیم‌گیری نسبت به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بر چند محور استوار است:

الف) مخالفت امام(ره) و نقش دیگران در تحمیل موضوع (د) مخافت برای مردم (ه) نقش متحصر به فردی در طراحی و موفقیت این عملیات و حماسه بزرگ داشت.

از طولانی شدن جنگ. ج) بی‌توجهی به پیش‌بینی‌ها و صلح و امتناع از مذاکره برای پایان دادن به جنگ. میزان صحت عناصر مورد اشاره نیاز به بررسی جداگانه دارد ولی آنچه مهم است و در ارزیابی و نقد این تصمیم نقش دارد، چند مسئله است: نخست، بی‌توجهی به شرایط و بستر تاریخی برای تصمیم‌گیری و جدا کردن اصل تصمیم‌گیری از محیط و حاکم بر تصمیم‌گیری علاوه بر این و متاثر آن است، به همین دلیل امکان‌پذیری اتمام جنگ به صورت منطقی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با فرض اینکه جنگ برابر همین نظرات پس از فتح خرمشهر به پایان رسیده بود، امروز مهم‌ترین پرسش این بود که چرا در شرایطی که ایران در موضع برتر قرار داشت و عراق در وضعیت هزیمت و شکست، جمهوری اسلامی ایران جنگ را اینگونه خاتمه داد؟ بنابراین اگر امروز با این پرسش و ابهام تاریخی در مورد تصمیم‌گیری به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر مواجه هستیم، چنانچه تصمیم به پایان جنگ گرفته می‌شد و پس از فتح خرمشهر جنگ به پایان می‌رسید، امروز نیز این پرسش مطرح بود که با کدام منطق دشمن در حال شکست کامل را مهلت دادید و چرا به او اجازه حیات، بازسازی و استمرار تهدید داده شد؟ بنابراین همیشه در مواجهه با یکی از این دو پرسش ناگزیریم و پاسخ به آنها به طریق درک فضای تصمیم‌گیری و شرایط حاکم بر محیط داخلی و خارجی در زمان تصمیم و تحلیل پیامدهایی که پس از فتح خرمشهر تاکنون در صحنه واقعی اتفاق افتاده است، امکان‌پذیر است.

عملیات بیت‌المقدس به دلیل بزرگی آن، یک عملیات چندمرحله‌ای بود. کدام یک از این مراحل برای شما سخت‌تر و کدام یک شیرین‌تر بود؟

در مرحله اول ما به سرعت عملیات کردیم و به جاده اهواز - خرمشهر رسیدیم و توانستیم بین ۳۰ تا ۳۵ کیلومتر از جاده و سرپلی به وسعت ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر مربع را تصرف کنیم. دشمن به ما پانک زد، در شب دوم و سوم با یک تاش فراوان توانستیم اهداف باقی‌مانده را تصرف کنیم. مرحله دوم را یک هفته بعد یعنی ۱۷ اردیبهشت آغاز کردیم و به مرز رسیدیم. یگان‌های تحت امر سپاه در قرارگاه فتح شامل تیپ ۲۵ کربلا به فرماندهی مرتضی قربانی و تیپ ۱ نجف به فرماندهی شهید احمد کاظمی و تیپ ۱۲ (امام حسین(ع) به فرماندهی شهید حسین خرازی بودند. از طرف ارتش مسئول قرارگاه فتح شهید نیکی بود و از طرف سپاه من فرمانده بودم. در مرحله دوم ما به بحران عسجی گرفتار شدیم. دشمن از جنوب منطقه شلمچه رو به شمال به قرارگاه نصر حمله و بخش زیادی از منطقه تصرف را تصرف کرد. همه فرماندهان قرارگاه کربلا و قرارگاه فتح جمع شدیم در سنگر فرماندهی قرارگاه نصر. دشمن با حمله قوای به منطقه قرارگاه نصر پانک کرده بود- تمام یگان‌های قرارگاه نصر شامل لشکر ۲۱ خمزه و تیپ‌های ۲۷ محمد رسول الله(ص) و ۷ ولی عصر(عج) با تمام قدرت با دشمن درگیر شده بودند- حاج احمد توسلیان صدای رگبار گلوله‌ها و شلیک آرمی‌چی‌ها و انفجار گلوله را با بی‌سیم به گوش فرمانده وقت سپاه رساندم و می‌گفت، همه افراد دوروبرم رفته‌اند این جنگ، من فقط ماندم، حاج‌احمد مجروح بود و عسایر بغل داشت، آنقدر نیروهای ما و عراقی‌ها قتل شده بودند که یک بسیجی، فرمانده یک ۲۴ کانکنیزه را مجروح و اسیر کرده بود که چند ساعت بعد از اسارت شرد. وقتی که من خطر را احساس کردم، به سرعت خودم را به شهید احمد کاظمی رساندم و در طول رزعت برای تصرف باقی‌مانده مناطق اشغالی در خوزستان بود، اما با این همه ما با لطف خدای متعال توانستیم با بهترین درک، فهم و باصلابت و سرعت مانور عملیات را انجام دهیم- از ویژگی‌های مهم این عملیات شناسایی دقیق و برآورد صحیح از توان و استعداد دشمن و طرح‌ریزی عالی و غافلگیری در تانکیک از طریق عبور از کارون و تهاجم به جناح دشمن و نقطه ضعف دشمن بود.

اگر ما یل هستیید در خصوص این پرسش که امروزه در خصوص ضرورت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر مطرح می‌شود نیز مطالبی بفرمایید.

می‌خواهم قبل از پاسخ به این سؤال به این نکته اشاره کنم که عالیه‌ایز ورود به این بحث به نظر اینجانب روش درستی در پیش نمی‌گیریم. بر اصل طرح سؤال و ضرورت پاسخ به اینکه چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد، شاید نتوان ایرادی وارد کرد و سؤالی طبیعی است و پاسخ به این سؤال هم ضروری است، اما این سؤال نباید به این شکل طرح شود که بر این پیروزی بزرگ سایه بیندازد. اینها دو مسئله جدا از هم هستند. بله این پرسش پاسخ دارد، ولی در زمان و شرایط مناسب، طرح هم‌زمان این پرسش با سال‌روز آزادی خرمشهر گاهی این شباهت را تقویت می‌کند که بعضی‌ها می‌خوانند آن حماسه عظیم را کم‌رنگ جلوه دهند، اما آنچه هم اکنون به عنوان یک گفتمان انتقادی نسبت به مدیریت و تصمیم‌گیری در جنگ شکل گرفته و مطرح است بر پایه این فرض است که پس از فتح خرمشهر شرایط برای صلح با برتری ایران با ارائه امتیازات مورد نظر ایران آماده بود ولی ایران به دلیل ارزیابی غلط از توان خود و شرایط و با تعریف جدید از اهداف جنگ از تصمیم‌گیری برای خاتمه دادن به جنگ امتناع کرد. به نظر می‌رسد عوامل مؤثر در شکل‌گیری گفتمان انتقادی ششسال ندوام جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت شش سال و گسترش دامنه جنگ کل مانور را بین جاده و مرز تمرکز کردیم، با وجود کمبود نیرو و مراکز غیرنظامی در شهرها و از همه مهم‌تر نحوه پایان دادن به جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و بعدها تحولات اجتماعی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ است. عناصر حاکم بر نقد تصمیم‌گیری نسبت به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بر چند محور استوار است:

الف) مخالفت امام(ره) و نقش دیگران در تحمیل موضوع (د) مخافت برای مردم (ه) نقش متحصر به فردی در طراحی و موفقیت این عملیات و حماسه بزرگ داشت.

تحلیل نقش رهبر انقلاب در جنگ ۱۲ روزه در گفت‌وگوی «جوان» با عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

رهبر انقلاب نقشه تجزیه ایران را نقش بر آب کرد

محسن ردادی: این جنگ به دشمن هم فهماند، رهبری و امامت در نظام جمهوری اسلامی ایران یک نهاد است که موجب می‌شود مردم انسجام ملی پیدا کنند

■ سجاد آذری

اگر یک نفر را بخواهیم به عنوان چهره جنگ اخیر معرفی کنیم، حتماً این فرد کسی جز رهبر معظم انقلاب اسلامی نیست که نه تنها به عنوان فرمانده کل قوا بلکه به عنوان رهبر و مرجع تقلید بزرگ ایران همه چشم‌ها به ایشان بود تا چگونه با فرامین خود سر نوشت جنگ را رقم می‌زند اما این بار نشان دادند، حتی با حضور در مراسم عزاداری امام خمینی و گفتن از ایران بخوان نیز می‌توانند، غوغایی به پا کنند. در گفت‌وگوی «جوان» با محسن ردادی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نقش رهبر انقلاب در جنگ اخیر بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است.

از ابتدای این جنگ رهبر معظم انقلاب چه سلوکی را پی گرفتند و چه تأثیری بر جامعه داشتند؟

تأثیری که رهبر معظم انقلاب در این جنگ داشتند فراتر از تصور صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها بود. همانطور که آنها نقش امام خمینی را در زمان انقلاب اسلامی دست کم گرفته بودند، نقش رهبر انقلاب را هم دست کم گرفتند و همانطور که پیش از این نیز گفته شده، ایشان مانند ستون خیمه هستند و حضور ایشان موجب می‌شود نظم تمام بخش‌های دولتی، نظامی و غیره برقرار بماند حتی اگر آسیب‌های جدی کشور به واسطه از دست دادن شهدا و فرماندهان بخورد ولی تا زمانی که این ستون خیمه پایرجاست به سرعت جایگزین می‌شوند و این ایرادها ترمیم می‌شوند.

یعنی دشمنان تصور می‌کردند رهبر انقلاب چنین نقش محوری را در زمان جنگ نخواهند داشت؟

به نظر می‌رسد آنها این نقش را دست کم گرفته بودند یعنی تصور می‌کردند، اگر فرماندهان اصلی را بزنند در این صورت دست رهبر معظم انقلاب نیز خالی خواهد شد و در این شرایط شاید ایشان هم نتوانند کاری انجام دهد. به هر حال ضربه، ضربه سنگینی بود و طبیعتاً هر کشور دیگری اگر بود از پا به در می‌آمد ولی دلیل اینکه ایران از پا در نیامد و حتی از وضعیت تدافعی به حالت تهاجمی تغییر وضعیت داد، حضور رهبر انقلاب بود و رابطه بسیار خاصی که بین مردم و رهبر به معنای ولی‌خدا برقرار هست، موجب می‌شود، قدرت زیادی داشته باشیم تا بتوانیم بر خیلی از مشکلات و چالش‌ها غلبه کنیم. البته نکتته‌ای که اینجا وجود دارد، این است که الان دشمنان از اهمیت و ضرورت حیاتی رهبری انقلاب اسلامی آگاه شدند یعنی می‌دانستند مهم‌است ولی الان متوجه شدند، چه نقش اساسی دارد در برابر کردن توطئه‌های آنها و این ضرورت محافظت از جان رهبر انقلاب را بیشتر می‌کند که خدا را شکر این اتفاق دارد می‌افتد و تدابیری که اندیشیده شده نشان می‌دهد، مسئولان و افرادی که محافظت از ایشان را برعهده دارند متوجه هستند و دارند تدابیر را در نظر می‌گیرند.

نکته مهم دیگر این است که این مسئله قائم به شخص نیست و مطلبی که آنها شاید هنوز هم در نیافته باشند این است که رهبری و امامت در نظام جمهوری اسلامی ایران یک نهاد است که موجب می‌شود، مردم انسجام ملی پیدا کنند. همین عدم درک در زمان رحلت امام خمینی (ره) هم موجب شده بود، آنها تصور کنند بعد از رحلت ایشان اساس نظام فرو می‌پاشد، ولی چون نهاد بود و نه شخص دیدیم که خیلی مستحکم‌تر و حتی با چارچاتر از قبل هم نهاد جمهوری اسلامی باقی‌ماند و به همین دلیل نهاد بودن است که حتی با حذف افراد نیز آسیبی نخواهد دید و این همان موضوعی است که دشمنان انقلاب از آن درس نگرفته و از آن غافل هستند.

اگر بخواهیم روز به روز جنگ را جلو برویم غیر از اینکه برخی از فرماندهان ما شهید شدند و رهبری به سرعت جایگزینان این شهدا را معرفی کردند، اتفاق بعد چه بود؟

یک نقش رهبر معظم انقلاب فرماندهی کل قواست که در جایگزینی فرماندهان خود را نشان داد ولی غیر از این موضوع یک بحث شناختی وجود دارد و شاید کارکرد اصلی رهبر معظم انقلاب، غیر از فرماندهی کل قوا همین بحث رهبری یعنی توصیف میدان، دادن بصیرت و بشیما است که از امور شکل می‌گیرد. ببانیه رهبر معظم این کار کرد را داشت که اولاً توصیف خوبی از میدان داد و در این خصوص می‌توان مقایسه‌ای انجام داد با نقشی که امام خمینی داشتند که ایشان هم وقتی صدام به ایران حمله کردند و همه دستپاچه شده بودند با پیامی که آن روز صادر کردند آرامش دادند و با این تمثیل که یک دیوانه‌ای آمده و یک سنگی زده و رفته است، نشان دادند غلبه بر این دشمن کار دشواری نیست. قدم اول این است که ملت متوجه باشد می‌شود مقابله کرد که رهبر انقلاب همین کار کرد را با این ادبیات که پاسخ بشیمان کنده‌ای می‌دهیم، انجام دادند و اینکه بیان کردند غلطی که کردند، موجب نابود این رژیم می‌شود به مردم و فرماندهان دل و جرت داد، این موضوع چیزی نیست که جامعه ایرانی از پس آن برنیاید و نتواند آن را حل و فصل کند. توصیفی که از وضعیت نشان دادند، کاملاً به مردم آرامش داد. بعد هم مطالبی که در بیانیه‌های بعدی فرمودند به نوعی نقش راه بود که ایسن جنگ چطور می‌تواند ادامه پیدا کند. مهمترین کار کردی که این بیانیه داشت ایجاد انسجام بود و خودش به خودی خود یک گشتمان واحدی را بین مردم منتشر کرد که همه به آن ملزم شدند و برای کسی دیگر جای تردید باقی نماند که باید با این دشمن جنگید. این خودش خیلی هنر است. بالاخره اختلاف نظر بین مردم، گروه‌های سیاسی، افراد، شخصیت‌ها و دسته‌ها فراوان است و بر همین اساس خیلی دشوار است، شما بتوانی بیانیه‌ای صادر کنی که تمام افراد و سلیقه‌های گوناگون را با خودت هم جهت کنی و همه را به یک سمت هدایت کنی. اگر بپذیریم که یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب پیروزی ما بر رژیم صهیونیستی شد آن اتحاد و همدلی بود که نقش مهم در ایجاد این همدلی را باید آن بیانیه و رهبری انقلاب اسلامی تلقی کرد.

آمدیم جلو تر و جنگ ادامه داشت، بر خسی نظامیان شناخته شده اکنون مدعی هستند حتی رهبر معظم انقلاب مدبر است جنگ را نیز به نحوی در این زمان به‌دست داشتند، نقش فرماندهی کل قوا در زمان جنگ چگونه است؟

نباید تصور کرد، فرماندهی کل قوا کسی است که می‌نشیند و مثلاً نقشه‌های نظامی می‌کشد یا تاکتیک‌ها را بیان می‌کند این کار تخصصی است که در این جنگ و جنگ‌های قبلی، متخصصین نظامی آن را تهیه و اجرا می‌کردند و موضوع تخصصی است که فرمانده کل قوا در این حیطه دخالت نمی‌کند اما چیزی که اهمیت

دارد و نقش امام خمینی به عنوان فرماندهی کل قوا و رهبر معظم انقلاب الان آن را برعهده دارند و قوای نظامی را هدایت می‌کنند این است که بتوانند در بزنگاه‌ها تصمیمات جسورانه بگیرند. از لحاظ فنی یکسری از امکانات وجود دارد که فرماندهان نظامی می‌گویند ما اینها را داریم ولی انجام این گزینه‌ها نیاز به یک مسئولیت‌پذیری دارد بالاخره یک ریسک‌ها و اقداماتی دارد که جسارت و شجاعت مخصوص خودش را می‌خواهد تا اتفاق بیفتد و کاری که رهبر انقلاب انجام دادند که نقش اساسی را داشت در هدایت جنگ همین تصمیم‌گیری‌های دشواری بود که فرماندهان عادی نظامی قاعدتا چنان توانی نداشتند که این تصمیمات را بگیرند و یک فرد شجاعی لازم بود که بیاید و بدون ترس این تصمیم را بگیرد و اینجا بود که فرمانده کل قوا به خوبی درخشیدند و تصمیمات را تأیید کردند و از اینکه این تصمیمات گرفته شود، حمایت کردند. البته باید این را هم نظر گرفت که عمده پیروزی نظامی در اتاق جنگ و لحظه جنگ را رقم نمی‌خورد و اگر پیروزی اتفاق افتاد باید برگردیم به این ۲۰ سال و ۲۰ سال اخیر که رهبر معظم انقلاب هدایت، حمایت و تأیید کردند، مثلاً ما به سمت ساخت موشک نقطه‌زن برویم یا به سمت ساخت پهپاد برویم و این تصمیمات، تصمیمات بسیار استراتژیکی بود، قاعدتاً یک فرمانده نظامی به تنهایی نمی‌توانست این تصمیم را بگیرد بلکه این هدایت و رهبری بود که به این تصمیمات درست منجر شد و زمان جنگ لحظه به ثمر رسیدن آن رهبری و تصمیماتی است که از قبل گرفته شده و شاید بتوان گفت بیشترین اثر را فرماندهی مقام معظم رهبری پیش از آغاز جنگ داشتند و البته در دوره جنگ نیز با این تغییر که تصمیمات سخت و دشوار را خود ایشان می‌گرفتند خیلی مهم بود. همه اذعان دارند که اگر ایران روز اول کوتاه می‌آمد و چنین واکنش سنگینی را نشان نمی‌داد بعد از سه، چهار روز ورق برمی‌گشت و کار دشوار می‌شد ولی رهبر معظم انقلاب با آن جسارتی که داشتند در همان روز اول چنین دستوراتی را دادند و به پشتوانه ایشان آن موشک‌ها شلیک شدند که این اتفاقات و پیروزی‌ها در اثر آن رقم خورد.

اینکه رهبر انقلاب به یکباره در شب عاشورا وارد مراسم عزاداری در حسینیه امام خمینی (ره) می‌شوند، در حالی که فضا عادی نشده بود، چه لزوم و تأثیری داشت و نشان دهنده چه صفاتی در رهبر معظم انقلاب است؟

همانطور که در ابتدا گفتیم نقش ایشان بسیار حیاتی و فراتر از محاسبات دشمن است و دشمن نیز بعد از مدتی متوجه خطای محاسباتی شد و قاعدتاً در پی آسیب رساندن و حذف این شخصیت است تا بتواند نقشه خود را ادامه دهد و الان متوجه شد، آن سد اصلی امامی است که در کنار امت قرار گرفته و می‌تواند تمام این نقشه‌ها را هر چند هم پیچیده و دشوار باشد نابود کند.

بسیر آئیل کاتس گفته بود که اگر ما دسترسی پیدا می‌کردیم حتماً رهبر انقلاب را نیز ترور می‌کردیم، یعنی آنها شاید اطلاع نداشتند، ولی بعید می‌دانم آنها در کی از این نداشته باشند که برای شکست ایران اول از همه باید رهبری را هدف قرار می‌دانند.

بله مطمئناً دشمنان رحم نکردند و محافظت نیز خیلی خوب و قوی بوده است، ولی برداشت من این است که اگر آنها می‌دانستند چنین نقشی را رهبر انقلاب دارد خیلی بیشتر تلاش می‌کردند و ۹۰ درصد تلاش خود را می‌گذاشتند، روی ترور رهبر انقلاب و تا قبل از اینکه این کار را انجام دهند، اصلاً دست به این اقدام نمی‌زدند. یعنی با همین تلاشی که انجام دادند دسترسی پیدا نکردند و اگر دسترسی داشتند، حتماً انجام می‌دادند ولی احساس کردند این کار هم برای آنها هزینه دارد و هم دسترسی درستی نداشتند و به همین دلیل انجام ندادند ولی شاید اگر می‌دانستند چنین نقشی برای رهبری انقلاب وجود دارد، تلاش خود را صد برابر می‌کردند که بتوانند و بیشتر تلاش خود را در این عرصه می‌گذاشتند.

در اینجا اجازه دهید من به سخن افلاطون اشاره کنم، افلاطون از یک نکته‌ای به نام نقطه طلایی صحبت می‌کند و می‌گوید نقطه تعادل و عدالت این است که شما دچار افراط و تردید نشوید و در مورد شجاعت مثال می‌زنند و می‌گوید شجاعت نقطه میانی است و کسی که کمتر شجاعت داشته باشد انسانی ترسو می‌شود و کسی که شجاعت زیادی داشته باشد، تهور می‌شود که اصلاً خوب نیست و کسی که تهور داشته باشد جان خود را در خطر می‌اندازد و موجب می‌شود، آسیب ببیند، هم به خودش و هم به کشور آسیب می‌زند. بنابراین می‌گوید نه ترس و نه تهور بلکه نقطه میانی آن که شجاعت می‌شود، خوب است و در این موضوع خاص که رهبر انقلاب مدنظر است، ایشان اهل تهور به معنای غیر عقلانی که خودشان را در معرض خطر قرار دهند نیستند و از طرف دیگر همه دیدند که اهل ترس هم نیستند.

در حالی که از طریق محتوای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی خیلی تلاش می‌کنند که رهبر انقلاب و انقلابیون را به این سمت ببرند که دست به عمل غیر عقلانی و متهورانه‌ای بزنند و اتفاق متهورانه‌ای بیفتد رهبر انقلاب هیچ وقت در دام چنین تحریک‌ها و کنایه‌هایی نمی‌افتند و بر همین اساس نه تنها حضور ایشان خیلی مهم است بلکه مسئله مهم‌تر این است که ایشان خودشان تصمیم گرفتند، چه زمانی بیایند و چه زمانی نیایند و این مسئله را به خواست و اراده دشمنان انقلاب اسلامی، شبکه‌های اجتماعی و فشارهایی که وارد می‌شد، محول نکردند. آن زمانی که صلاح ندیدند حضور پیدا کنند، حضور پیدا نکردند و آن زمانی که تصمیم گرفتند حضور پیدا کنند، حضور پیدا کردند و دیدیم دشمن هم هیچ غلطی نتوانست انجام دهد که این خیلی معنادار است تا متوجه باشیم رهبر انقلاب اهل تهور نیستند و این خودش یک پیام است که ایشان مثلاً موقعی که فشار افزایش

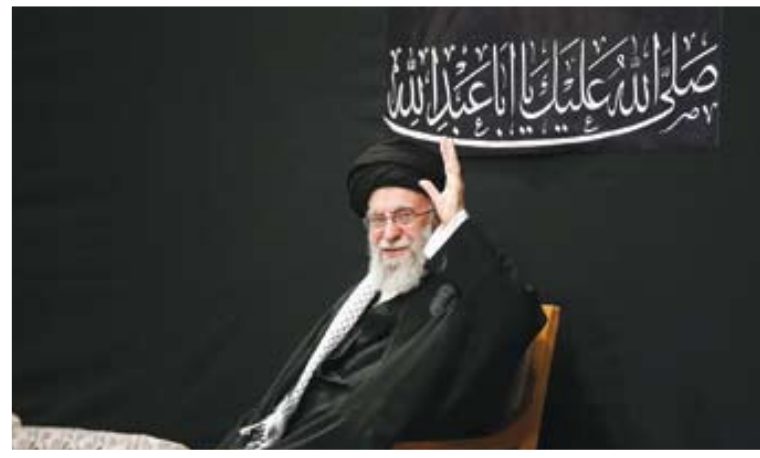


Khamenei

پیدا می‌کند دستپاچه نمی‌شوند که خودشان را در معرض آسیب قرار دهند و کشور را دچار بحران کنند. این نکته خیلی مهمی است که باید به آن توجه کرد و در آن بزنگاه و نقطه‌ای که باید ایشان حاضر شدند و نقش خودشان را به خوبی ایفا کردند و آن دلگرمی که باید اتفاق می‌افتاد، اتفاق افتاد و این پیوند زن بین عزاداری، دین، مذهب، وطن، ایران و وطن‌دوستی را در همان لحظه کوتاه حضورشان رقم زدند.

این نوع حضور رهبر انقلاب قابل مقایسه با حضور و رفتارهای مقامات دیگر کشورها هست؟

هر چند از چنین قیاسی نیز شرم دارم ولی در مقام مقایسه آقای ترامپ خیلی حرف و هرزه گو است و مدام دارد توهیت می‌زند و مورد تمسخر همه چه در داخل آمریکا و چه در خارج امر یکاست ولی رهبر معظم انقلاب بدون اینکه حتی یک کلمه حرف علنی بزند، سخنرانی کنند، جمله عمومی بگویند فقط یک حرف خصوصی زدند و رفتند کلی هم اثر گذاشتند و این نشان دهنده شخصیت قدرتمندی است که ایشان دارند که بدون اینکه حرفی بزنند و حتی بخواهند افشاگری بکنند یا در مقام زیاد گویی برنیاید اما با عمل و حضور خود بیشترین تأثیر را گذاشتند و این قدرتی است که رهبر معظم انقلاب فارغ از مقام معنوی که ما به آن اعتقاد داریم دارند از نظر اینکه یک سیاستمدار باهوش و توانمند هستند انصافاً هیچ‌کس دیگری را نمی‌شود با ایشان مقایسه کرد. افرادی که می‌آیند هزاران هزار برابر حرف می‌زنند اما مضحکه می‌شوند اما ایشان می‌آید حضور پیدا می‌کند و از سوی کسانی که حتی مسلمان نیستند و حتی ایرانی نیستند، به عنوان قهرمان تلقی می‌شود که این می‌تواند هم سرمایه بزرگی باشد و هم خیلی معنادار باشد. رهبر معظم انقلاب فقط با یک زمره از ایران بخوان چنین شوری را در کشور ایجاد کردند، وای به روزی که بخواهند جمله‌ای را بر زبان بلند بگویند.



باید ابعاد این نقشه را حالا حالا برای مردم توضیح بدهیم که فقط بحث تغییر رژیم نبوده بلکه بحث تجزیه ایران بوده است و تا ابد ایران به رهبر انقلاب مدیون است که یکپارچه مانده. نه تنها جمهوری اسلامی مدیون ایشان است بلکه با رهبری رهبر انقلاب جلوی نقشه تجزیه ایران گرفته شد

اتفاقاً برخی از ضدانقلاب برای کم‌اهمیت کردن این زمره می‌گویند کار به جایی رسیده که آخوندها و مذهبی‌ها هم از وطن می‌گویند.

اگر کسی چنین حرفی بزند، به دلیل ناآشنایی با اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلام است، رهبر انقلاب در مورد کوروش حرف دارند، البته مربوط به الان نیست، همچنین در مورد شاهنامه و فردوسی نیز حرف دارند و در مورد تاریخ ایران. من در این خصوص بررسی کرده‌ام و جایگاهی که وطن، ایران و ایران‌دوستی در افکار و نظام اندیشه‌ای ایشان دارد چیز پنهانی نیست، اگر برخی افراد چنین چیزی را حتی تصور می‌کنند به دلیل ناآشنایی است که دارند. همین چند وقت هم فیلمی از رهبر معظم انقلاب در فضای مجازی داغ شده بود که مربوط به اوایل جنگ و پیش از ترور ایشان است که با لباس سربازی دارند، در مورد ارتباط وطن و اسلام صحبت می‌کنند، خب این مربوط به ۴۰ سال پیش است که از آن موقع اینگونه فکر می‌کردند. در مورد ایران نیز خاطره‌ای از ایشان هست که می‌گویند زمانی که اول انقلاب انقلابیون تذکره دادند بودند که مجسمه فردوسی را خراب کردند، من یادداشتی نوشتم و روی مجسمه نصب کردم که این را خراب نکنید و بالاخره این آقایان اگر فردوسی را قبول نداشتند من را قبول داشتند و همین دلیل صرف‌نظر کردند. نسبت ایشان با ایران، وطن، فردوسی، شاهنامه و مانند اینها کاملاً بارز و مشخص است و واقعاً این تأثیرک ایشان نیست و اگر جایی هم به گوش نرسیده، متأسفانه به خاطر این است که ما کمتر به افکار و اندیشه‌های رهبر انقلاب مراجعه می‌کنیم و ما را اضطراب در فرمایشات ایشان توجه کردیم که متوجه شدیم، چنین اندیشه‌ای دارند نه اینکه بخواهند در اضطراب چنین صحبتی داشته باشند چون همواره این حرف‌ها را می‌زنند ولی متأسفانه بازتاب خوبی پیدا نمی‌کرد و الان عده‌ای تصور می‌کنند، تا‌رگی دارد. در حالی که فرمایشات ایشان در مورد وطن خیلی فراوان است، ایشان نه تنها داریوش و کوروش را تأیید می‌کنند بلکه می‌گویند ما تاریخمان را فراتر از اینها می‌دانیم و تاریخ ما ۲ هزار ۵۰۰ ساله نیست، بلکه تاریخ ما ۷ هزار ساله است و چرا شما فقط ۲ هزار و ۵۰۰ سال آن را در نظر می‌گیرد بلکه شما باید بگویید من به ۷ هزار سال تاریخ ایران افتخار می‌کنم.

مسئله دیگر این است که نگاه و اعتقادی که رهبر معظم انقلاب به ایران دارند، در میان خیلی از مسئولان کشور وجود ندارد و خیلی از مقامات، مسئولان و گروه‌های سیاسی این تصور را دارند که تعارضی بین ایران و اسلام وجود دارد و بنابراین در این ۴۰ سال به اندازه‌ای که باید به موضوع ایران پرداخته‌اند. برخلاف اندیشه ایشان که به‌شدت روی موضوع ایران، زبان فارسی و اسطوره‌ها تأکید داشتند، نیز داخند و چنین اشتباهی در افکار عمومی که ناآشنا با اندیشه‌های رهبر انقلاب بودند پیش آمد که شاید این رفتار کارگزاران بر گرفته از اندیشه رهبر انقلاب است. در حالی که هیچ نسبتی وجود ندارد و رهبر انقلاب شاید جز معبود افرادی هستند که با این میزان از اعتقاد ایران، وطن و نمادهای ایرانی همیشه صحبت کرده‌اند و از ایران بغض و به زبان فارسی افتخار کرده‌اند. البته الان متوجه شدیم، این دشمنان از اندیشه‌های رهبر انقلاب محجور بوده است، نا‌شالله به برکت خون شهدا و بیداری که اتفاق افتاده موجب شود در آینده به آن اندازه کافی به آن وزن دهیم و باید مسئله ایران، وطن و ملی‌گرایی در اندیشه ایشان به درستی معرفی شود.

در مجموع این اتفاقاتی که افتاد و با توجه به محور ستونی که شما توصیف کردید، این نظام را نگه داشته است این تصور نظام سلطه که در ایران می‌شود نظام را عوض کرد چقدر امکان‌پذیر است یا خواهد بود؟

اولاً که ما باید ابعاد این نقشه را حالا حالا برای مردم توضیح بدهیم و فقط بحث تغییر رژیم نبوده بلکه بحث تجزیه ایران بوده است و تا ابد ایران به رهبر انقلاب مدیون است که یکپارچه مانده نه تنها جمهوری اسلامی مدیون ایشان است بلکه با رهبری رهبر انقلاب جلوی نقشه تجزیه ایران گرفته شد چون ارتباط گروه‌های تجزیه‌طلب با دشمنان مسئله پنهانی نیست. چیزی که رخ داده این است که نقشه تجزیه ایران به شکل کامل نقاب برآش شده و هم خوشحال هستیم که این نقشه با حضور رهبری انقلاب نقش بر آب شد و نتوانستند به اهداف خودشان برسند ولی از طرف دیگر اینها متوجه این ظرفیت شدند و امام خمینی (ره) در همان اول انقلاب نیز چنین فرمایشی دارند که تا الان دشمنان، استعمار و استکبار نا‌گاه بودند از نقش روحانیت و فکر به‌شدت دشوار تر است و تلاش می‌کنند روحانیت را از چشم مردم ببندازند و مردم باید حواسشان جمع باشد. حالا می‌خواهم عرض کنم تا الان اینها متوجه نبودند رهبری چنین نقشی دارد ولی الان که متوجه شدند، کار برای ما دشوار تر شده و باید بیشتر نهاد رهبری را برای مردم توضیح دهیم و از این نهاد بیش از پیش مراقبت کنیم چون ستون خیمه‌ای است که نه تنها جمهوری اسلامی بلکه ایران را حفظ می‌کند و بدون تردید چیزی هم نیست که فقط مربوط به جمهوری اسلامی باشد و این نیم قرن تنها مدتی در این دوره‌های اخیر بود که هیچ بخشی از ایران کم‌نشد والا در ۱۰ ساله‌ای که دست پهلوی بود کلی از ایران کم‌رشد، در دوره قاجار هم که خیلی بیشتر اما در دوره جمهوری اسلامی به واسطه ارتباط بین امام و امت بود که تمامیت ایران حفظ شد و الان هم نتوانستند موفق شوند و باید قدر این نعمت را دانست و برای حفظ این نعمت کوشید.

بررسی تنها فیلم بلند خارجی حاتمی کیا به مناسبت راهپیمایی سالانه قربانیان بوسنی

«خاکستر سبز» بیان مظلومیت در قاب سینما



■ **فاطمه شریفی**

واژه مارش همان کلمه انگلیسی march به معنای پیاده‌روی، رژه‌ای نظامی یا راهپیمایی است و واژه «میرا» به زبان بوسنیایی به معنای صلح است. بنابراین این معنای مارش میرا، راهپیمایی صلح است.

مارش میرا، پیاده‌روی داوطلبانه علاقه‌مندان در مسیر جاده مرگ است که به صورت معکوس صورت می‌گیرد و آنها از روستای نزوک (انتهای مسیر) به پوتوچار (ابتدای مسیر) حرکت می‌کنند تا در آخرین روز به گورستانی برسند که اجساد قربانیان در آن دفن است. این برنامه در سال ۲۰۱۰ میلادی در پنجمین سالگرد فاجعه از سوی بخشی از رزمندگانی که این مسیر را در قرار از سربرنیستا طی کرده بودند، به صورت خودجوش پی‌ریزی شد و حالا تبدیل به مراسمی بزرگ شده که به مناسبت نسل‌کشی بیش از ۸ هزار مسلمان بی‌گناه و غیرنظامی به دست صرب‌ها در سربرنیستا به صورت خودجوش از سوی افراد و گروه‌های مختلف و خانواده بازماندگان کشتار سربرنیستا در بوسنی برگزار می‌شود. به مناسبت فرارسیدن آغاز این راهپیمایی در بوسنی سرانگ تنها فیلم سینمایی ایرانی که درباره نسل‌کشی بوسنی ساخته شده است رفته‌ام تا مروری بر آن داشته باشیم.

«خاکستر سبز» اولین و تنها فیلم بلند خارجی ابراهیم حاتمی‌کیاست؛ فیلمی که در بوسنی و کرواسی دوران جنگ علیه موضوعی انسانی، عاشقانه و تأثیرگذار تمرکز دارد. فیلم به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی تهیه شده و به روی پرده رفته است. حوزه هنری به‌عنوان نهادی فرهنگی و انقلابی، نماینده تلاشی است برای گسترش

روایت‌هایی مرتبط با ارزش‌های جهادی و عدالت‌خواهانه.

«خاکستر سبز» تلاشی جدی برای پیوند دادن نگاه ایرانی مدافع مقاومت با واقعیات جنگ بوسنی است.

حاتمی‌کیا ضمن پذیرش توصیه وزیر ارشاد وقت برای ساخت این فیلم تأکید داشت این پروژه تنها پس از تحقیق و مواجهه مستقیم باسوزه صورت گرفته است: «با خودم شرط کردم تا تروم و سر سفره آنها ننشینم درباره این ماجرا فیلم نسازم.» حضور در میانه جنگ حقیقی بوسنی، ضبط واکنش‌های طبیعی آوارگان بوسنیایی و بهره‌گیری از بازیگران بومی، سبک یک روایت صادقانه

و زنده شد.

روایت داستان محور فیلم حول شخصیت مستندسازی به نام‌های قسار دارد؛ مردی که برای تحقیق درباره عشقی انسانی در خاک جنگ‌زده بوسنی رهسپار می‌شود. نوار کاست، عکس و نیمه‌پلاک نمادی می‌شوند از کوچک‌ترین امیدها، سراساز جست‌وجویی است برای یافتن «فاطمه»، کاری که مخاطب را تا میانه‌میدان‌های نبرد می‌کشاند.

حاتمی‌کیا در این اثر، دور از کلیشه‌های مرسوم سینمای جنگ، عاشقانه‌ای زمینی را در میانه ویرانی و مردگان

مرور کتاب «حقیقت سمیر» نوشته یعقوب توکلی

روایت ۳۰ سال مقاومت در زندان‌های صهیونیستی



■ **مرضیه بکان**

۲۶ تیر سال ۱۳۸۷ «سمیر قطنار» از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شد. مردی که زمان دستگیری ۱۶ سال داشت و زمان آزادی ۴۶ ساله بود. او یکی از شخصیت‌های برجسته و جنجالی تاریخ معاصر لبنان و منطقه خاورمیانه است که زندگی و فعالیت‌هایش همواره موضوع بحث‌ها و تحلیل‌های فراوانی بوده است. او در زمره مبارزان فلسطینی- لبنانی قرار می‌گیرد که در مبارزه با اسرائیل نقش مؤثری داشتند. کتاب «حقیقت سمیر» که از سوی انتشارات سوره

مهر منتشر شده است، تلاش می‌کند تا گوشه‌هایی از زندگی و شخصیت سمیر قطنار را از نگاه خود او و نزدیکانش بیان کند و به نوعی روایت متفاوتی را از زندگی این مبارز ارائه دهد.

■ ■ ■

سمیر قطنار در سال ۱۹۶۲ در لبنان متولد و از نوجوانی وارد فعالیت‌های مبارزاتی شد. او یکی از اعضای برجسته گروه‌های مقاومت فلسطینی بود و به‌ویژه در سال‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی به دلیل عملیات‌های نظامی که علیه اسرائیل انجام داد، شناخته شد. فعالیت‌های قطنار عمدتاً در چارچوب گروه‌های مقاومت لبنان و فلسطین شکل گرفت و او به‌عنوان مبارزی که علیه اشغالگری اسرائیل مبارزه می‌کرد، شهرت یافت.

یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین عملیات‌های سمیر قطنار در سال ۱۹۷۹ اتفاق افتاد که در آن همراه چند نفر دیگر، عملیاتی را در شهر رم‌ت‌گان اسرائیل انجام داد. این عملیات منجر به کشته شدن چند نفر شد و خود قطنار نیز دستگیر شد و به زندان افتاد. او در زندان اسرائیل بیش از ۳۰ سال را سپری کرد تا اینکه در سال ۲۰۱۸ در پی تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان آزاد شد. بازگشت او به لبنان با استقبال گسترده‌ای مواجه و به نمادی برای مقاومت تبدیل شد. کتاب «حقیقت سمیر» از انتشارات سوره مهر، با هدف ارائه تصویری متفاوت و واقعی‌تر از سمیر قطنار نوشته شده است. این کتاب به زندگی شخصی، مبارزات و دیدگاه‌های او می‌پردازد و سعی دارد تا از زاویه‌ای نزدیک‌تر و انسانی‌تر به این شخصیت نگاه کند. در این کتاب، برخلاف روایت‌های رسمی و غالباً سیاسی که سمیر قطنار را باقهرمان یا تروریست معرفی می‌کنند، تلاش شده تا ابعاد انسانی و انگیزه‌های پشت فعالیت‌های او روشن شود.

یکی از نکات قابل توجه کتاب این است که نویسنده تلاش کرده تا از زبان خود سمیر قطنار و افرادی که در کنار او بودند، روایت کند. این روایت، به خواننده کمک می‌کند با دیدی جامع‌تر و عمیق‌تر به زندگی قطنار نگاه کند و بفهمد که او نیز همانند بسیاری از مبارزان در منطقه، درگیر شرایط پیچیده سیاسی، اجتماعی و انسانی شده که انتخاب‌ها و تصمیماتش را شکل داده‌اند.

کتاب به صورت تفصیلی به دوران کودکی، خانواده، انگیزه‌ها و دغدغه‌های قطنار می‌پردازد و نشان می‌دهد مبارزات او ریشه در محرومیت‌ها، ظلم‌ها و شرایط نابرابر منطقه داشته است. همچنین بخش‌هایی از کتاب به شرح وقایع زندان و تجربه‌های سخت قطنار در زندان‌های اسرائیل اختصاص یافته که نقش مهمی در شکل‌دهی شخصیت او داشته‌اند.

«حقیقت سمیر» علاوه بر اینکه یک اثر زندگینامه‌ای است، به‌عنوان یک سند مهم از تاریخ مبارزات فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها علیه اشغالگری اسرائیل محسوب می‌شود. این کتاب به خواننده کمک می‌کند تا بهتر بفهمد که مقاومت در خاورمیانه تنها یک مفهوم نظامی نیست، بلکه تلفیقی از تجربه‌های انسانی، سیاسی و تاریخی است که افراد در دل آن به تلاش برای تحقق عدالت و آزادی می‌پردازند. سمیر قطنار به‌عنوان شخصیتی که بیش از سه دهه در زندان اسرائیل به سر برد، نمونه بارز ایستادگی و مقاومت است. کتاب «حقیقت سمیر» نشان می‌دهد این ایستادگی نه صرفاً به دلیل اقدامات نظامی بلکه به دلیل

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۸۵۵۲۳۰۶۰

روایت می‌کند. در دل تصاویر ویرانه‌ها و سوخته‌ها، ساقه عشق شکوفا می‌شود؛ مفهومی انسانی و فراملی با تمایلی نهفته برای ترمیم شکست‌خوردگان جنگ. استفاده از بازیگران غیر حرفه‌ای بوسنیایی در صحنه‌های واقعی آراگرگی، سبب نوعی موقعیت تناثرال زنده شد که نه طراحی‌شده، بلکه واقعی است.

اما روایت بر تنش همراه با آشنفگی شخصیت‌ها و بی‌نظمی فیلمنامه باعث شد از منتقدان «جوابی نصفه و نیمه» دریافت کند و مخاطبان کمتری آن را بپسندند.

ابراهیم حاتمی کیا، تولید این اثر را گامی جسورانه در جهت جهانی‌سازی سینمای انقلاب می‌دانست در زمانی که نگاهش تنها محدود به مرزهای ایران بود. بدین ترتیب، این فیلم نشانه‌ای از ظرفیت بالقوه حوزه هنری برای حمایت از سینمایی است که به‌دنبال ورود به سطح دغدغه‌های بین‌المللی و انسانی برای دفاع از مظلومان است.

فیلم موفق شد در دوازدهمین جشنواره فیلم فجر سیم‌رغ

بلورین بهترین موسیقی را برای باول هر تل به دست آورد

اما عملکرد گیشه‌ای آن موفق نبود.

جنگ بوسنی (۱۹۹۵-۱۹۹۲) یکی از ترازدهی‌های انسانی قرن بیستم بود؛ جنگی مبتنی بر پاک‌سازی قومی، تجاوز، محاصره و بی‌خانمانی انبوه مردم. روایت

این جنگ از درپچه‌ای انسانی و عشق، همان رویکردی

است که حاتمی‌کیا در «خاکستر سبز» آغاز کرد. چنین

نگاهی نه تنها همدلی را بیشتر می‌سازد، بلکه ظرفیت

بحث پیرامون حقوق بشر و قطع تجاوز را در قالب جذاب

سینمایی فراهم می‌آورد.

■ **ناهدید منصور**
مهدی جعفری که با ساخت فیلم پر مخاطب «۲۳ نفر» و «پس‌دو» تجربه خوبی در حوزه دفاع مقدسی کسب کرده بود، در گام سوم «آشک هور» را به عنوان یکی از تازه‌ترین محصولات سازمان سینمایی سوره کارگردانی کرد تا در جشنواره فیلم فجر به نمایش در آید. فیلمنامه‌ای اثر که از سوی سید محمدمهدی موسوی به نگارش در آمده، به زندگی سردار دلاور هور سیدعلی هاشمی پرداخته است. صحنه اولیه فیلم با متنی از تذکره الاولیا عطار نیشابوری آغاز می‌شود که به روایتی برگرفته از واقعیتی بر تکرار و انتظار مادری چشم به راه فرزند اشاره دارد. ماجرا با نمایی از هور خشک شده و تفتضی طی سال‌ها بعد از جنگ روایت می‌شود که مخاطبان را با زنگشت به گذشته با شرح مآووقع همراه می‌کند؛ آن زمانی که بمباران هوایی در هور جان رزمندگان را گرفت و عراقی‌ها جزیره مجنون را به توپ و شیمیایی بستند. شرح اتفاقات جنگ از مفر فرماندهی سیدعلی هاشمی آغاز می‌شود و وضعیت سپاه ششم امام‌صادق(ع) در روز چهار تیر ۱۳۶۷ برای تامل‌اشگر اینگونه نشان داده می‌شود که جبهه به قدری زخمی داشت که حتی فرصتی برای برگرداندن مجروحان و گلوله گذاشتن در لوله توپ وجود نداشت. جعفری در ۲۰ دقیقه آغازین فیلم بیشتر، مقاومت هم‌زمان و باران سیدعلی هاشمی را به تصویر کشیده است. در این صحنه مقاومتی به نمایش گذاشته شده که حتی بمباران‌های پی‌درپی، شهادت نیروها و به اسارت زده شدن تعداد زیادی از رزمندگان، پذیرش عقب‌نشینی را سخت کرده بود. همچنین در این بخش



می‌شود و با عنوان فیلم همخوانی می‌یابد. در زمینه بازی، حضور توح اولندر، رؤیا افشار، ساره رشیدی، رضا ثامری، میثم زارفر و شبنم گودرزی دیدنی است. اما نقش آفرینی رؤیا افشار در مقام مادر سیدعلی هاشمی که «نشه علی» خطاب قرار می‌گیرد بسیار یادپذیر و دلنشین است؛ کسی که البته گریم خوب و به نقش، شخصیت و هویت بخشیده است. جدای از فیلمبرداری خوب و درست فیلم، موسیقی اثر هم در درگیر کردن احساسات و همراه کردن مخاطب بسیار تأثیر دارد است. از دیگر مواردی که در فیلم به آن پرداخته شده تفحص پیکر شهدای میهن عزیزمان است که با جدیت طی سال‌های متمادی انجام شده است. هم‌زمانی لحظات تفحص با موسیقی از اثرگذارترین صحنه‌های فیلم است. صحنه‌های یادآور عیان از آن گذارترین است. از دیگر مواردی که در فیلم به آن پرداخته شده در خواب مادر و موسیقی همراه است که بازگشت گمشده در هور را به مخاطب القا می‌کند و حالا باور و پذیرش ننه علی به‌عدا ۲۲ سال مهر تأییدی بر شهادت سیدعلی هاشمی می‌کوبد.

نگاهی به فیلم «آشک هور» به کارگردانی مهدی جعفری

از دل‌تنگی ننه علی تا گمنامی سردار هور

سیدعلی هاشمی تا زمان پیداشدن پیکرش رفت و برگشتی تاریخی به قصه دارد و در این میان نقش مادر شهید، تم ملودرام به «آشک هور» بخشیده است. این فیلم علاوه بر نشان دادن پایداری و قهرمان‌پروری در دوره جنگ این نکته را یادآوری می‌کند که نباید قهرمانان میهن را فراموش کنیم؛ این پیام به نوعی در دیالوگ‌ها نهفته شده است و در جایی از فیلم گفته می‌شود «ای به حال ملتی که قهرمان خودش رو فراموش کنه. فرماندهی که تـا وقتی آخرین نیروی خودش رو از جزیره بیرون نکشید سنگرش رو ترک نکرد.» اهمیت این جمله تا جایی است که شاید بتوان گفت این دیالوگ از مهم‌ترین دیالوگ‌های این فیلم است. در صحنه‌ای دیگر از فیلم زمان اعلام خبر شهادت سیدعلی هاشمی را می‌بینیم که خانواده در مواجهه با این پیام به سخت بودن تحمل شایعاتی مبنی بر پنهان‌شدن شهید هاشمی به عراق یا مطرح شدن شهادت او، می‌گویند «علی خیلی مظلوم بود. هنوزم مظلومه. بعد مفقودشدنش گفتن فعلاً نمیشه حرفی از شهادت و اسارت زد. گفتن اگه اسیر شده باشه و هنوز نشناخته باشش گرفتار میشه دست دشمن. ما هم کسی که بخشنه کارش تا قبل زمان هاشمات مجبور بود گمنام بمونه بعد شهادتش هم بخاطر همین حرف‌ها از یاد همه رفت؛ او مسئول و فرمانده گرفته تا مردم خوزستان که براشون این همه زحمت کشیده» که بخشی دیگر از «آشک هور» دل‌تنگی مادری را می‌بینیم که در هور به دنبال نشانه و التیامی برای درد ۲۲ ساله است؛ آشکی که مادر بر هور می‌ریزد و با همراهی موسیقی به احساس‌ترین صحنه فیلم تبدیل



استقلال حسینی را نمی خواهد؟

دل آبی‌ها برای کاپیتان تنگ می‌شود

بدون هیچ تردیدی سیدحسین حسینی نقشی مؤثر در موفقیت‌های استقلال در فصل پیش داشت. کاپیتان و دروازه‌بانی که فصل قبل و در شرایطی که استقلال حتی خطر سقوط به دسته پایین‌تر را هم احساس می‌کرد با عملکرد قابل تحسین خود کاری کرد که آبی‌های تهران در پایان فصل کپوس‌وار خود حتی فاتح جام حذفی شوند و سهمیه حضور در سطح دوم لیگ قهرمانان آسیا را هم به دست آورند.

اما در شرایطی که تصور می‌شد مسئولان استقلال با دروازه‌بان و کاپیتان موفق خود بدون کوچک‌ترین چانه‌زنی قرارداد امضا کنند و او را در جمع خود نگه دارند، همه چیز طور دیگری رقم خورد. با تمام شدن رقابت‌های فوتبال هر چند زم‌مه‌های اختلاف بین حسینی و مسئولان استقلال شنیده می‌شدد، اما کار وقتی بالا گرفت که استقلایی‌ها با سایپنتو برای هدایت این تیم به توافق رسیدند و مرد پر تعالی در اولین اقدام خود جلوی تمدید قراردادها را گرفت و اعلام کرد باشگاه باید فقط با نظر او با بازیکنان تمدید قرارداد داد. کند.

همه منتظر آمدن سایپنتو به ایران بودند که ناگهان خبر رسید استقلال با حبیب فرعبیسی، دروازه‌بان آماده ملوان به توافق رسیده و قرارداد هم امضا شده است. باانتشار این خبر دیگر جای تردیدی باقی نماند که سیدحسین حسینی در بزنامه‌های فصل بعد استقلال جایی ندارد و هر چه شنیده می‌شود بیشتر بازی رسانه‌ای است.

روز گذشته استقلال راهی ترکیه شد، آن هم با دروازه‌بان امیدهایش! فرعبیسی مشکل خروج داشت و حسینی هم که حالا شنیده می‌شود با گل گهر سیرجان به توافق رسیده اصلا حضور نداشت تا تقریبا همه چیز برای مرد شماره یک استقلال در فصل قبل تمام شده به نظر برسد.

جدایی حسینی از استقلال را تقریبا باید قطعی بدانیم. این واقعیت را می‌توان از میان حرف‌های نظری جوینار، مدیر عامل استقلال و سایپنتو سرمربی این تیم متوجه شد. مدیر عامل باشگاه استقلال در جمع خبرنگاران و درباره آخرین وضعیت مذاکره با سیدحسین حسینی واردوی ترکیه اظهار کرد: «هنوز با سیدحسین حسینی در حال مذاکره هستیم» و به همین بسنده می‌کند. ریکار دو سایپنتو هم می‌گوید: «همانطور که می‌دانید من حسینی را دوست دارم و به حفظ او علاقمندم، اما باید به نظرات هیئت مدیره و مدیریت باشگاه احترام گذاشت و باید دید جلسه‌ای که شکل می‌گیرد چه نتیجه‌ای خواهد داشت».

البته سایپنتو برای اینکه زیاد در این ماجرا مقصر نباشد خود را هنوز منتظر نشان می‌دهد و می‌گوید: «ا یک تا دو گلر دیگر نیاز داریم و اگر حسینی به تیم ملحق نشود ما در دروازه‌بان دیگری می‌خواهیم و منتظر هستیم تا مشکل حسینی هم حل شود. من گزینه‌های خودم را به هیئت مدیره خواهم داد و اطلاع دارم که در شرایط کنونی جذب بازیکن خارجی به آسانی نخواهد بود.» ولی همانطور که خودش هم گفته گزینه‌های مدنظر خودش را دارد که البته برایش از حسینی مهم‌ترند، حتی اگر ۵۰۳ روز بازی نکرده باشند و در مرز ۴۰ سالگی و کاملاً ناآماده باشند.

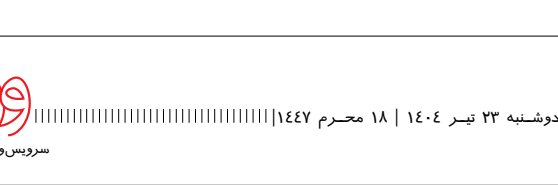
از تیم‌های ایران فقط می‌توان یک نتیجه گرفت و آن اینکه استقلال حسینی را نمی‌خواهد، مردی که فصل قبل اگر نبود آبی‌ها بدون تردید امروز دنیاامالی، وزیر ورزش بر گزار کرد تا ضمن بازنگری دستورالعمل‌های این کمیسیون، هر چه سریع‌تر در خصوص جذب مربیان خارجی تیم‌های ملی تصمیم‌گیری شود. حفظ حقوق ورزش و سرباهای ملی، ارتقای سطح فنی تیم‌های ملی، ایجاد شفافیت در فرایند استخدام و هماهنگی با نهادهای بین‌المللی از جمله مواردی بود که در این جلسه به عنوان اهداف مهم این کمیسیون مورد تأکید قرار گرفت. جودو، اسکواش، تنیس، شمشیربازی، هندبال و روئینگ، شش فدراسیونی بودند که رؤسای آنها به ترتیب در نشست تخصصی کمیسیون مربیان خارجی حاضر شدند و گزارش‌هایی را بیان کردند. آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو از حضور رشاد دمودف، مربی و قهرمان اسبق این رشته که اهل جمهوری آذربایجان است در رأس تیم ملی بزرگسالان و همچنین مدیریت فنی تیم‌های جودوی نوجوانان و جوانان ایران خبر داد. امجد خان، گزینه پاکستانی است که فدراسیون اسکواش ایران سیرین مسئولیت تیم‌های ملی پایه اسکواش کشور مان با وی وارد مذاکره شده است. تونی اندروویچ، مربی تنیس اهل کرواسی است که سال‌هاست در ایران حضور دارد و تاکنون در مقاطع مختلف با ملی‌پوشان تنیس کار کرده است.



در جلسه با وزیر ورزش بررسی شد

وضعیت حضور مربیان خارجی در ایران

استخدام مربیان خارجی طسار از اول برای تیم‌های ملی رشته‌های المپیک، یکی از برنامه‌های بلندمدتی است که وزارت ورزش و جوانان به جهت حضور قدرتمند در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ تاگويا و بازی‌های المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس در دستور کار خود قرار داده است. با توجه به حساسیت رویدادهای پیش‌رو، کمیسیون مربیان خارجی وزارت ورزش و جوانان اولین نشست تخصصی خود را به ریاست دکتر احمد حسینی، وزیر ورزش بر گزار کرد تا ضمن بازنگری دستورالعمل‌های این کمیسیون، هر چه سریع‌تر در خصوص جذب مربیان خارجی تیم‌های ملی تصمیم‌گیری شود. حفظ حقوق ورزش و سرباهای ملی، ارتقای سطح فنی تیم‌های ملی، ایجاد شفافیت در فرایند استخدام و هماهنگی با نهادهای بین‌المللی از جمله مواردی بود که در این جلسه به عنوان اهداف مهم این کمیسیون مورد تأکید قرار گرفت. جودو، اسکواش، تنیس، شمشیربازی، هندبال و روئینگ، شش فدراسیونی بودند که رؤسای آنها به ترتیب در نشست تخصصی کمیسیون مربیان خارجی حاضر شدند و گزارش‌هایی را بیان کردند. آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو از حضور رشاد دمودف، مربی و قهرمان اسبق این رشته که اهل جمهوری آذربایجان است در رأس تیم ملی بزرگسالان و همچنین مدیریت فنی تیم‌های جودوی نوجوانان و جوانان ایران خبر داد. امجد خان، گزینه پاکستانی است که فدراسیون اسکواش ایران سیرین مسئولیت تیم‌های ملی پایه اسکواش کشور مان با وی وارد مذاکره شده است. تونی اندروویچ، مربی تنیس اهل کرواسی است که سال‌هاست در ایران حضور دارد و تاکنون در مقاطع مختلف با ملی‌پوشان تنیس کار کرده است. الکساندر پاولوویچ بیکوف و یوگنی بر یوکوف، دو مربی روس شمشیربازی هستند که به تازگی در اسلحه‌های سابر واپه در تیم‌های ملی ایران مشغول به کار شده‌اند. رافائل کاستیلو، مربی باسابقه اسپانیایی و محمد مصطفی ابراهیم عبدالله مصری مربیانی هستند که فدراسیون هندبال با آنها در حال همکاری است. محسن شادی، رئیس فدراسیون روئینگ هم رزومه لوادا آنستاز، با مربی روس تبار را ارائه داده است. براساس این گزارش، وضعیت حضور و جذب مربیان خارجی سیایر تیم‌های ملی در جلسات بعدی کمیسیون مربیان خارجی وزارت ورزش بررسی می‌شود.



اعتقاد مانولوپولوس یونانی به جوانان بسکتبال در آستانه کاپ آسیا

به خاطر تعهدم به ایران برگشتم

سرمربی یونانی تیم‌ملی بسکتبال ایران یکی از متعهدترین مربیانی است که

به‌رغم شرایط خاص کشورمان، در ترجیح داد برخلاف دیگر خارجی‌های شاغل در ورزش

ما با آرام شدن اوضاع خودش را هر طور شده به تهران برساند و وظیفه‌ای را

که به او سپرده شده انجام دهد

گزارش یک

شیوانوروی

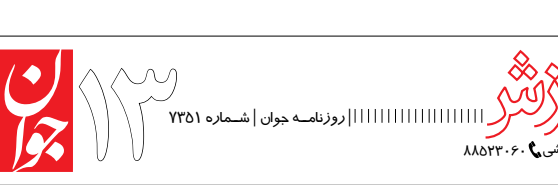
سوتیریس مانولوپولوس جزو اولین خارجی‌هایی بود که بعد از جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی از طریق مشهد به کشورمان بازگشت تا برنامه‌های آماده‌سازی تیم‌ملی بسکتبال زیر نظر خودش پیگیری شود. کاپ آسیا ۲۰۲۵ مهم‌ترین رویداد پیش‌روی بسکتبال کشورمان است و مسابقات از ۱۴ مردادماه در جده آغاز خواهد شد. گوام، ژاپن و سوریه حریفان ما در مرحله گروهی کاپ آسیا هستند.

■ ■ ■

شرایط جنگی بر برنامه‌های تیم‌ملی بسکتبال را نیز دستخوش تغییرات کرد. از آنجا که موفقیت در کاپ آسیا اهمیت زیادی دارد، فدراسیون با درخواست کادرفنی تیم‌ملی برنامه جدیدی برای ملی‌پوشان در نظر گرفته است. بر این اساس شاگردان مانولوپولوس فردا تهران را به مقصد لبنان ترک می‌کنند تا ضمن برپایی اردو در این کشور در تورنمنتی با حضور تیم‌های لبنان، مصر وارذن شرکت کنند. قرار است کاروان ایران چهارم مردادماه از لبنان عازم روسیه شوند و دو بازی تدارکاتی هم آنجا بر گزار کند. پس از آن اعضای تیم‌ملی بسکتبال کشورمان از روسیه عازم جده محل بر گزاری خواهد شد.

تلاش برای تغییر

مرد یونانی اعتماد زیادی به شاگرد دانش دارد و معتقد است ملی‌پوشان در همین مدت کوتاه باقی‌مانده تا شروع کاپ آسیا به آمادگی لازم



اینده می‌توانند به تیم‌ملی کمک کنند. کار را با ۱۹ بازیکن شروع کردم تا بتوانم بهترین انتخاب را انجام دهم.»

■ **بازگشت به ایران**

سوتیریس مثل برخی مربیان و بازیکنان خارجی شاغل در ایران نبوده که دلیل جنگ تحمیلی از سوی دشمن قراردادش را فسخ کند و به کشورمان بازنگردد. او در صحبت‌هایش از اهمیت تعهد مربیان به کارشان صحبت کرد: «بسه تیم‌ملی، فدراسیون و بازیکنان تعهد دارم و به همه احترام می‌گذارم. خودم دو پسر دارم و سعی کردم به تر سیدن فکر نکنم. وقتی شما می‌توانید این کار را انجام دهید من هم حتماً می‌توانم.»

■ **جنگندگی رزم پرورزی است**

مانولوپولوس با تجربه زیادی که دارد بهتر از همه می‌داند موفقیت در کاپ آسیا چقدر سخت است. بااین‌حال سرمربی تیم‌ملی ابرازامیدواری کرد تیم جوان شده ایران در عرستان بدرخشد. «بعنوان سرمربی در موقعیت‌های سخت زیادی بوده و در تیم پاناتیاکوس مربیگری کرده‌ام. در تغییر نسل این تیم نقش داشتم و در تیم ا.ک.ام هم‌همین‌طور. فشارهای زیادی را تجربه کرده‌ام. باید به جوانان اعتماد کنیم و فرصت بدهیم. آنها به زمان نیاز دارند و نباید تحت فشارشان قرار دهیم. از تمام تلاش‌مان را می‌کنیم. تیم را جوری انتخاب کردم که دستم برای موقعیت‌های مختلف باز باشد، نه اینکه در یک موقعیت گیر بيفتم.»



با وجود سیستم کمک‌داور ویدئویی

فصل جدید هیچ اشتباهی پذیرفته نیست

فصل گذشته با وجوداستفاده از تکنولوژی کمک‌داور ویدئویی، همچنان شاهد اشتباهات قابل توجهی از سوی داوران بودیم و گاهی به‌رغم بازبینی صحنه‌ها، داوران تصمیمات جنجال‌برانگیزی می‌گرفتند. اتفاقاتی که انتظار می‌رود با استفاده از تجربیات سال قبل و کلاس‌های آموزشی که فدراسیون برای قاضیان میدان در نظر گرفته است دید شاهد تکرارش نباشیم. در همین راستا، هر مرحله سوم آموزش داوران ویدئویی (گروه دوم) از روز گذشته آغاز شد. کلاس‌های این مرحله به دلیل حضور تمامی داوران حائز شرایط در اتاق VAR، به همراه تکنیسین‌ها و دو گروه بر گزار می‌شود. از سوی دیگر قرار است جلسه پیش‌فصل داوران لیگ برتر را با توجه به شروع مسابقات در هفته دوم مردادماه و با حضور برترین اساتید داوری دنیا برگزار شود. شاید به همین دلیل هم بود که دانیال مرادی، رئیس دپارتمان داوران فدراسیون فوتبال بااشاره به برگزاری هر مرحله‌ای جدیدی از آموزش داوران VAR تأکید داشت در فصل جدیدهیچ اشتباهی از سوی داوران پذیرفتنی نیست: «در حال حاضر دوره شبیه‌سازی بازی‌های فوتبال را به‌طور کامل داریم و سپس وارد موارد عملی می‌شویم تا در همان مرکز ملی فوتبال تست عملی انجام شود. دلیل اینکه داوران در کنار تکنیسین در فرایند آموزش هستند پیوستگی مباحث به‌همدیگراست. ما باید با توجه به اقدامات انجام شده، هیچ داوری در صورت استفاده از تکنولوژی VAR حق اشتباه ندارد. البته فصل گذشته هم همین دید کار داشتیم، اما امسال خیلی جدی‌تر خواهیم بود و به هیچ وجه مورد قبول نیست داوری پس از بازبینی صحنه تصمیم اشتباه بگیرد. ما فصل گذشته با توجه به اینکه سال اول‌مان بود سیدحساب بودیم، اما الان باید پیشرفت کنیم و همواره بهتر از قبل باشیم.» بدون شک بی‌تجربه بودن داوران در زمینه کمک‌داور ویدئویی می‌توانست دلیل بروز برخی مشکلات باشد، اما امسال دیگری بی‌تجربگی توجیه پذیرفتنی نیست و بی‌تردید انتظار می‌رود در پی‌بروز اشتباهات، کمیته و دپارتمان داوران به مسئله ورود و با آن برخورد کنند. هرچند که رئیس دپارتمان داوری مدعی است فصل گذشته نیز نگاه آقایان به همین شکل بوده، اما واقعیت این است که جامعه فوتبال برخورد قابل توجهی با داورانی که به‌رغم استفاده از VAR تصمیمات اشتباه گرفتند به خود نداد. اما اظهارات دانیال مرادی در خصوص برخورد با داورانی که اشتباهی می‌کنند، نه فقط می‌تواند برای جامعه فوتبال امیدوارکننده باشد که می‌تواند باعث افزایش سعی و تلاش داوران برای کاهش اشتباهات نیز شود. مرادی همچنین بااشاره به جوانگرایی انجام شده تأکید دارد که این روند از دو سال گذشته آغاز شده و به صورت پیوسته ادامه دارد، اما طبیعی است که در بازی‌های حساس، به‌خصوص هفته‌های پایانی از داوران باتجربه‌تر که علاوه بر آمادگی بهتر، احاطه و تسلط بیشتری به لحظات بحرانی دارند، استفاده شود.



قاپ

ورود آدمکش ممنوع



هواداران گلاسکورنجز اسکاتلند برای ممانعت از وروددور تور گمن، مهاجم تیم‌ملی رژیم صهیونیستی به این تیم کمپین بزرگی تحت عنوان «ورود آدمکش ممنوع» به‌راه انداختند. به‌اعتراف‌هاآر تس، ۷۰درصد بازیکنان تیم ملی رژیم غاصب در ارتش مشارکت دارند و دست‌شان به خون ۵۷هزار فلسطینی آلوده است. هواداران اسکاتلندی همیشه از حامیان بزرگ مردم فلسطین بودند، به‌ویژه سلیتکی‌ها بیشترین حمایت را از فلسطین در ورزشگاه‌ها کردند. حالا هواداران گلاسکورنجز بی‌درنگ بعد از شایعاتی درباره علاقه باشگاه برای جذب بازیکن صهیونیست از باتریک استوارت، مدیرعامل باشگاه در خواست کردند که به دلیل شرکت این فوتبالیست‌نماها در نسل‌کشی غزه و کشتار بی‌رحمانه زنان و کودکان فلسطینی با او قرارداد امضا نکنند.



دنیاچمدری

کلنگ‌امیدوارکنندهفوتبال

لایه‌لای اخبار ناامیدکننده‌ای چون فساد، دلالی، قراردادهای سنگین و تأسفار، فسخ‌های پی‌درپی و مسائل انضباطی تماشای تصاویر بیل مکانیکی که در مجموعه آزادی به‌جان زمین افتاده و انتشار خبر کلنگ خوردن زمین تمرین جدید در مرکز ملی فوتبال اتفاقی دلگرم‌کننده است، چراکه با وجودورغم‌گرایی‌های فوتبال هنوز فراموش نکرده‌ایم خانه به‌دوشی‌های تیم‌ملی و تمرین کردن‌هایش در زمین شرکت واحد را. روز‌هایی که اردوی تیم ملی بیشتر به اسباب‌کشی شباهت داشت تا تمرین فوتبال.

البته فوتبال ایران آن دوران سخت را سال‌ها پیش با احداث مرکز ملی فوتبال در کمپ تیم‌های ملی پشت سر گذاشت و گام بلندی برای جبران این عقب‌ماندگی برداشت، اما بی‌تردید این مرکز هنوز با رسیدن به استانداردهای دنیا فاصله زیادی دارد و این را می‌توان با نگاهی گذرا به رتال شرایط کشورهای خلیج فارس و منطقه درنهایت، درست ببخ‌گوش‌مان، قطر با کمپ اسپانر نه تنها ساختار تیم‌های ملی خود را حرفه‌ای کرده که با پذیرایی از تیم‌های خارجی از توسعه‌ای که در مسیر آن گام برداشته است درآمزا می‌هم دارد. کمپی که با بیش از ۱۰ زمین تمرین، مراکز اختصاصی، مراکز پزشکی، پیشرفته و سیستم‌های نوری به یکی از دانشتسه‌های مهم تیم‌ملی فوتبال این کشور تبدیل شده است. کمپی که نمونه‌های آن را می‌توان در تیبی و ابوظبلی هم دید که حتی تیم‌های اروپایی را به اردو زدن در این کشورها ترغیب می‌کند، عرستان سعودی طی سه سال گذشته، بیش از ۸۰۰ میلیون دلار در پروژه‌های زیرساختی فوتبال سرمایه‌گذاری کرده و مرکز فوتبالی در جده با شش زمین تمرین، آکادمی داوری، فضاهای آموزشی، هتل و سالن‌های بدنسازی، استاندارد تازه‌ای را در خاورمیانه رقم زده تا فوتبال را به ابزاری برای درآمزا یی اقتصادی در این کشور تبدیل کند.

ترددیدی نیست که گودبرداری برای ساخت زمین تمرین در هر کجای دنیا اتفاقی طبیعی و خبری ساده است و کوتاه‌اما برای فوتبال ایران که سال‌هاست از کمبود زیرساخت‌هارنج می‌برد، نه صرفاً خبری چندخطی که اتفاقی بزرگ و حائز اهمیت است که می‌تواند نشان از رفتن طعم خودکفایی زیر دندان مسئولان فدراسیون فوتبال داشته باشد. خودکفایی که تاج و اطرافیان‌ش را مجاب کرده به افزایش دارایی‌های تیم‌ملی و بالا بردن تعداد زمین‌های تمرینی آنکه هم می‌تواند به کاهش هزینه‌ها بینجامد و هم جنبه‌های درآمزا یی داشته باشد. اما مهم‌تر از اینها می‌تواند به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های تیم‌های ملی فوتبال در دهها و حوزه‌های مختلف (آقایان و بانوان) پایان دهد، چراکه زمین تمرین در فوتبال حرفه‌ای تنها جایی برای باسکاری نیست، بلکه جزئی از دانشتیه‌های حائز اهمیت تیم یک است. در واقع تمام داستان فوتبال از همین مستطیل سبز است که آغاز می‌شود. زمینیه که فلسفه تیم در آن شکل می‌گیرد، اردوها معنا پیدا کرده و توان و فنی تیم رشد کرده و ارتقا پیدا می‌کند و کیبست که ندانند بدون داشتن زمین تخصصی نه‌تنها نمی‌توان برنامه‌ریزی مطمئنی برای تیم داشت که نمی‌توان به دنبال استعدادیابی رفت.

نداشتن زمین تمرینی، اتفاق تلخی که فوتبال ایران هنوز هم طعم تلخ آن را به دست فراموشی نسپرده، به همین دلیل هم هست تصمیم فدراسیون برای افزایش تعداد زمین‌های تمرینی تیم‌ملی، روزنه‌امیدی ایجاد کرده، چراکه اگر این اقدام به شکلی جدی دنبال شود، می‌تواند برای توسعه واقعی بود و مرکز ملی فوتبال ایران را به یکی از قطب‌های درآمزا و حرفه‌ای در منطقه تبدیل کند. به همین دلیل هم هست که گودبرداری زمین جدید تنها یک کار اجرایی با یک پروژه عمرانی نیست و می‌تواند آغاز یک تحول در فوتبال ایران و رنسانسی در زیرساخت‌های فوتبال کشور باشد. هرچند که باید دید آیا این حرکت فدراسیون ادامه خواهد داشت یا در همان فاز اول متوقف خواهد شد، اما در حال حاضر، همین که بیل مکانیکی به‌جان خاک افتاده جای امیدواری دارد.

۱۰ سال دیگر بازی می‌کنم

حامد حدادی در حاشیه تمرین تیم ملی بسکتبال مردان در پاسخ به این سؤال که کنار گذاشتن تیم ملی برایش سخت است، گفت: «صدرصد همین است، می‌آم کمی کمک می‌کنم تا کمی بهتر شوند. من به‌جغاه‌گقتم هر کمکی از من برآید، انجام می‌دهم. دو، سه ساعتی در روز می‌آم تا خودم هم تمرین کنم، چون هنوز باشگاهی بازی می‌کنم. می‌خواهم تا ۱۰ سال دیگر بازی کنم! واقعاً اگر بدمن یکشد ۱۰ سال که نه، اما بازی می‌کنم. لیگ امسال را اگر بتوانم هستم. کمی اضافه‌فوزن پیدا کرده‌ام تا خواستم شروع کنم سال‌ها بسته شد، اما به شرایط عادی برمی‌گرم و بازی می‌کنم.»



شهادت مأمور پلیس در همدان

یکی از مأموران پلیس شهرستان نهاوند در جریان درگیری دو طایفه به شهادت رسید.

به گزارش «جوان»، دو روز قبل مأموران پاسگاه گاماسیاب شهرستان نهاوند از درگیری طایفهای در یکی از روستاهای شهر باخبر و در محل حاضر شدند. هم‌زمان با حضور پلیس، مأموران تلاش خود را برای برگزاری نظم به کار گرفته بودند که سرهنگ محمد بایر، فرمانده پاسگاه با ضربات چاقوی یکی از شرکت‌کنندگان در درگیری مجروح و به دلیل شدت جراحت به شهادت رسید. تحقیقات پلیس در این باره جریان دارد.



مخفیگاه پلیس‌های قلابی را به پلیس نشان دهید

سهه سارق مسلح که با پرسه در مسیرهای شهری در پوشش پلیس اموال شهروندان را سرقت می‌کردند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حسین مافی، فرمانده انتظامی شهرستان ری گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابه درباره سرقت در پوشش پلیس به مأموران پلیس شهری گزارش شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت سه سرنشین خودروی سواری با پرسه در محوره‌های اطراف شهر در حالی که تجهیزات پلیسی به همراه داشتند با تهدید شهروندان در حال سرقت از آنها هستند. کارآگاهان بعد از بررسی شکایت‌ها و بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند سه متهم را که از مجرمان سابقه‌دار بودند، شناسایی و آنها را در جریان عملیات‌های هم‌زمان بازداشت کنند. متهمان در جریان بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به این شیوه اعتراف کردند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حسین مافی، فرمانده انتظامی شهرستان ری گفت: دستور انتشار تصویر بدون پوشش متهمان به دستور قاضی شعبه ۱۰۳ دادگاه حسن آباء، صادر شده‌است و کسانی که متهمان را شناسایی کرده‌اند می‌توانند برای طرح شکایت به اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی مراجعه کنند.

باند خانوادگی قاچاق موادمخدر بازداشت شدند

جانشین فرمانده انتظامی شهرستان داراب از بازداشت سهه عضو یک خانواده به اتهام قاچاق موادمخدر خبر داد. سرهنگ مجیدرضا صالحی فرد گفت: مأموران انتظامی ایستگاه بازرسی قلاتویه هنگام کنترل خودروهای عبوری به یک سواری پژو ۲۰۷ که علاوه بر راننده که مردی جوان بود، سه زن و یک کودک سرنشینان آن بودند، مظنون شدند و خودرو را متوقف کردند. وی ادامه داد: مأموران در بازرسی از سه زن یک کیلو و ۴۳۰ گرم مخدر هروئین کشف و متهمان را بازداشت کردند.

بازداشت شرور باشلیک پلیس

فرمانده انتظامی شهرستان ری از دستگیری شرور تحت تعقیب با شلیک پلیس خبر داد. به گزارش «جوان»، سرهنگ حسین مافی گفت: روز گذشته مأموران کلانتری ۱۶۸ سیزده آبان هنگام گشت‌زنی در خیابان بهشتی به مردی رهگذر که به محض دیدن پلیس از محل فرار کرد، مظنون شدند و او را تعقیب کردند.

سرهنگ مافی ادامه داد: متهم وقتی پلیس را در تعقیب خود دید وارد یکی از ساختمان‌ها شد که مأموران وی را دنبال کردند. وی افزود: متهم وقتی پلیس را در یک قدمی خود دید با سلاح سرد به سمت مأموران حمله کرد که با شلیک پلیس مجروح و بازداشت شد. سرهنگ مافی گفت: هم‌زمان با انتقال متهم به بیمارستان، بررسی‌ها نشان داد متهم از مجرمان سابقه‌دار و تحت تعقیب است که تحقیقات در این باره جریان دارد.

یک کشته و ۳۰ مصدوم با مصرف مشروب تقلبی

رئیس بیمارستان گنجویان دزفول از مراجعه ۳۱ نفر بر اثر مسمومیت با مشروبات الکلی تقلبی به این مرکز درمانی در کمتر از ۲۴ ساعت خبر داد. دکتر محمدعلی شفیعی‌نیا گفت: در کمتر از ۲۴ ساعت گذشته ۳۱ نفر بر اثر مسمومیت با مشروبات الکلی تقلبی به بیمارستان گنجویان دزفول مراجعه کرده‌اند که یک نفر از این افراد جان باخت و پنج نفر در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند. وی افزود: همچنین هفت نفر از این بیماران تحت دیالیز قرار گرفته‌اند.

رئیس بیمارستان گنجویان دزفول با اشاره به ادامه اقدامات درمانی برای بیماران بستری در بیمارستان گفت: هشدار می‌دهم مصرف مشروبات الکلی به‌ویژه نمونه‌های تقلبی، با خطر نابینایی، نارسایی کلیه و مرگ همراه است و شهروندان به هیچ عنوان از این مشروبات استفاده نکنند.

آرمین بستا

پسر افغان پس از فریب دختر ۱۳ساله و ربودن وی، قصد اخاذی از پدر دختر را داشت که به دام افتاد.

چند روز قبل زن و مسرد میانسالی در تهران به اداره پلیس رفتند و از گم شدن ناهنجانی دختر ۱۳ساله‌شان به نام مونا خبر دادند.

یکی از اعضای خانواده دختر گمشده گفت: «مونا دانش آموز است و ما او را در چند کلاس آموزشی برای تابستان ثبت‌نام کردیم و همراه دوستانش در آن کلاس‌های شرکت می‌کند. امروز صبح برای رفتن به کلاس آموزشی از خانه بیرون رفت و قرار بود ظهر به خانه برگردد، اما برگشت. همسرم وقتی به من خبر داد نگرانش شدم و برای پیدا کردن مونا تلاش کردیم، ولی خبری از او پیدا نکردیم. از طرفی هم تلفن همراهش خاموش شد و دوستانش نیز از خبری نداشتند و الان احتمال می‌دهیم برایش اتفاقی رخ داده باشد و درخواست کمک داریم.»

فیلم و عکس شکنجه

با شکایت گم شدن مرموز مونا، مأموران به دستور بازپرس جنایی تحقیقات گسترده‌ای را برای پیدا

گفتگو با متهم

زورگیری در افغانستان

متهم در بازجویی‌ها اعتراف کرد که در افغانستان عضو باند زورگیری بوده و پس از اینکه سر سر کرده باند را کلاه گذاشته از ترس فرار کرده و به ایران آمده‌است.

سابقه داری؟

نه، در ایران سابقه‌ای ندارم، اما در کشور خودمان همراه تعدادی از دوستم خلاف می‌کردم. ما کارمان سرقت و زورگیری بود که در افغانستان به صورت غیرقانونی به ایران آمدم و در تهران هم کارگری می‌کردم.

چرا به ایران آمدی؟

پس از یک سرقت بزرگ سر سر کرده باند کلاه گذاشتم و همه اموال سرقتی را برای خودم برداشتم و از ترس اینکه او جانم را بگیرد با پول‌های سرقتی به ایران آمدم.

چطور با مونا آشنا شدی؟

مرد افغانی که با هم‌دستی زن مسود علاقه‌اش، شوهرش را به قتل رسانده بودند به زودی در دادگاه کیفری استان معاکمه می‌شوند. صبح روز ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۲، قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از قتل مرد جوانی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی داخل خانه مسکونی در یکی از خیابان‌های جنوب تهران با جسد مرد افغانستانی روبه‌رو شدند که با اصابت ضربات جسم سختی به سرش به قتل رسیده بود.

بررسی‌ها نشان داد ساعتی قبل از حادثه همسر مقتول بااداره پلیس تماس می‌گیرد و ادعا می‌کند شوهرش در درگیری با دو سارق به قتل رسیده‌است. **مردان سیاهپوش** گل‌اندام همسر مقتول در ادعایی گفت: «تزدیک صبح بود که با صدای ضربه‌ی زن به در خانه از خواب بیدار شدم. وقتی در باز کردم دو مرد نقادار که لباس سیاه به تن داشتند به زور وارد خانه شدند. یکی از آنها به اتاق خواب

آدمربایی ساختگی اتباع

با فریب دختر ۱۳ساله

کردن ردی از دختر گمشده آغاز کردند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، پدر مونا دوباره به اداره پلیس رفت و گفت دخترش در دام آدمربایان گرفتار شده‌است و آنها برای آزادی دخترش درخواست پول کرده‌اند. وی گفت: «ساعتی قبل یک فیلم و چند عکس از دخترم به گوشی‌ام ارسال شد که آدمربایی در حال شکنجه مونا بود. دخترم فریاد می‌زد که او رانچات دهم و آدمربا هم برای آرایش مقدار زیادی دلار در خواست کرد. وی تهدید کرد اگر مبلغ درخواست را فراهم نکنم یا موضوع را به پلیس خبر بدهم، دخترم را می‌کشد.»

آدمربایی ساختگی

مأموران پلیس در بررسی فیلم و عکس‌های اسالی احتمال دادند عکس و فیلم‌های گرفته شده از شکنجه دختر جوان ساختگی باشد. این فرضیه زمانی برای مأموران قوت گرفت که در یافتند همزمان با گم شدن مونا، طلا و جواهرات مادرش هم از خانه سرقت شده‌است. بنابراین مأموران در ادامه بررسی‌ها به پدر مونا آموزش دادند به بهانه تحویل

مادر اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

اما شما خودت را روانشناس معرفی کردی؟ بله، وقتی با هم در اینستاگرام آشنا شدیم و به او پیشنهاد ازدواج دادم، خودم را روانشناس معرفی کردم. می‌خواستیم دل او را به دست بیاورم. اگر می‌گفتیم اهل افغانستان و کارگری می‌کنم که با من دوست نمی‌شد. البته اول فقط قصد دوستی داشتیم، اما بعد به هم علاقه پیدا کردیم.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

اما شما خودت را روانشناس معرفی کردی؟ بله، وقتی با هم در اینستاگرام آشنا شدیم و به او پیشنهاد ازدواج دادم، خودم را روانشناس معرفی کردم. می‌خواستیم دل او را به دست بیاورم. اگر می‌گفتیم اهل افغانستان و کارگری می‌کنم که با من دوست نمی‌شد. البته اول فقط قصد دوستی داشتیم، اما بعد به هم علاقه پیدا کردیم.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.



مادر را سرقت کردم، اما او مرا در خانه‌باغی حبس کرد و من به هم رفت پدر و مادر را از گرفت و دیگر از او خبری نشد.» متهم ۳۰ساله در بازجویی‌ها به فریب دختر جوان و سرقت طلاهای او و مادرش اعتراف کرد و مدعی شد طلاها را فروخته و بدهی‌اش را پرداخت کرده‌است. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

مرا پیدا می‌کند و انتقامش را می‌گیرد، برای همین تصمیم گرفتم پول او را بدهم تا بتوانم زندگی آرامی را با مونا شروع کنم. **تحقیقات نشان می‌دهد که می‌خواستی پس از اخاذی تنها بی‌ای از ایران فرار کنی؟** نه اینطور نیست، من می‌خواستم همراه مونا فرار کنم، به همین خاطر هم نقشه‌اش را پدرش را طراحی کردیم. **چرا؟**

ما پول کم داشتیم و بعد تصمیم گرفتیم با طراحی آدمربایی ساختگی از پدر مونا اخاذی کنیم. من از مونا عکس و فیلم شکنجه تهیه کردم و او هم از پدر و مادرش درخواست کمک کرد که فیلم را از طریق برنامه‌ایم برای پدرش فرستادم. اما تصور نمی‌کردیم دستمان رو شود.

چرا قصد فریب دختر نوجوان را انداختی، چرا چند روز او را در آن خانه‌ها کردی؟ (سکوت می‌کند)

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

ما در اینستاگرام با هم آشنا شدیم و به هم علاقه پیدا کردیم. پس از مدتی هم تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. **چرا فریبش دادی؟** من فریبش ندادم. ما عاشق هم بودیم و می‌خواستیم با هم زندگی کنیم. البته مونا خیلی عاشقم بود و می‌خواست هر طور شده با من ازدواج کند. احتمال می‌دادم که خانواده‌اش با ازدواج ما مخالفت کنند، به همین دلیل به او پیشنهاد دادم از خانه‌شان فرار کند.

قتل برادر

در دعوی خانوادگی

درگیری دو برادر در شهرستان اراک به قیمت جان یکی از آنها تمام شد.

سرهنگ علی عزیزیان، فرمانده انتظامی شهرستان اراک گفت: دو روز قبل مأموران پلیس بعد از دریافت گزارش مرگ مشکوک مردی جوان در یکی از بیمارستان‌ها در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مرد ۳۲ساله با ضربه چاقو زخمی و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده‌است. تحقیقات همچنین نشان داد مرد جوان در جریان درگیری با برادرش به کام مرگ رفته‌است که متهم را شناسایی و بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت به خاطر موضوع خانوادگی با برادرم درگیر شدم. در جریان دعوا کنترل رفتارم را از دست دادم و حادثه خونینم رقم خورد. بررسی‌های پلیس در این باره جریان دارد.

اقدام به خودکشی

پس از قتل فرزند خردسال

مرد میانسال در شهرستان شاهرود پس از قتل دختر هفت ساله و زخمی کردن دختر ۱۴ساله‌اش اقدام به خودکشی کرد.

سرهنگ علیرضا شائینی، فرمانده انتظامی شاهرود گفت: مأموران پلیس بعد از دریافت درگیری خونین در یکی از محله‌های شهر در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد حادثه در یک ساختمان مسکونی اتفاق افتاده‌است. وقتی مأموران قدم به داخل ساختمان گذاشتند با پیکر نیمه‌جان مرد ۴۳ساله و دو دختر هفت و ۱۴ساله‌اش مواجه شدند که با تلاش امدادگران اورژانس مجروحان حادثه به مرکز درمانی منتقل شدند. در حالی که بررسی‌ها جریان داشت از بیمارستان خبر رسید دختر هفت ساله به دلیل شدت جراحت فوت شده‌است. سرهنگ علیرضا شائینی، فرمانده انتظامی شاهرود با بیان اینکه حادثه در جریان اختلاف خانوادگی رقم خورده‌است، گفت که بررسی‌ها در این باره ادامه دارد.

شنای مرگ در رودخانه آبگرم بم

رئیس اورژانس شهرستان بسم از جان باختن جوان ۲۰ساله‌ای در رودخانه آبگرم نوماشیر خبر داد. حمید باثانی گفت: امدادگران بعد از دریافت گزارش غرق شدن مرد ۲۰ساله در روستای آباد چهل تن (آبگرم) راهی محل شدند. وی افزود: امدادگران پس از جست‌وجوی دو ساعت پیکر بی‌جان مرد جوان را که غرق شده بود کشف و از آب خارج کردند.



نوبت اول

آگهی تجدید مزایده عمومی

شهرداری در نظر دارد تجدید مزایده عمومی تحت عناوین ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری تجدید مزایده از دریافت اسناد تجدید مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (استاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در تجدید مزایده محقق سازند. **تاریخ انتشار تجدید مزایده در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ می‌باشد.**

مهلت زمانی دریافت اسناد تجدید مزایده از سایت تا: ساعت ۱۳ اردو پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۳ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

زمان بازگشایی: ساعت ۱۲ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۸

عنوان	مبلغ سیرده به ریال	شماره تجدید مزایده
اجاره مجموعه ورزشی حسین آباد	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰۴۹۴۵۰۰۰۰۰۱۶

اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار:

آدرس: بزرگراه آیت الله العبدی - روبروی سه راه بوتان - خیابان شهید حاجی احمد - پلاک ۱۰- ساختمان شهرداری و تلفن: ۵۲۷۲۹۵-۰۲۱

اطلاعات تماس سامانه استاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس: ۴۱۹۲۴-۰۲۱

دفتر ثبت نام: ۸۵۱۹۲۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۲۷

امور قرار دادگاه‌های شهرداری چهار دانگه

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ | ۱۸ محرم ۱۴۴۷

کزارش یک

حامد خبیری

با کاربرد دستیار AI

دولت‌های اروپایی طی هفته‌های اخیر تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه با اسنپ‌یک را تشدید کرده‌اند. دیروز از قول صدراعظم آلمان نقل قولی منتشر شد که اروپا همین سه‌شنبه با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت، این روند را کلید خواهد زد. هر چند صحت این نقل قول تأیید نشده ولی با افزایش تنش‌ها بین ایران و غرب، چنین روندی دور از ذهن نیست. در حالی که عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، هشدار داده که عملی شدن اسنپ‌یک با مکانیسم ماشه، «پایان نقش اروپا را رقم خواهد زد»، فعال شدن این مکانیسم، پیچیدگی‌هایی دارد که احتمالاً اروپاییان به سادگی و با سرعت نخواهند توانست از آن عبور کنند تا رژیم تحریم‌های پیش از ۲۰۱۵ را در ابعاد کامل بازگردانند. ■■■

دیروز از قول فردی بر مرس صدراعظم آلمان نقل شد که برلین با همراهی دو کشور اروپایی دیگر، یعنی فرانسه و انگلیس، مکانیسم موسوم به اسنپ‌یک را از روز سه‌شنبه همین هفته فعال خواهد کرد، روندی که احتمالاً منجر به بازگشت شش قطعنامه بین‌المللی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران خواهد شد که بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ تصویب شده بود و بر اساس توافق سال ۲۰۱۵ ایران با ۵+۱ غیر فعال شد. هر چند این نقل قول از مرس تکذیب شده ولی هیچ بعد نیست که اروپاییان در فضای حذف از مذاکرات هسته‌ای و تشدید تنش‌ها به دنبال فعال‌سازی اسنپ‌یک باشند.

■ مکانیسم ماشه چیست؟

مکانیسم موسوم به اسنپ‌یک، بخشی از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل است که در سال ۲۰۱۵ برای تضمین اجرای توافق هسته‌ای ایران (برجام) تصویب شد. این مکانیسم به اعضای مشارکت‌کننده در توافق، امکان می‌دهد در صورت «تقض اساسی» مفاد برجام از سوی ایران، روند بازگرداندن تحریم‌های چندجانبه سازمان ملل را فعال کنند. هر چند مفهوم «تقض اساسی» تفسیرپذیر است ولی بر اساس فرآیند تعریف‌شده، کافی است یکی از اعضای برجام، با ارسال نامه‌ی به شورای امنیت، اعلام کند که ایران به تعهدات خود پایبند نبوده است. البته این امکان وجود دارد که پیش از ارسال یادداشت به شورای امنیت، کشورهای عضو برجام بخواهند موضوع نقض تعهدات را در کمیسیون مشترک برجام مطرح کنند، اما در صورت ارائه سباسی هر یک از اعضای غربی عضو برجام این امکان نیز وجود دارد که بدون طی کردن مسیر کمیسیون مشترک، مکانیسم اسنپ‌یک با ارسال نامه به شورای امنیت سازمان ملل فعال شود.

پس از این اعلام، شورای امنیت و یک دوره ۳۰ روزه حساس بررسی خواهد شد، اگر در این مدت هیچ قطعنامه‌ای برای ادامه تعلیق تحریم‌های بین‌المللی (شش قطعنامه) تصویب نشود که به دلیل احتمال وتوی آمریکا انگلیس و فرانسه، در عمل موضوع چنین قطعنامه‌ای ممکن نیست، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد شامل شش قطعنامه تصویب شده شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ یعنی قطعنامه‌های شماره ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۲۵ و ۱۹۲۹، به‌طور خودکار

کزارش

تل آویو در تدارک ایجاد منطقه حائل در مرز سوریه

گزارش منابع داخلی در سوریه حاکی از این است که رژیم صهیونیستی با شکل‌دهی یک منطقه حائل در مرز سوریه با فلسطین اشغالی و لبنان، می‌کوشد هر اقدامی علیه منافع خود را در مناطق یاد شده، مهار کند. به دنبال موضع متغیر رژیم الجولانی در برابر تجاوزگری‌های صهیونیست‌ها در خاک سوریه، که به گسترش تحرکات این رژیم در بخش وسیعی از جنوب سوریه و نابودی بیش از ۹۰ درصد از توانمندی‌های نظامی این کشور منجر شد، منابع داخلی این کشور اعلام کردند که رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد منطقه حائل در مثلث مرزی میان سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی است. این منابع اضافه کردند که هدف از این اقدام، ایجاد یک کمربند امنیتی از مزارع اشغالی شیعاً در لبنان تا القیطره سوریه به شمار می‌رود و اسرائیل قصد دارد هر گونه تحرک نظامی از سمت خاک لبنان با سوریه را متوقف کند. ضمن اینکه بخش‌هایی از جبل‌الشیخ و القیطره جزو این منطقه خواهد بود. نفوذ گروهی از نظامیان رژیم صهیونیستی به دو روستا در حومه قیطره واقع در جنوب این کشور نیز در همین راستا صورت گرفته است. منابع محلی سوری، دیروز اعلام کردند که گروهی از اشغالگران صهیونیستی وارد روستاهای «عین زبوان» و «سوسه» در حومه قیطره شدند. این منابع اظهار کردند: «با ورود اشغالگران اسرائیلی به روستای عین زبوان، تیراندازی در روستا آغاز شد». دو روز قبل نیز برخی منابع محلی سوریه گزارش دادند که نیروهای اشغالگر صهیونیستی اعمدانه زمین‌های کشاورزی واقع در غرب روستای الرفید در حومه جنوبی قیطره را آتش زندد که موجب آتش‌سوزی بزرگی در این منطقه شد و همین‌طور باعث انفجار یک مین در نزدیکی منطقه حائل شد. با اجرایی کردن این پروژه، رژیم صهیونیستی اشراف مستقیم بر بخش‌هایی از سوریه و لبنان خواهد داشت و تل آویو از طریق توسعه شبکه مسیرهای نظامی در منطقه سوریه و ایجاد محل فرود برای بالگردهای نظامی نزدیک‌ار نفاغات راشیا عملاً این نقشه را آغاز کرده است.

همزمان با این تحولات، کاتال «کان» گزارش داد اعضای از کمیته خارجه و امنیت کنست اعلام کردند تماس‌های مستقیمی با سوریه بدون میانجیگری وجود دارد. در این دیدار اولین

و آخرین دیدار نیست. ژاک نریه، سرهنگ ذخیره در ارتش رژیم صهیونیستی در این

باره به شبکه ۱۲ تلویزیون این رژیم گفت: «مذاکراتی با سوریه در حال برگزاری است. به

نظر می‌رسد که باید بین عدم جنگ و یک توافق امنیتی جدید یکی را انتخاب کرد.» وی

افزود: «تزاخی هانگی، رئیس شورای امنیت داخلی نماینده اسرائیل در مذاکرات است.

مرفه ابوقهر، وزیر دفاع دولت موقت سوریه نیز نماینده سوریه است. اسرائیل اهمیت

زیادی برای رسیدن به یک حل‌وفصل با دمشق قائل است.» این سرهنگ که مشاور سابق

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود، گفت: «اسرائیل به دلیل ماهیت خصمانه نظام

کنونی سوریه نسبت به تهران، بدون مداخله مستقیم، موفق شده است مرزهای خود را

از ایران دور کند.» وی افزود: «اکنون مرزهای ما مقابل مرزهای عراق است. این به دلیل

این مسئله است که سوریه به یک منطقه حائل بین ما و ایران تبدیل شده است و این امر

بسیار مهمی است. این مسئله تمام معادله منطقه‌ای را تغییر می‌دهد.»

پروالملل

سرویس بین‌الملل ۶۰۰۸۵۳۳

گرگ «کنددندان» اسنپ‌یک

اروپا آماده فعال‌سازی اسنپ‌یک است، ولی مسیر اجرای آن پریپیچ‌وخم خواهد بود



نمای نزدیک

این یک کارزار کثیف‌دیگر است

وزارت خارجه روسیه خبر وبگاه اکسپوس را که در آن ادعا شده بود رئیس‌جمهور روسیه در تماس تلفنی با همتای امریکایی از ایده «غنی‌سازی صفر» ایران حمایت کرد، این‌طور توصیف کرد: «یک کارزار سیاست‌زده کثیف». این روز تخته‌افزود: «باید بحران برنامه هسته‌ای ایران از طریق راهکار دیپلماتیک حل‌وفصل شود». وزارت امور خارجه روسیه خاطر نشان کرد: «فقط می‌توان حدس زد که این بار چه کسی سفارش دهنده بوده است، اما یکی از آخرین انتشارات این نسخه با عنوان «پوتین از ایران می‌خواهد که توافق با آمریکا را بپذیرد، که به معنای غنی‌سازی صفر است». به احتمال زیاد، یک کارزار کثیف سیاسی دیگر است که با هدف تشدید تنش‌ها پیرامون برنامه هسته‌ای ایران آغاز شده است.»

بازمی‌گردند، اثرات خاص بازگشت قطعنامه‌ها شامل بازگرداندن تحریم تسلیحاتی منقضی شده سازمان ملل است که کشورها را از تأمین، فروش یا انتقال سلاح‌ها تجویزات نظامی به ایران منع می‌کرد و تهران را از صادرات هر گونه سلاح منع خواهد کرد. علاوه بر این، این مکانیسم، اقتضای مفادی را که تهران را از صادرات موشک و پهپاد با انجم «هر گونه فعالیت» مرتبط با موشک‌های بالستیک «طراحی‌شده برای حمل سلاح‌های هسته‌ای» منع می‌کند، لغو می‌کند. دولت آلمان تهدید کرد که به‌همراه فرانسه و بریتانیا آماده ارسال چنین نامه‌ای در روز سه‌شنبه هستند. در حالی که برای فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌یک، تا ماه اکتبر ۲۰۲۵ زمان هست، ظاهراً کشورهای اروپایی نگران هستند که ریاست روسیه بر شورای امنیت تا آن زمان، این فرایند را دشوار کند. اروپاییان مدعی‌اند که فعال کردن اسنپ‌یک، واکنش به گسترش برنامه هسته‌ای ایران از جمله غنی‌سازی ۶۰

در صد، محدود کردن دسترسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اقدام‌هایی از این دست است که برجام را بی‌مسار کرده است ولی ایران اقدامات خود را واکنشی به خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و بی‌عملی اروپاییان می‌داند. در حالی که طی ماه‌های اخیر، بعد از شروع مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، دولت‌های اروپایی از مذاکرات با ایران کنار گذاشته شده‌بودند، کاترین اسمیت، از اندیشکده بروکینگز معتقد است که «اروپا تلاش می‌کند از اسنپ‌یک به‌عنوان یک ابزار فشار برای بازگرداندن ایران به میز مذاکره استفاده کند، نه صرفاً برای بازسازی تحریم‌های گذشته.» عباس عراقچی روز شنبه در دیدار با سفرا و نمایندگان مقیم کشورهای خارجی در تهران هشدار داد: «اسنپ‌یک به معنای پایان نقش اروپا در موضوع هسته‌ای ایران است و شاید تازیک‌ترین نقطه در تاریخ روابط ایران با سه کشور اروپایی باشد که شاید هیچ وقت دیگر ترمیم نشود.»

در حالی که مقامات آمریکایی و صهیونیستی مدعی بودند که مذاکرات آتش‌بس در غزه به مرحله نهایی رسیده و به زودی اعلام خواهد شد اما به نظر می‌رسد مثل همیشه با کار کثنتی صهیونیست‌ها گرهی در روند گفت‌وگوهای دوحه ایجاد شده است، گرهی که این بار هم اسرائیل قصد دارد آن را به رهبران حماس نسبت دهد. بنابر این، برخی رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی از احتمال خروج حماس از مذاکرات در دوحه خبر داده‌اند، اما یک منبع بلندپایه در این جنبش روز یک‌شنبه به سبایت عربی ۲۱ گفت: این خبرها کاملاً نادرست است. ما همچنان با وجود مانع تراشی رژیم صهیونیستی، با نگاهی مثبت در مذاکرات حضور داریم. این مقام حماس افزود: احتمالاً به زودی، امریکا موضعی شفاف و مهم درباره سرنوشت و نتایج مذاکرات جاری اتخاذ خواهد کرد که می‌تواند اختلافات باقی‌مانده در خصوص چارچوب توافق را حل و فصل کند. وی تأکید کرد که قطر

■ پیچیدگی‌های حقوقی و سیاسی

مسیر اسنپ‌یک روی کاغذ ساده به نظر می‌رسد، اما اجرای عملی آن با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو است. اگر در تاریخ ۱۵ جولای یکی از کشورهای اروپایی (آلمان، فرانسه یا بریتانیا) رسمی‌ترین گام برای فعال‌سازی اسنپ‌یک را با ارسال نامه به شورای امنیت بردارد، روند بازگشت تحریم‌ها طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل مراحل مشخصی دارد. کشور ارسال‌کننده نامه با این کار، رسماً به شورای امنیت سازمان ملل اطلاع می‌دهد که ایران در حال نقض اساسی تعهداتش است. این نامه به‌عنوان «اطلاع از عدم پایبندی» شناخته می‌شود. بر اساس بندهای قطعنامه ۱۱۴۲، اگر تا ۳۰ روز پس از دریافت نامه (۱۴ اگوست) شورای امنیت قطعنامه‌ای برای ادامه تعلیق تحریم‌ها تصویب نکند، تحریم‌های سازمان ملل به‌طور خودکار بازمی‌گردد. بنابر این دست‌کم یک فرایند ۳۰ روزه از روز سه‌شنبه نیازمند پیسوده شدن است. طی این ۳۰ روز، چین یا روسیه می‌توانند برای حفظ تعلیق تحریم‌ها یک قطعنامه ارائه کنند که البته کشورهای حامی احیای تحریم‌ها می‌توانند آن را وتو کنند که در صورت اتفاق افتادن چنین روندی، حامیان اسنپ‌یک به احتمال زیاد این کار را خواهند کرد. فراتر از فرایند ۳۰ روزه، بازگشت کامل شش قطعنامه، محدودیت‌های اجرایی این دارد. چین و روسیه بارها مخالفت خود را با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل اعلام کرده‌اند. آنها در سال ۲۰۲۰، وقتی آمریکا تلاش کرد مکانیسم اسنپ‌یک را فعال کند، روسیه و چین صراحتاً اعلام کردند که «هریکاد دیگر عضو برجام نیست و هیچ‌گونه صلاحیت برای فعال‌سازی مکانیسم ندارد»

روز پس از دریافت نامه (۱۴ اگوست) شورای امنیت قطعنامه‌ای برای ادامه تعلیق تحریم‌ها تصویب نکند، تحریم‌های سازمان ملل به‌طور خودکار بازمی‌گردد. بنابر این دست‌کم یک فرایند ۳۰ روزه از روز سه‌شنبه نیازمند پیسوده شدن است. طی این ۳۰ روز، چین یا روسیه می‌توانند برای حفظ تعلیق تحریم‌ها یک قطعنامه ارائه کنند که البته کشورهای حامی احیای تحریم‌ها می‌توانند آن را وتو کنند که در صورت اتفاق افتادن چنین روندی، حامیان اسنپ‌یک به احتمال زیاد این کار را خواهند کرد. فراتر از فرایند ۳۰ روزه، بازگشت کامل شش قطعنامه، محدودیت‌های اجرایی این دارد. چین و روسیه بارها مخالفت خود را با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل اعلام کرده‌اند. آنها در سال ۲۰۲۰، وقتی آمریکا تلاش کرد مکانیسم اسنپ‌یک را فعال کند، روسیه و چین صراحتاً اعلام کردند که «هریکاد دیگر عضو برجام نیست و هیچ‌گونه صلاحیت برای فعال‌سازی مکانیسم ندارد»

حماس: از مذاکرات عقب‌نشینی نکرده‌ایم



در حال اعمال فشار بر «بنیامین نتانیاوه» نخست‌نست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای حل مسالمت‌آمیز تهداد است، اما تاکنون این فشارها نتیجه ملموسی نداشته‌اند و ما منتظران هستیم که آیا فشار واقعی از سوی آمریکا صورت خواهد گرفت یا خیر.

حساس و سرنوشت‌ساز شده‌است که می‌تواند به نتیجه مثبت یا شکست منجر شود. وی همچنین به دو مشکل اصلی در مسیر توافق اشاره کرد و گفت: «نخستین مشکل، اصرار اسرائیل بر حفظ مؤسسه‌ای موسوم به «تهاد بشر دوستانه غزه» برای توزیع کمک‌ها بوده که به باور حماس ابزاری برای کنترل و فشار بر ملت فلسطین است. نکته دوم نیز پافشاری اسرائیل بر اشغال کامل شهر رفح و ایجاد منطقه حائل ۴ کیلومتری در مرز با غزه است که به مذاکرات، هر گونه شکست احتمالی را به گردن حماس بیندازد و به روند حملات و اشغالگری خود در غزه که خواست اصلی وزرای افراطی است ادامه دهند.

■ **ضربات متوالی مقاومت** هر چند کابینه اسرائیل گزینه به‌تداوم حملات به غزه را همچون شمشیر داموکلس بر سر فلسطینیان قرار داده تا بتواند آنها را به تسلیم در میز مذاکرات

وادر کند اما گروه‌های مقاومت چندان ندر دست بسته نیستند و در روزهای اخیر دستاوردهای زیادی را در عرصه میدانی کسب کرده‌اند که تحلیلگران و فرماندهان اسرائیلی را به حیرت واداشته است. روزنامه اسرائیل هیوم دیروز به نقل از یک منبع امنیتی نوشت: ارتش اسرائیل با مشکلات و چالش‌های قابل توجهی در مواجهه با روش‌های عملیاتی مختلف حماس روبه‌رو است. حماس به روش عملیاتی مبتنی بر فدائگری، با جسارت دیدن‌دادن و به روند حملات و روی آورده است. بر اساس این گزارش، ارزیابی‌های امنیتی نشان می‌دهد که تلاش‌های اسرائیل برای گرفتن افزایش خواهد یافت و حماس امیدوار است که با مقاومت در نقاط ضعف ارتش را شناسایی کند.

در تازه‌ترین عملیات مبارزان فلسطینی، روزنامه «یدیعوت آحرانوت» روز یک‌شنبه گزارش داد: «در جریان سه درگیری نظامی امروز در مناطق شمالی و جنوبی نوار غزه، پنج سرباز ارتش رژیم صهیونیستی زخمی شدند.» رسانه‌های اسرائیلی همچنین از وقوع یک حادثه امنیتی جدید در ارتش اسرائیل را با استفاده از یک بمب کارگذاری‌شده قبلی در مسیر امدادرسانی «کسوفیم» در شمال‌شرق شهر خان‌یونس، واقع در جنوب نوار غزه، منجر و منهدم کرده است. در همین حال، یک رسانه اسرائیلی از درگیری مستقیم نیروهای مقاومت فلسطین و نظامیان صهیونیستی در خان‌یونس خبر داد.

مگانه

حنیف غفاری

نتانیاوهو تر از نتانیاوه!

بدون شک افرادی که قتل و تجاوز در نظام بین‌الملل را تنویزه می‌کنند اگر بدتر از خود قاتلان نباشند در سطح آنها قرار دارند! این قاعده در خصوص صدراعظم آلمان نیز صادق است. اقدامات و مواضع فردیش مرس دیگر نه مصداق حمایت از رژیم صهیونیستی بلکه به معنای شراکت آگاهانه‌وی در جنگ ۱۲ روزه اخیر محسوب می‌شود. صدراعظم آلمان در این باره موضعی وقیحانه اتخاذ کرده و می‌گوید: تجاوز بزدلانه رژیم صهیونیستی به ایران مطابق با قوانین و حقوق بین‌الملل بوده است؛ ادعایی که حتی شخص نتانیاوهو نیز از ابراز آن ابا دارد!

ادعای مرس به اندازه‌های حماقت‌آمیز است که اساساً پاسخ دادن به آن به لحاظ حقوقی موجب وهن ادبیات حقوق بین‌الملل و قواعد امره خواهد بود. اما در تشریح فرامتن مواضع صدراعظم آلمان دو نکته اساسی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد: نخست اینکه پس از کناره‌گیری سیاستمدارانی مانند گرهارد شرودر و انگلا مرکل از مسند قدرت شاهد حضور نسل جدید سیاستمداران آلمانی در مسند قدرت هستیم. این تغییر نسل معطوف به سن و سال سیاستمداران نیست، منبعت از روش حکمرانی آنها در برلین است. ترکیب کمپنیسم و رادیکالیسم در حوزه سیاست داخلی و خارجی آلمان طی سال‌های اخیر به نقطه اوج خود رسیده است. اگرچه تا قبل از حضور افرادی مانند اولاف شولتس و فردریش مرس در رأس هرم قدرت در برلین نیز دو حزب سوسیال‌دموکرات و دموکرات‌مسیحی آلمان خود را متغییری وابسته به لای صهیونیسم در اروپا و تل آویو قلمداد می‌کردند اما حداقل در عرصه دیپلماسی عمومی تاخودوی توازن «هزینه – فایده» مواضع آشکار خود را مورد محاسبه و مذاقه قرار می‌دادند. اما اکنون خبری از این موضوع نیست! اولاف شولتس، صدراعظم سابق آلمان در بحبوحه نسل‌کشی غزه و در حالی که هزاران زن و کودک بی‌پناه فلسطینی بر اثر بمباران غزه و خان‌یونس به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسیده بودند، این نسل‌کشی آشکار را مصداق «همیشه – فایده» مواضع آشکار خود را مورد محاسبه و مذاقه قرار می‌دادند. اکنون نیز مرس نتانواژ آشکار آمریکا را رژیم اشغالگر قدس به خاک ایران را امدادی از همان دفاع مشروع منوهمانه و توحش آمیز قلمداد می‌کند.

نکته دوم اینکه فقدان عقلانیت حداقلی در کنار میل به مداخله‌گرایی حداکثری در نقاط دیگر دنیا تبدیل به دو پاشنه آشیل اساسی در برلین شده است. پس از انعقاد پیمان ماستریخت و تشکیل اتحادیه اروپا، ژرمن‌ها از تبلور عقلانیت جمعی اروپاییان در بطن رهبری هوشمندانه خود در ساختار جدید این اتحادیه به سخن می‌گفتند اما اکنون آنچه در آلمان خودنمایی می‌کند چیزی جز آثار شریسم و توحش سیستماتیک نیست. ترکیب این مؤلفه‌های خطرناک با یکدیگر رنه تنها از برلین باز یگری خطرناک در نظام بین‌الملل ساخته، بلکه آینده اجتماعی و سیاسی این کشور را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. دلیل اقبال شهروندان آلمانی به گروه‌های ضد اروپایی و احزابی مانند ال‌ترناتیو برای آلمان (AFD) چیزی جز اثبات تاکارآمدی حکمرانی احزاب ستی در این کشور اروپایی و ادراک آشفتنی مزمن داخلی در برلین نبوده است. آلمان اکنون تبدیل به باز یگری زجران‌ساز و جنگ‌طلب در نظام بین‌الملل شده اما در آینده‌ای نه چندان دور این کشور تبدیل به «مدافع فروپاشی اروپای قرن بیست و یکمی» و «مقتدر د اروپا به نیمه قرن بیستم» خواهد شد. تحقق این پیش‌بینی با توجه به حضور سیاستمداران فاقد عقلانیت و درایت در برلین دور از دسترس نیست.

اخبار گوناگون

■ **نتانیاوه مسئولیت ترور دانشمندان ایرانی را بر عهده گرفت**

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای نخستین بار مسئولیت ترور دانشمندان ایرانی در سال‌های گذشته را بر عهده گرفت؛ اقدامی که تل آویو پیش‌تر آن را رد می‌کرد. بنیامین نتانیاوه در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیز گفت: ما قبلاً هم دانشمندان ایرانی را حذف کرده‌ایم، اما در جنگ اخیر، چهره‌های بسیار برجسته‌تری را هدف قرار دادیم. وی همچنین اعلام کرد که با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی تلاش می‌کند. وی اعلام کرد که تل آویو در تلاش است به توافقی برای برقراری آتش‌بس ۶۰ روزه در نوار غزه دست یابد. نتانیاوه همچنین گفت که در جریان سفر اخیر خود به ایالات متحده با دونالد ترامپ درباره دستیابی به توافقی در غزه همکاری داشته است و ابزار امیدواری کرد که این تلاش‌ها به نتیجه برسد. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بدون اشاره به خسارت‌های زیادی که این رژیم در جنگ با ایران متحمل شده است، در اظهاراتی غیرواقعی مدعی شد که تل آویو پیروزی بزرگی در برابر ایران به دست آورده است و این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز رشد چشمگیری باشد! وی بدون اشاره به مشکلات داخلی که وی را وادار کرد برای آتش فراز از آن به جنگ‌های خارجی دست بزند، ادعا کرد: حکومت ایران در وضعیت بسیار دشواری قرار دارد و باید تحت نظارت باقی بماند.

■ **عراق به دنبال تقویت نیروی هوایی خود است**

یاسر اسکندر عضو کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان عراق روز یک‌شنبه اعلام کرد که این کشور به دنبال تقویت نیروی هوایی خود بوده و تحولات اخیر در منطقه نشان داد که این موضوع برای عراق بسیار حائز اهمیت است. به گزارش خبرگزاری المعلومه، وی در ادامه افزود: عراق از سه سال قبل تلاش دارد نیروی هوایی و پدافند هوایی خود را تقویت کند. روند خرید تجهیزات فنی و اداری باید تسرع شود. اسکندر به تخریم حرم هوایی عراق توسط رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران اشاره کرد و گفت که این مسئله نشان داد در این خصوص ضعف داریم. وی بیان کرد که عراق باید بتواند از حرم هوایی خود حفاظت کرده و تحت نظارت باقی بماند.

■ **ماکرون نخست‌وزیر انگلیس را میمون مطیع خطاب کرد**

روزنامه دیلی اکسپرس فاش کرد که اماتویل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه در جریان سفر اخیر خود به کراستارم نخست‌وزیر انگلیس توهین کرده است و او را یک میمون مطیع خطاب کرد. در این گزارش آمده است که بحران مهاجرت که انگلیس و اتحادیه اروپا را محاصره کرده موضوع مورد بحث نشست اخیر میان ماکرون و استارمر بوده است. دیلی اکسپرس اضافه کرد که ماکرون موفق شده انگلیس را به مرکز مهاجران برای حمایت از کشورهای اتحادیه اروپا در برابر آنها تبدیل کند. این روزنامه نوشت که خروج انگلیس از اتحادیه اروپا باعث خدشه دار شدن جایگاه این کشور شده است.

■ **گروه وابسته به داعش، ۶۶ غیر نظامی را در کنگو قتل‌عام کرد**
آسوشیتدپرس به نقل از مقامات محلی اعلام کرد که افراد مسلح وابسته به گروه «نیروهای دموکراتیک متحد» که بنا داشت بیعت کرده‌اند، طی حمله‌ای در منطقه «ایرومو» واقع در شرق جمهوری دموکراتیک کنگو، ده‌ها غیرنظامی را کشتند. این منطقه که در نزدیکی مرز اوگاندا قرار دارد، یکی از نقاط نارام شرق کنگو است که از مدت‌ها قبل شاهد فعالیت گروه‌های مسلح و شورش است. زان توبی اوکالا، سخنگوی هیئت سازمان ملل در استان‌ای توری، این حمله را که «حمام خون» توصیف کرد و گفت: بین روزهای پنج‌شنبه تا جمعه، حدود ۳۰ نفر در منطقه ایرومو کشته شدند. با این حال، منابع محلی و فعالان جامعه مدنی اعلام کردند که آمار قربانیان تا روز شنبه به ۶۶ نفر افزایش یافته است.



اجرای نمایش «کهنه» در تئاتر شهر

نمایش «کهنه» به کارگردانی حسین اسدی و تهیه‌کنندگی امیرحسین ششقیعی از مردادماه در تالار سنا به مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.

این نمایش به نویسندگی قحیل جماعتی و با حمایت باشگاه تئاتر سوره و شرکت پانته‌های نفتی ایران، در چهل و دومین جشنواره تئاتر فجر روی صحنه رفت و با نامزدی در پنج بخش؛ در بخش‌های کارگردانی، بازیگری و موسیقی مورد تجلیل قرار گرفت. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «چقدر سبت گذشت آدم به این میوه گند لب‌ن‌زن، این دختر وصله تن تو نیست ولی زدی، فراموشم کردی، عین آب میون چیت زار.» جهانشیر یاراحمدی، عبد بناری، الهام چنانی، علی نبی‌پور، میلاد سعیدی، امیرمحمد شماسی، محمدرسید محمدپور، دانیال جعفری و دنیا فخر گروه بازیگران نمایش «کهنه» را تشکیل می‌دهند. همچنین پیش‌فروش بلیت‌های سه روز نخست این نمایش از امروز، یکشنبه ۲۲ تیرماه در سایت تیوال آغاز می‌شود.



نمایش ویژه «خدای جنگ» در سینما بهمن تهران

نخستین رویداد «سینما تک انقلاب» با نمایش فیلم سینمایی «خدای جنگ» و با حضور کارگردان آن حسین دارابی، روز دوشنبه ۲۳ تیرماه ۱۴۰۴ در سینما بهمن تهران برگزار می‌شود. ویژه‌نامه فرهنگی سینما تک انقلاب از ساعت ۱۴ تا ۱۷ در سینما بهمن واقع در میدان انقلاب تهران برگزار می‌شود. در نخستین نوبت سینما تک انقلاب، حسین دارابی، کارگردان فیلم سینمایی خدای جنگ حضور دارد و به سوالات حاضران پاسخ می‌دهد. «سینما تک انقلاب» با ابتکار مؤسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبزاندازی شده و باهمت و مشارکت مدرسه فرهنگ در اولین دوره سراغ فیلم خدای جنگ رفته‌است. فیلم «خدای جنگ» روایتی سینمایی از مهم‌ترین دستاوردهای موشکی ایران در دوران دفاع مقدس است، داستانی واقعی از تولد یک موشک‌بارانی که امریکایی‌ها آن را «خدای جنگ» نامیدند. این اثر پس از اکران آنلاین، برای نخستین‌بار روی پرده یک سینما به نمایش درمی‌آید.



اجرای اپرای «عاشورا» در تالار فردوسی

اپرای عروسی «عاشورا» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی بهروز غریب‌پور، ۲۴ تیرماه در تالار فردوسی روی صحنه می‌رود.

اپرای اپر موسکی «عاشورا» به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرمخاطب‌ترین تولیدات گروه «آران» به‌شمار می‌رود و با وجود گذشت بیش از ۱۵ سال از نخستین اجرا، همچنان هر سال باقبال تماشاگران هم‌راه است. همچنین این اثر به تازگی و در جریان برگزاری جشنواره تئاتر «چخوف» در روسیه، در سالن بالاشوی تئاتر مسکو روی صحنه رفت. اپرای «عاشورا» با پژوهشگری نویسندگی، طراحی و کارگردانی بهروز غریب‌پور در سال ۱۳۸۷ ساخته شده است. در ساخت این پروژه بهزاد عبدی (هنگسار)، ولادیمیر سیکر (کورلر) رهبر ارکستر)، گروه کر و ارکستر ناسیونال اوکراین با همکاری اعضای گروه کر ارکستر سمفونیک تهران (اجرای موسیقی) و حمید آداب (میکس و مسترینگ نهایی) حضور داشته‌اند. اپرای «عاشورا» از ۲۲ تیر تا ۱۲ مردادماه از ساعت ۱۹:۳۰ با همکاری بنیاد رودکی و گروه اپرای ملی آران در قالب پروژه «خمیه هنر» توسط معاونت امور هنر در تالار فردوسی روی صحنه می‌رود.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۰۰۸۵۲۳۲۰۰
فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز
نوبت ۹۴۲ ۸۸۷۲۰۰
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۲۲۵۱ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ | ۱۸ محرم ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۴۱ | اذان مغرب: ۱۹:۴۱ | شمس‌به‌شرعی: ۲۳:۱۹ | اذان صبح فردا: ۴:۱۶ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۹ |

امام حسین علیه‌السلام:

تاوان ترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است که در سلام بخل ورزد.

بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴

پیمان جبلی در جریان بازدید سفرای ۲۸ کشور خارجی از بقایای ساختمان شبیشه‌ای خبر داد

حمله به ساختمان شیشه‌ای با موشک سنگر شکن!

ماشود این ساختمان تخریب شده و آثار سوختگی و خرابی در آن به چشم می‌خورد، اما ایستادگی این ساختمان، نمادی از ایستادگی همکاران رسانه ملی، نمایندگی برای تمام رسانه‌ها در ایران و نماد شجاعت و مقاومت ملت ایران است.

■ **عقل سلیم حکم می‌کرد آنجا نباشیم**
سحر امامی (مجری) و هومن خلیلی (مدیر اتاق فرمان شبکه خبر) نیز در لحظه اصابت موشک‌های رژیم جعلی صهیونیستی به ساختمان شیشه‌ای، در جمع این افراد حضور داشتند. هومن خلیلی کارگردان اتاق فرمان در این بازدید در سخنانی گفت: روز حمله چون از قبل می‌دانستیم اکثر ساختمان شیشه‌ای خالی شده بود، اما تعدادی از بچه‌ها در ساختمان شبکه خبر حضور داشتند. وی اضافه کرد: ما مشغول کار بودیم که صدای انفجار آمد و عده‌ای از دوستان از اتاق فرمان خارج شدند، خانم امامی آن لحظه رو اتن بود و بیانه‌ی شورای امنیت را می‌خواند. لازم بود این بیانه خوانده شود و آن لحظه مجری حضور داشته باشد. خلیلی درباره شرایط آن زمان عنوان کرد: عقل سلیم حکم می‌کند که این فضا را ترک کنید، ولی چون خدا خواست صحنه‌ای خاص برای مردم به نمایش دربیاید و ما عناصر آن صحنه باشیم، صحنه‌ای را به مردم نشان داد که بگوید ما یا شما هستیم. وی در پایان گفت: در تمام لحظه‌های سخت انقلاب هر جا که به مو می‌رسد خدا وارد صحنه می‌شود و این همان صحنه است. خدا را شکر خانم امامی به بهترین شکل و با اقتدار کامل برنامه را اجرا کرد.

■ **همه چیز معجزه بود و ایمان**
همچنین سحر امامی نیز در سخنانی عنوان کرد: اینجا ساختمان شیشه‌ای رسانه ملی جایی است که در ۲۶ خرداد مورد تجاوز آشکار رژیم قرار گرفت. جایی که از ابتدای جنگ ۱۲ روزه تحمیلی رژیم صدها نفر از خبرنگاران را به عنوان آشنای متعهد و عاشق در صحنه نبرد برای مردم ایران صدای شدند برای رساندن آنچه در میدان صورت گرفته، صدای تجاوزهایی که از سوی رژیم به خاک مقدس ایران انجام شد. وی اضافه کرد: استودیویی که پشت سر من مشاهده می‌کنید، سال‌ها استودیوی ضبط برنامه‌های مختلف بوده؛ از روایت‌هایی که در میدان می‌گذشت تا برنامه‌های خبری شبکه خبر که خودش آن را نگفته است. در نسخه پیکسار، زنی داخل خودرو در لحنی خودمانی می‌گوید: وقتی به تماشای داستان‌های اورجینال دیزنی نمی‌روید و آن‌ها حمایت نمی‌کنید، شکایت کردن از دیزنی برای نساختن آنها را تمام کنید. این واکنش که بوی ناامیدی و سرخوردگی می‌دهد، چند روز پس از آن منتشر شد که «الیو»، تازه‌ترین تلاش اورجینال پیکسار، با شکستی سنگین در گیشه مواجه شد. این فیلم فقط ۵۵/۱ میلیون دلار در آمریکا و ۹۷/۷ میلیون دلار در سطح جهانی فروخت، در حالی که بودجه تولیدش از ۲۰۰ میلیون دلار فراتر بوده‌است. چنین آماری برای فیلمی که قرار بود پرچمدار داستان گویی مستقل پیکسار باشد، فاجعه‌بار است.

اما با آنکه ویدئو منتشرشده توسط این کمپانی امریکایی ممکن است اندکی عصبی و ناامیدانه به نظر برسد، اما بسیاری از ناظران آن را واکنشی قابل درک می‌دانند، چراکه در سال‌های اخیر، شکایت‌های زیادی از تماشاگران درباره

رونی، عبدالرازق گورنه، بریسیوال اورت، ریچل کوشتر، ویت تان نگوین و جونو دیاز در کنار بیش از ۷ هزار و ۵۰۰ نویسنده و شاعر دیگر از سراسر جهان پای یک بیانییه، آن را به بزرگ‌ترین «تحریم تاریخی اسرائیل» بر صدر رسانه‌های جهان نشاند.

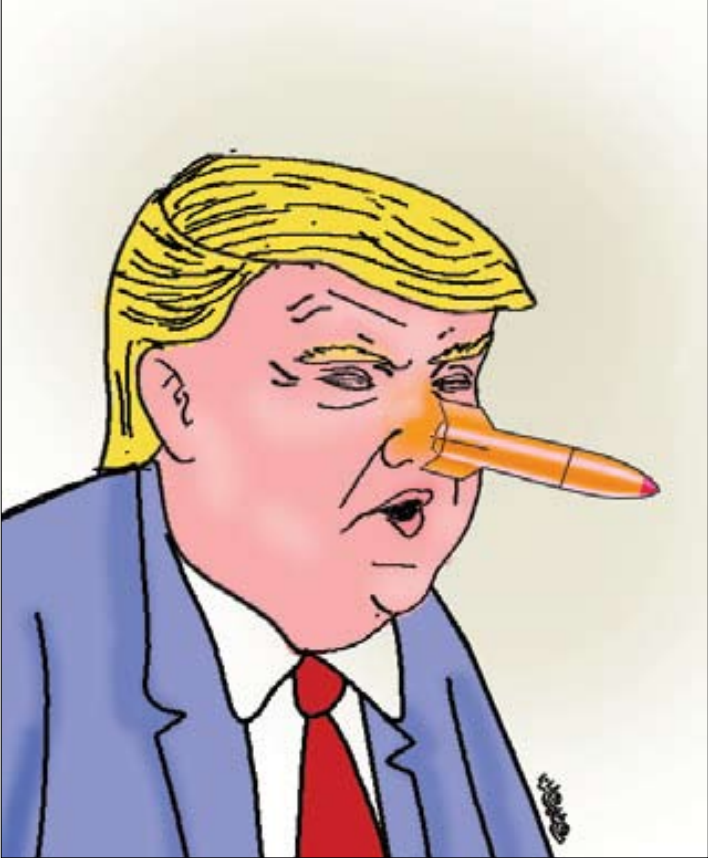
امضاکنندگان این بیانییه اعلام کرده‌اند که با ناشران، جشنواره‌ها، آژانس‌های ادبی و نشریاتی که در نقض حقوق فلسطینی‌ها یا اجرای سیاست‌ها و شیوه‌های تبعیض‌آمیز یا توجیه اشغال، نژادپرستی یا نسل‌کشی اسرائیل شریک هستند، همکاری نخواهند کرد. همچنین نهاد‌هایی که هرگز علناً حقوق مسلم مردم فلسطین را که در قوانین بین‌المللی تصریح شده (است) به رسمیت نشناخته‌اند نیز تحریم خواهند شد.

در کنار این دست از اقدامات، باید از خلق آثاری یاد کرد که طسی حدود دو سال گذشته در سراسر جهان با تمرکز بر زندگی در غزه، فرهنگ و تاریخ این خله و اقدامات نژادپرستانه رژیم صهیونیستی امضای نویسندگان بزرگ چون سالی



مردم سن، سیاهپوستان آفریقایی و دورگه‌های امریکایی، رنج‌های پنهان و وحشتناکی را تحمل کرده‌اند که اکثر ما فقط سایه‌هایی از آن را در روان و روح آسیب‌دیده با زمانه‌گان می‌بینیم؛ هم در نسل بردگان و هم در نسل برده‌داران. اگر با دقت به امریکا نگاه کنید، تمام تاریخش را خواهید دید.»

می‌توانیم در سخت‌ترین شرایط هم روی حدود دو دهه پیش اعتراض خود را به



پیکسار ناکامی آثارش در گیشه را به پای تماشاگران نوشت

رویکرد تجاری و تکراری پیکسار شنیده شده، اما فیلم‌های اورجینال این استودیو مانند «روح»، «لوکا» و «فرمز شدن» یا قربانی دوران پاندمی کرونا شده‌اند یا مستقیماً در دیزنی پلاس منتشر شدند و از فرصت رقابت در گیشه محروم ماندند. «المنتال» نیز اگرچه در ابتدا کند عمل کرد، اما در نهایت توانست تماشاگران بیشتری را جذب کند.

استودیو امپدوار است «الیو» هم چنین روندی را طی کند، اما با توجه به آمار اولیه، این امید بعید به نظر می‌رسد. اگرچه «الیو» فیلم بدی نیست، اما طبق بسیاری از نقدها، به استانداردهای طلایی پیکسار نمی‌رسد. منتقدان بر این باورند که پیکسار نزدیک به یک دهه است که در تولید داستان‌های اورجینال در خشان، به سطح گذشته خود نرسیده است. بسیاری از این انتقاده‌ها به دورانی برمی‌گردد که پیکسار تحت مدیریت جان لستر فعالیت می‌کرد؛ مدیری که با وجود همه حاشیه‌هایش، در دوران خود، پیکسار را به قلب‌ای بی‌سابقه در تولید آثار کلاسیک انیمیشن رساند. پس از خروج او در سال ۲۰۱۸، دوران طلایی پیکسار به پایان رسید و تاتش‌های بعدی برای احیای آن، به‌ندرت موفق بوده‌اند.

در مقابل، فیلم‌های وابسته به فرانچایز همچنان موفقند: «درون و بیرون ۲» با فروش ۱/۷ (میلیارد دلاری یکی از پرفروش‌ترین آثار انیمیشن تاریخ شد. پیکسار هم به نظر می‌رسد در برنامه‌های آینده‌اش بار دیگر به دنباله‌سازی بازگشته: «داستان اسباب‌بازی ۵» برای سال آینده و «گفت‌انگیزان ۳» نیز در صف تولید قرار دارند. همچنین اخیراً عنوان شده است که این کمپانی در حال ساخت دنباله‌ای برای انیمیشن محبوب «موش سراسبز» است. دوران بازی پیکسار، تقریباً بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷، شامل مجموعه‌ای بی‌نظیر از آثار موفق بود: «داستان اسباب‌بازی»، «وال-ئی»، «موش سراسبز»، «سگین در گیشه مواجه شد. این فیلم فقط ۵۵/۱ میلیون دلار در آمریکا و ۹۷/۷ میلیون دلار در سطح جهانی فروخت، در حالی که بودجه تولیدش از ۲۰۰ میلیون دلار فراتر بوده‌است. چنین آماری برای فیلمی که قرار بود پرچمدار داستان گویی مستقل پیکسار باشد، فاجعه‌بار است.

اما با آنکه ویدئو منتشرشده توسط این کمپانی امریکایی ممکن است اندکی عصبی و ناامیدانه به نظر برسد، اما بسیاری از ناظران آن را واکنشی قابل درک می‌دانند، چراکه در سال‌های اخیر، شکایت‌های زیادی از تماشاگران درباره

با دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت

تشکیل کارگروه رسیدگی به هنرمندان خسارت‌دیده از جنگ

طریق معاونت‌های تخصصی در وزارت ارشاد احصا شد و در نهایت به لیستی رسیدیم که شامل هنرمندان متفاوتی بود که خسارت بعضی‌ها جدی در بعضی در حد شکستن شیشه و خرابی‌های کم بود؛ همکاران صندوق هنر به محل حادثه رفتند و من هم چندبار تلفنی تماس گرفتم و در نهایت بعضی خسارت‌ها جبران شد. رئیس مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: خانه‌های بعضی از هنرمندان خسارت‌دیده استیجاری بود و به دلیل خرابی امکان سکنی گزیدن نبود. قرار شد وام‌هایی به خسارت‌دیدگان داده شود. این وام براساس درخواست افراد و میزان خسارت‌هاست؛ قرار شد کارگروه‌ای با نظارت صندوق هنر که بازوی اجرایی وزارت خانه است، بازدیدی داشته باشند و در هفته جاری گزارش‌هایشان را بیاورند تا اقدامات عملی صورت گیرد؛ مثلاً بنیاد رادی به صورت فوری قرار است این کار را انجام دهد و با همکاری مؤسسه‌های زیرمجموعه مکنی برای آنها اجاره شود. حسینی‌پور تصریح کرد: در عین حال وزارت مسکن و شهرسازی رسیدگی به خسارت‌دیدگان دولت تعیین کرده برای هنرمندان و اهالی فرهنگ و رسانه کارها را پیش می‌برد؛ البته کارهای ما حداقلی است تا بتواند تسکینی باشد برای مشکلات هنرمندان؛ او درباره آمار خسارت به هنرمندان گفت: آماری که به دست آوردیم متفاوت است نزدیک به ۵۲ نفر، دفتر و نهاد فرهنگی بودند که در جنگ خسارت دیدند و این آمار در حال زیاد شدن است؛ مثلاً در بخش خسارت چاپخانه‌ها، اتحادیه‌ها و نهادهای صنفی وارد کار شدند و با صنفی‌که خسارت دیده بودند، همدلی و همراهی کردند.



با دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، کارگروه رسیدگی به هنرمندان خسارت دیده از جنگ ۱۲ روزه به ریاست حسین انتظامی معاونت توسعه و مدیریت منابع وزارت فرهنگ و ارشاد و همراهی معاونت‌های تخصصی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل و هفته گذشته نخستین جلسه این کارگروه برگزار شد. به گزارش «جوان»، نیکدام حسینی‌پور، مشاور وزیر و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درباره اقدامات و تصمیمات این کارگروه گفت: بعد از جنگ ۱۲ روزه با توجه به خسارت‌هایی که به حوزه‌های مختلف وارد شده بود برای ارزیابی و رسیدگی به خسارت‌های وارد شده به ذی‌نفعان وزارت فرهنگ و ارشاد کمیته‌ای در وزارتخانه تشکیل شد. وی ادامه داد: در اولین قدم در این کمیته مقرر شد خسارت‌هایی که هنرمندان اهالی فرهنگ و هنر و رسانه دیده بودند، احصا شود؛ این خسارت‌ها بخشی در مناطق مسکونی، دفاتر کاری فیلمسازان، ناشران، کتابفروشان و اهالی رسانه حتی کلیساها ایجاد شده بود که این خسارت‌ها از